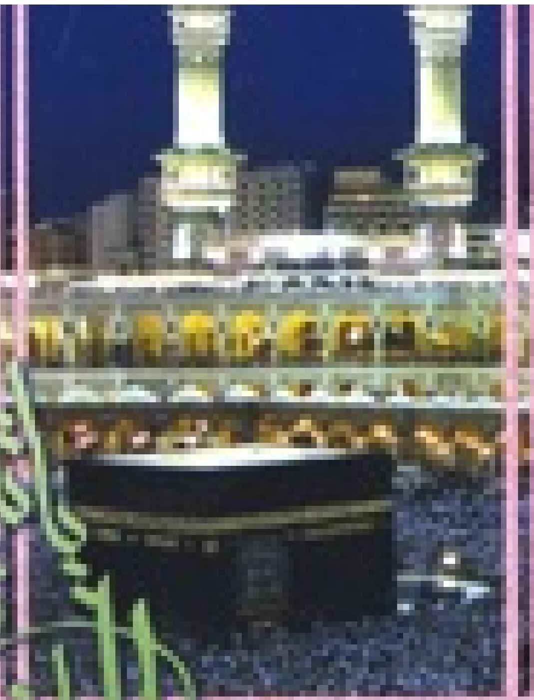
۱





آزموده‌ها

ویژه بانوان معینه

پیش درآمدی بر شرح وظایف و مأموریت معینه های کاروان حج

حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت
معاونت امور روحانیون
واحد خواهران

بسم الله الرحمن الرحیم

آزموده ها

نویسنده:

مرکز تحقیقات حج

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آزموده ها جلد ۱

مشخصات کتاب

نام کتاب: آزموده ها

نویسنده: معاونت امور روحانیون

موضوع: مرجع

زبان: فارسی

ناشر: نشر مشعر

ص:۱

اشاره

ص:۲

آزموده ها (۱)- ویژه بانوان معینه، پیش در آمدی برشرح وظایف و مأموریت معینه های کاروانهای حج

مقدمه

را از ملال خودگرایی و تب جانکاه گناه و خستگی دوری از یاد خدا نجات بخشد و به بهشت خداجویی و تقوا و یاد خدا رهنمون سازد.

امور روحانیون نمایندگی ولی فقه در حج و زیارت، که وظیفه خدمتگزاری روحانیان محترم کاروانها را در جذب، آموزش و اعزام بر عهده دارد، این نوشته را به عنوان یادآوری آموخته‌ها و آزموده‌های عزیزان روحانی در عمره ۷۹ فراهم آورده و انتظار آن دارد که با پیشنهادها و انتقادها، این طرح را پربارتر و بارورتر سازد.

شایسته است در این جا، از همکاری دفتر نمایندگی بعثه مقام معظم رهبری در عربستان و حجج اسلام آقایان فلاح زاده، مقدادی و رضوانی، که در پدید آمدن این نوشتار ما را یاری رسانیده‌اند، تشکر می‌نماییم.

والسلام علیکم و رحمهٔالله و برکاته

امور روحانیون

حوزه نمایندگی ولی فقیه در حج و زیارت

ص:۳

توضیح

دانش بشری بیش از هر چیز وامدار آزموده‌های انسانهای پرتلاش تاریخ است؛ آزموده هایی که رشد و بالندگی در همه شاخه‌های دانش انسانی را برمی‌تابد و همواره مورد توجه و گرامیداشت اسلام و فرهیختگان مسلمان بوده است.

در هدایت و راهبری کاروانهای زیارتی حج و عمره، مربّیانِ زائران در بهینه سازی خدمات فرهنگی و عرفانی، روشهایی گوناگون را در شرایطی متفاوت تجربه کرده‌اند و این تجره‌ها را خود آزموده و اندوخته‌اند و این در حالی است که مربّیان امروز همچنان باید برای کسب آزموده‌های همکاران دیروز، خود بیازمایند و گاهی با شکست نیز روبه رو شوند.

دفتر نمایندگی بعثه مقام معظم رهبری در عربستان، از عمره سال ۷۸ بر آن شد تا تجربه‌ها و آزموده‌های موفق روحانیان کاروانها را گرد آورد و در اختیار همگان بگذارد تا بدین وسیله، زمینه بهره برداری بیشتر را فراهم کند. آنچه پیش روی دارید،

ص:۴۰

حاصل آزموده‌های روحانیان عمره سال ۷۸ است. به امید آن که با بهره مندی از تجربه‌های موفق شما برادران عزیز، کیفیت این حرکت روی به بهبود و شکوفایی و بالندگی نهد.

شایسته تذکر است، آزموده‌ها در شرایط و زمان و مکان ویژه خود با توفیق روبه رو خواهند شد و از این رو، برای استفاده از این آزموده‌ها، می‌باید شرایط و روحیات زائران خود را بازشناسید و مواردی را که مفید می‌دانید به کار گیرید. پیشاپیش، کسانی را که در بهینه بخشی این حرکت، با پیشنهادها و انتقادهای خود ما را یاری می‌کنند، سپاس می‌گوییم.

دفتر نمایندگی بعثه مقام معظم رهبری

در عربستان

ص:۵

آزموده‌ها انتظارات از روحانی کاروان

فصل اول: جایگاه روحانی کاروان

اشاره

سفر زیارتی حج و عمره و عتبات، سرشار از معنویت، عرفان و تقرب به خداوند است و بیشتر زائران، که سالها در انتظار چنین سفری بوده‌اند، آماده بهره‌گیری از آنند و روحانی کاروان، شمع پر فروغ و هدایتگر کاروانیان به سوی اهداف بلند سفر و واسطه این فیض است.

در سفر حج، که به فرموده حضرت امام خمینی (قدس سرهم) «سفر الی الله» است، روحانی وظیفه راهبری و توجیه معنوی زائران و ایجاد پیوند استوار و پیوسته زائران با خدا را به عهده دارد. هنگامی که در مکّه با آن دسته از زائران ایرانی روبه‌رو می‌شویم که بی کاروان و روحانی بدان مکان مقدّس مشرف شده‌اند و بدون احرام به حرم پای می‌نهند و یا احرام و اعمال را برابر با فتوای اهل‌سنت انجام می‌دهند و یا کسانی که سابقه تشرّف

ص:۶

دارنـد و بـدون نظـارت روحانی، اعمال را باطل انجام می‌دهنـد و متحیّر در عمل خود باقی می‌ماننـد، به ضـرورت وجود روحانی در کـاروان و جایگـاه او بهتر و بیشتر پی می‌بریم. از این رو زائران، خود، طـالب حضور در کـاروانی هسـتند که از روحانی موفقی سود جویـد و آنان بتواننـد اعمال و مناسک خویش را به گونه صـحیح به انجام رساننـد. روحانی هم جان آدمی را صـیقل می‌دهـد و هم زمینه‌هـای صـحیح ارتبـاط با جانان را فراهم می‌سازد و راههای حفظ این ارتباط را نشان می‌دهـد. او طبیب دوّاری است که در تمام مراحل سـفر در خـدمت زائر و کاروان است. همه افراد روحانی وظیفه دارنـد که این جایگه بلنـد و نعمت بزرگ خداونـدی را پاس دارنـد که موجب شده است همسـفران بدانان ارج نهند و مصداق سـخن امام علی (علیه السـلام) شوند که فرمود: «مَنْ وَقَّرَ عالِماً فَقَدْ وَقَّرَ رَبَّهُ». (۱)

انتظارها از روحانی کاروان

روحانی کاروان خود را خدمتگزار زائر می‌داند و زائران هر یک به قدر معرفت خویش از روحانی انتظارهایی دارند، ولی باید توجه داشت که وظیفه روحانی خدمت به زائران برای انجام صحیح اعمال است و امور اجرایی کاروان بر عهده او

۱- ۱. کافی الدین علی بن محمد اللیثی الواسطی، عیون الحکم و المواعظ، کلمه ۷۶۲۹.

ص:۷

نیست. در زیر کوشیده‌ایم مهمترین وظایف روحانیان کاروان را باز نماییم و به اختصار از آن سخن گوییم.

۱- برخورد همراه با محبت

سفر، خود، با مشکلات و جداییها و اشتغالات فکری رو به روست و سفر زیارتی حج یا عمره به دلیل اعمال و مناسک خاص خود، برای برخی کسان دل نگرانیهایی به همراه می‌آورد و زائران در این سفر به مسئولان کاروان (مدیر و روحانی) اعتماد و تکیه دارند. از این رو، چون روحانی، مربّی و معلّم زائران به حساب می‌آید، سزاوار است بـا محبت و مهربانی و رأفت خویش، آنان را دلگرم کند که این، خو از اخلاق پیامبر گرمی و اهل بیت پاک او (علیهم السلام) است؛ چنان که امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «حُسْنُ الْخُلْقِ یُورِثُ المَحَبَّهَ و یُوکَّدُ المَوَدَّهْ». (۱)

۲- تواضع و فروتنی

چون زائران احساس کنند که روحانی کاروان یکی از آنان است، راه‌حل مشکلات اعمال گذشته خود را از او می‌پرسند و خواستار راهنمایی و همراهی‌اش برای آینده خویش می‌گردند. بدیهی است که با وجود روحیّه خودبرتربینی در فرد

.

۱- عیون الحکم و المواعظ، کلمه ۴۴۰۰.

ص:۸

روحانی، این ارتباط و همراهی پدید نمی‌آید. خداوند به پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) فرمان می‌دهد که (وَاخْفِضْ جَناحَکَ لِمَنَ اتَّبَعَکَ مِنَ المُومِنینَ) (۱)و این نشان از تأثیر کارساز فروتنی در توفیق مبلّغان و آموزگاران دینی و آسمانی است و نیز در حدیث است که «التَّواضُعُ یَرفَعُ الوَضیعُ». (۲)

۳- عزّت نفس

زائران کاروان، خواهان کسب فیض و راهنمایی از روحانی خویشند و این جز از گذر عزّت نفس فرد روحانی به دست نمی‌آید. اگر زائران از روحانی عزّت نفس نبینند، به مواعظ و راهنماییهایش با شک و تردید می‌نگرند. عزّت نفس در وجود مقدس پیامبر رحمت (صلی الله علیه وآله) در حد کمال بود؛ چنان که خداوند از مکنون قلب آن پیامبر بزرگ آسمانی (صلی الله علیه وآله) وحی کرد که (قُلْ ما أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ اجْر). (۳)

۴- احترام گزاردن به افراد

برخورد همراه با محبت در جذب افراد کافی نیست، بلکه باید شخصیت‌افراد را نیز ارج‌نهاد و این هنگامی عملی‌می‌شود

۱- سوره شعراء، آیه ۲۱۵.

۲- عیون الحکم و المواعظ، کلمه ۸۵۳.

۳- سوره فرقان، آیه ۵۷.

ص:۹

که روحـانی، زائر را میهمـان پیـامبر (صـلی الله علیه وآله) و خداونـد بدانـد و بـا قطع نظر از دیگر ویژگی‌های زائران، به آنان احترام بگزارد تـا آنـان، خود را دارای جایگـاهی ویژه نزد روحـانی بداننـد و بیشـتر به او تمایـل یابنـد که «مَنْ حَسُنَ ظَنُّهُ بالنّاسِ حـازَ منهم المَحَبَّهٔ». (۱)

۵- برخورد عادلانه با زائران

گـاه در جمع کـاروان افرادی هسـتند که بنـابر دلا‌یلی به فرد روحـانی نزدیک‌ترنـد، ولی به هر حـال، برخورد روحانی با زائران باید عادلانه باشد و در رسیدگی به امور افراد حق کسی از میان‌نرود. زائران باید احساس‌کنند که روحانی به گونه عادلانه بدانان خدمت می‌کند و بدین سان، ژرفانه بدو بگرایند که «مَنْ عَدَلَ تَمَکَّنَ». (۲)

۶- توجه به افراد آسیب‌پذیر و خادمان کاروان

در هر گروهی، افراد بیمار و گرفتار و ضعیف هست.

روحانی ضمن دلجویی از چنین کسانی باید در کلّیّه برنامه ریزیهایش آنان را در نظر گیرد و از میان افراد داوطلب، به نوبت، کسانی را برای یاری آنان معرفی کند و روزانه یک نوبت

۱- عیون الحکم و المواعظ، کلمه ۷۵۲۹

۲- همان، کلمه ۷۲۸۳.

ص:۱۰

به خادمان کاروان سرکشی و از زحماتشان قدردانی کند.

۷- حضور به موقع در جلسات

نظم و انظباط در سفر برای هماهنگ‌سازی زائران در مراحل مختلف سفر دارای سهمی ویژه است و رعایت نظم در زمان تشکیل جلسات و مباحث، عاملی مؤثر در سامان بخشی برنامه هاست و زائران می‌توانند برای دیگر اوقات خود برنامه ریزی کنند. در این میان، حضور به موقع روحانی در جلسه و آغاز و انجام جلسه در زمان مقرر، نشان از احترام گزاردن به وقت زائران و برنامه اعلام شده است.

۸- سعه صدر

از ویژگی‌های ضروری مربّی و مدیر، سعه صدر و تحمل دیگران است. مربّی شایسته به نتیجه عمل و فعالیت خود می‌اندیشد و مشکلات زودگذر و بی ارزش را فراموش می‌کند. از این رو، می‌کوشد با درک مشکلات افراد، همچون طبیبی دلسوز به درمان آنان بپردازد. بدیهی است که در یک گروه صد نفره

یا بیشتر، تواناییها و حساسیتها و نقاط ضعف افراد مختلف است و روحانی باید نقش تربیتی خود را به خوبی و با شکیبایی انجام دهد. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید «آلة الریاسة سعة

ص:۱۱

الصدر.» (۱)بسیار روشن است که سعه صدر در امور دینی و تربیتی اثری ژرف و شگرف دارد.

۹- آگاه ساختن زائران

بسیاری از اماکن و مشاعر و زیارتگاه‌های مکّه و مدینه، مورد توجه زائرانند، ولی بسیاری از زائران، شماری دیگر از زیارتگاهها- مانند منطقه بدر، غدیر خم و ربذه- را نمی‌شناسند و یا زیارت نمی‌کنند. لازم است روحانی کاروان، زائران را از ارج و تقدّس آنها آگاه سازد، هرچند حضور در آنها برایشان مقدور نباشد.

۱۰- مطالب مستند

روحانیان و به ویژه کسانی که چند بار به حج تشرّف یافته‌اند، نباید در بیان مطالب به محفوظات خود اعتماد کنند، بلکه باید با مراجعه به منابع معتبر، مطالب را مستند نقل کنند تا در شنوندگان تأثیری ژرف بگذارد. این امر در کاروانهای دانشجویی و مشابه آن، که عموماً به منابع نیز مراجعه می‌کنند، اهمیتی بیشتر دارد.

۱- همان، کلمه ۲۵.

ص:۱۲

عوامل موفقیت روحانی کاروان

۱۱- حفظ حرمت و قداست لباس

گاهی روحانی کاروان در حال احرام یا هنگام سخن گفتن، از آراستگی لباس خویش غافل می‌ماند و ناخواسته بر کیفیت کار خویش آسیب می‌رساند. باید توجه داشت که حفظ وقار و آراستگی ظاهری در همه حالات، پسندیده و مطلوب است؛ چنان که امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «السّکینة عنوان العقل.» (۱)

عوامل موفقیت روحانی کاروان

عوامل موثر در موفقیت روحانی کاروان بسی پر شمارند و البته پدید آوردن همه آنها بر عهده و نیز در توان تو نیست و دیگر کسان نیز می‌باید در فراهم آوردن آنها بکوشند. در این جا تنها به عواملی که پدید آوردنشان از وظایف روحانی کاروان است، اشاره می کنیم.

۱- اصلاح قرائت و حساب سال

برای انجام این وظیفه، روحانیان از شیوه‌هایی گوناگون بهره می گیرند. از موفقترین راههای تجربه شده، معرفی زائران به روحانیان مساجد محل به وسیله نامه روحانی کاروان، حاوی

۱- همان، کلمه ۹۸۷.

ص:۱۳

درخواست او برای بررسی قرائت و تسویه حساب سال زائر است. در این شیوه، ضمن این که از توان روحانی مساجد استفاده می‌شود، زائران با روحانی مسجد محل مرتبط می‌گردند و بدین سان، شماری بسیار از آنان به برنامه‌های مساجد، جذب می‌شوند. روحانی کاروان نیز به امر اصلاح قرائت و حساب سال زائرانی که امکان معرفی آنان نیست، می‌پردازد.

۲- اعلام برنامه جلسات به گونه مکتوب

هنگامی که زائران در آستانه تشرّف و تهیه نیازهای سفر خویش هستند، باید زمان تشکیل جلسات به صورت روشن به آگاهی آنان برسد و برنامه‌های مدینه و مکّه و نیز زمان تشکیل جلسات مدینه و مکّه و

ص:۱۴

بین الحرمین، پیش از سفر و در ایران به صورت مکتوب در اختیارشان قرار گیرد تا با ملاحظه آن، دیگر کارهای خود را به زمانی دیگر واگذارند.

۳- همراهی با زائران

اگر روحانی در طول مسیر (از فرودگاه گرفته تا مدینه و مکّه و زیارت دوره) در اتوبوسهای آنان سوار گردد و با آنان همصحبت شود، مخاطبانی بیشتر خواهد داشت و با کسانی که کمتر در جلسات شرکت می کنند نیز می‌تواند سخن گوید. در

ص:۱۵

هواپیماهای کوچک، که تنها گنجایش یک کاروان را دارند، روحانی بیشتر می‌تواند از فرصت استفاده کند.

۴- بیان مطالب متنوع و جذّاب

برای برگزاری جلساتی با نشاط و مفید، لازم است وقت سخنرانی در موضوعات لازم، بر اساس اهمیت آنها تقسیم شود. برخی از این موضوعات عبارتند از: تذکرات مناسک و احکام، تاریخ حرمین، اسرار و معارف و اخلاق. در پایان لازم است حدود ۱۰ دقیقه را برای پاسخ به پرسشها در نظر گیرند. در بیان مطالب تاریخی این نکته دارای اهمیت است که در یک جلسه مطلب به پایان نرسد و داستان به صورت نیمه تمام به جلسه بعد واگذار شود. مدت جلسه در حرمین برای عموم، نیم ساعت است، ولی روحانی باید اعلام کند که برای پاسخ دادن به پرسش زائران همواره و در همه حال، آماده است.

۵- سازماندهی کاروان

روحانی کاروان پس از شناسایی زائران، باید به سازماندهی آنان بپردازد. همچنین مسئولان کاروان می‌باید افرادی را که سابقه تشرّف دارند و از اطلاعات دینی خوبی برخوردارند و داوطلب کمک به دیگران هستند، به عنوان سرگروه معرفی

ص:۱۶

کننـد و از زائران بخواهند که به صورت دلخواه با یکی از این افراد همراه شوند. بدین سان، با تشـکیل گروه‌های چند نفره، روحانی کاروان می‌تواند در برخی موارد از طریق سـر گروه برای ایجاد رابطه اقدام کند. این امر، بر سـرعت عمل کاروان در انجام مناسک و بازدیدها می‌افزاید.

۶- رفت و آمد با زائران

در سـفرهایی که مردان در طبقه‌ای جـدای از زنـان اسـتقرار می‌یابنـد، روحانی با اعلام قبلی و یا هنگام نهار و شام در اتاقهای زائران حضور می‌یابـد و غـذا را در کنـار آنـان میـل می‌کنـد. این کـار، ضـمن پدیـد آوردن ارتباط عاطفی میان زائر و روحانی و اطلاع از وضـعیت آنان، زمینه توجیه و شـیوه آن را برای روحانی مشخص می‌کند. به جاست که روحانی از زائران نیز دعوت کند که به اتاق او بیایند.

۷- در حرمین با گروههای کوچک

برای آشـنا ساختن زائران با قسـمتهای مختلف مسجد النبی (صلی الله علیه وآله) و مسجد الحرام، شایسته است زائران را به گروه‌های ۱۰ نفره تقسیم کنند و روحانی کاروان قبل از نمازها آنان را همراهی نموده، آگاهیهای لازم را در این دو مسجد بدانان منتقل سازد.

ص:۱۷

۸- رقابت و نشاط

برای جلوگیری از احساس خستگی و نیز حفظ نشاط زائران، شایسته است که روحانی کاروان، میان زائران رقابتی سالم پدید آورد و با برگزاری مسابقه‌هایی در موضوعاتی چون احکام و مناسک و ... کاروان را به تکاپو اندازد.

۹- آخرین مُحرم

هنگام احرام برای بسیاری نگرانی و دلشوره پدید می‌آید. مناسب است روحانی، با آرامش تمام، در حالی که لباس مقدّس روحانیت در بر دارد، زائران را از احرام آگاه سازد و برای محرم شدن بدانان یاری رساند و آن گاه خود محرم شود. این کار موجب می‌شود که زائران به دلیل مشخص بودن روحانی کاروان، آسانتر و سریعتر او را بازشناسند و بدو رجوع کنند.

ص:۱۸

با زائران در نخستین جلسه

فصل دوم: روان‌شناسی زائر

اشاره

گام نخست در انجام مأموریت به گونه مطلوب، بازشناختن مخاطبان است تا بتوان برابر نیازهای آنان برنامه ریزی کرد.

۱- شناسایی نخستین

روحانی کاروان در این مرحله، اطلاعات اولیّه زائران را از مدیر کاروان برمی‌گیرد (مانند شمار زنان و مردان، شمار خانواده‌ها، شغل زائران، تحصیلات، قومیتها، حساسیتها و ارتباطات به ویژه در استانهای کوچک) و از سلامتی زائران و افراد آسیب‌پذیر آگاه می‌شود.

۲- بررسی نیازهای عقیدتی و فقهی زائران

این مرحله عبارت است از تهیه پرسشنامه‌هایی ویژه برای

ص:۱۹

شناسایی مرجع تقلیـد، سابقه تشـرّف، حساب سال، نیابت، سابقه مطالعاتی در مسائل حج و اسـرار آن و کتابهای مطالعه شده. پس از آن که زائران پرسشنامه‌ها را پر می‌کنند، روحانی کاروان اطلاعات به دست آمده را به گونه‌ای منظم گرد می‌آورد.

۳- برنامه‌ریزی برای رفع نیازها

در این مرحله، روحـانی بـا شـناسایی نخستین و اطلاعـات تکمیلی، برای رفع نیازهای فرهنگی زائران برنامه ریزی می‌کننـد و در غنی سازی اطلاعات و سامان دادن به وظایف زائران در انجام مناسک می‌کوشد.

۴- جلسه‌های ویژه

گاه در کاروان کسانی یافت می‌شونـد که با دیگران دگرگوننـد؛ یعنی از اطلاعات دینی خوبی برخوردارند و یا در این زمینه بسـیار ناتواننـد. منـاسب است روحانی کاروان برای کم سوادان، جلسه‌های ویژه‌ای برگزار کنـد و در جبران نیاز آنان بکوشـد و نیز از افراد توانا برای راهنمایی دیگر زائران سود جوید.

۵- روحانی زائر

اگر در جمع زائران کاروان، فردی روحانی یافت شود،

ص:۲۰

شایسته است ضمن ایجاد ارتباط با وی، از او خواسته شود که در جمع زائران سخن گوید و در صورت امکان، محل سکونتش در اتاق روحانی کاروان پیش بینی شود.

۶- ارتباط با افراد منتقد

روحانی کاروان می‌باید به سرعت افراد آسیب‌پذیر و معترض و منتقد کاروان را بازشناسد و ضمن برقرار ساختن ارتباطی دوستانه به مطالبشان گوش فرادهد و با برنامه‌ریزی درست، به انتقاداتشان پاسخ گوید.

۷- ملاک برنامه ریزی

در همه برنامه ریزیها می‌باید بر میانه‌روی ارج نهاده شود و از افراط و تفریط خودداری گردد.

با زائران در نخستین جلسه

نخستین جلسه برای روحانی کاروان و زائران بسیار مهم است به ویژه اگر سابقه آشنایی نداشته باشند. روحانی کاروان در این جلسه همراه با اطلاعات به دست آمده و نیز با برنامه حساب شده حضور می‌یابد.

ص:۲۱

آموزش مناسک و احکام

الف- چگونگی برخورد با زائران

۱- روحانی کاروان، نخست بایـد خود را معرفی کند و از این که خداوند توفیق همسـفری با این گروه را نصـیبش کرده است، او را سپاس گوید و متذکر شود که در طول سفر به صورت شبانه روزی در خدمت زائران است.

۲- در معـارفه بایـد برخورد، صادقـانه و بی‌پیرایه باشـد و بر شخصـیت زائران ارج نهـاده شود و روحـانی کـاروان در صورت امکـان هنگام ورود با آقایان دست دهد و احوالپرسی کند.

۳- برخورد اول بایـد کاملا عاطفی و همراه با تفاهم باشـد. از برخورد مغرورانه بایـد پرهیز کرد و روحانی کاروان نباید بر خود ببالد که چند بار به حج تشرّف یافته و یا زائران بدو نیازمندند.

ص:۲۲

۴- روحانی کاروان بایـد قول دهـد که در حدّ توان خویش زائران را خـدمت می‌گذارد نه بیشتر، تا در هنگام عمل، زائران احساس نکنند که میان گفتار و کردار او فاصله‌ای زیاد است.

ب- مطالب مورد بحث

۱- شایسته است از بهره‌های معنوی سفر و این که سفر الی الله است و باید در این سفر در پی تحوّل و دگرگونی باشیم سخن به

ص:۲۳

میان آید.

۲- دعوت به محبت و همکاری با یکدیگر به ویژه با افراد نیازمند و ناتوان در طول سفر، بسیار پسندیده است.

۳- همچنین می‌باید اهداف و آداب سفر زیارتی حج یا عمره بیان شود.

۴- از خاطرات افرادی که در سفرهای پیش دگرگون شده‌اند، می‌توان به گونه‌ای شایسته و به عنوان الگو سود جست.

۵- لازم است هر گونه تذکر که باید به اطلاع زائران برسد، در این جلسه و پس از آن به تدریج مطرح شود.

آموزش مناسک و احکام

۱- قرائت و تبلیغ در همه جلسه‌ها

اگر همسفران افرادی کم سواد هستند، مناسب است پس از خطبه‌ای کوتاه و سخنرانی، یک بار حمد و سوره و ذکر تلبیه قرائت شود. این کار موجب آشنایی بیشتر زائران با حمد و سوره و تلبیه صحیح خواهد شد.

۲- وسایل کمک آموزشی

امروزه ثابت شده است که آموزش به صورت سمعی- بصری، فرایند یادگیری را سریعتر و ژرفتر می‌کند. از این رو،

ص:۲۴

باید سعی شود برای آموزش از تابلو (تخته و گچ) و ماکت کعبه و سعی صفا و مروه استفاده شود. می‌توان از یک ماژیک وایت برد سود جست و در هر جایی کلاس را تشکیل داد.

۳- پرهیز از بیان اختلاف فتواها

زائر بایـد در طول سـفر از آرامش روحی و روانی کامل برخوردار باشد. از این رو، بیان موارد اختلاف فتواها در جلسه‌های عمومی، مـوجب تحیّر زائران می‌گردد. بـه جـاست به زائرانی که فتـوای مرجع تقلیـدشان دارای اختلافی فـاحش بـا فتـوای نقـل شـده است، جداگانه تذکر داده شود که فتوای مرجع تقلید شما در این مورد به فلان صورت است.

۴- آموزش با پرسش و پاسخ

برخی زائران از اهمیت مسائـل و احکـام آگـاه نیسـتند و آنهـا را سـاده و روشن می‌انگارنـد. مناسب است روحانی کاروان در هنگام سخنرانی و بیـان احکـام، پس از طرح مسـئله‌ای، حکـم آن را از زائران بپرسـد. زائران حتمـاً بـا اختلاـف پاسـخ می‌دهنـد. در این جا روحانی هم حکم مسئله را به صورت صحیح بیان می‌کند و هم زائران را از اهمیت مسائل و احکام آگاه می‌سازد.

ص:۲۵

۵- احکامی که زائران بدان دچارند

معمولاً زائران در سفر با احکام حساب سال و خمس، طهارت، نماز، نماز میّت و ... روبه رو هستند که لازم است روحانی کاروان مشکلات آنان را در این موضوعات فرو بشکافد.

۶- اصلاح قرائت

برای تصحیح قرائت و تلبیه، افزون بر این که باید از افرادی که سازماندهی شده‌اند و نیز از ائمه جماعات یاری گرفته شود، می‌باید سعی شود که عین کلمه‌ای که غلط خوانده می‌شود بازشناخته گردد و صحیح آن به صورت مکتوب در اختیار زائر قرار گیرد تا با تمرین اصلاح نماید.

۷- احرام کودکان

در صورتی که در کاروان، کودکی غیر ممیّز (نابالغ) یافت شود و والدینش بخواهند او را مُحرم کنند، بهتر است پس از انجام اعمال عمره خود، از تنعیم او را محرم کنند، نه از مسجد شجره یا جحفه، تا با فراغت بال بتوانند به اعمالش برسند.

ص:۲۶

در مهمانی پیامبر رحمت و ائمه معصومین بقیع (علیهم السلام)

۸- همه جا با مناسک

برای آسان ساختن دسترسی به فتاوای مراجع عظام تقلید، مناسب است مسائل اختلافی هر بخش از مناسک و اعمال را روی صفحه‌ای مقوایی یادداشت نمایند تا در صورت نیاز در مراحل احرام، طواف، نماز طواف و ... به آن مراجعه کنند.

۹- آموزش به زبان ساده

شایسته است احکام و مناسک را به زبان ساده بیان کنند و از کلمات ناآشنای علمی و فقهی بپرهیزند و توجه زائران را به انجام اعمال با نیت خالص جلب نمایند.

ص:۲۷

به سوی قبله گاه

۱- با نگاه بدرقه کنندگان

در آستانه حرکت به سوی مکّه، به جاست زائران در حسینیه‌ای گرد آینـد تا واپسین خـداحافظی‌ها و بدرقه‌ها انجام گیرد و حقوق متقابل زائران و بدرقه کنندگان توضیح داده شود. این کار در شهرهای کوچک اثری بسیار ارزنده در پی دارد.

۲- نشاط در مسیر

سفر همواره با جـداییها و مشـکلات همراه است. روحانی کاروان می‌توانـد در میان راه عربسـتان با تذکرات لازم و راهنماییها و بیان داستانهای کوتاه و موقعیتهای میان راه و نکات تاریخی، نشاط و شادابی زائران را برانگیزد.

در میهمانی پیامبر رحمت

و امامان معصوم بقیع (علیهم السلام)

در مـدت حضور در شـهر پیـامر رحمت (صـلی الله علیه وآله) می‌بایـد برنـامه‌ای را که پیشتر در ایران به اطلاع زائران رسانیده‌انـد، به گونه‌ای اسـتوار عملی سازنـد تا آموزش مناسک و تقویت بُعـد معنوی فراهم آید و غایبان جلسه را بازشناسـند و آنان را با محبت به حضور در جلسه‌هـا دعوت کننـد. نبایـد فراموش کرد که شـهر مـدینه و تـاریخچه شـگفت آور آن و انتظارت پیامبر و امامان معصوم (علیهم السلام) از زائران، مطالبی آموزنده‌اند و سزاوار است که به بیان آیند.

۱- سوغات مدینه یا پای منبر پیامبر و بزرگان معصوم (علیهم السلام)

با توجه به فضای معنوی مدینه و روحیّه‌ای که معمولا

ص:۲۸

زائران در آن جا به خود می گیرند، به جاست هر روز روحانی کاروان سخنی از معصومین (علیهم السلام) مدفون در مدینه را برای آنان بازگوید؛ سخنی که نیاز واقعی زائران را نیز برآورده کند و این بهترین سوغات مدینه است. می‌توان برای این کار، پیش از سفر و در ایران برنامه ریزی کرد و روایات مناسب را برگزید.

فوق برنامه‌های معنویت زا

۲- نخستین تشرّف

زمان تشرّف به حرم پیامبر (صلی الله علیه وآله) و قبرستان بقیع از پیش اعلام می‌شود و روحانی کاروان در نخستین تشرّف همراه با زائران در حرم پیامبر و امامانمعصوم (علیهم السلام) بقیع حضور می‌یابد. این امر از تفرق و پراکندگی زائران خواهد کاست و چگونگی و زمان حضور زائر را مشخص می‌سازد.

۳- جایگاه والای پیامبر (صلی الله علیه وآله)

بایسته است هنگام حضور در مسجد النبی، روحانی کاروان از جایگاه والای آن جا و منزلت آن پیامبر بزرگ آسمانی (صلی الله علیه وآله) در پیشگاه باری تعالی و مقام شفاعت و اخلاق آن حضرت و این که همگان به محضر پیامبر و امامان معصوم (علیهم السلام) بار یافته‌اند، سخن گوید.

ص:۲۹

۴- در کنار بقیع

زائران در زمان برگزاری نمازهای پنج گانه به هیچ روی نباید در پیش بقیع تجمع کنند. در بررسیهای انجام شده مشخص گردیده است که خطاها و اشتباههای زائران به دلیل عدم توجیه آنان در مسائل مختلف بوده است.

۵- عرض ارادت به اهل بیت عصمت (علیهم السلام)

از خواندن روضه‌های بی مدرك و اغراق‌آمیز در داخل و جلوی بقیع، که با جایگاه با عظمت اهل البیت (علیهم السلام) ناسازگارند، باید جدّاً جلوگیری شود.

۶- بانوان در رواق بقیع

برای استفاده شایسته بانوان از زیارت معصومین (علیهم السلام) و آشنایی آنان با بقیع، می‌توان از راهروی شمالی بقیع سود جست تا هم زیارت رو به قبله باشد و هم شناسایی قبور بقیع به نیکی انجام گیرد.

فوق برنامه‌های معنویت‌زا

زائران حرمین در پی کسب معنویت و از میان بردن معاصی

ص:۳۰

خودند. از این رو، بیان موضوعات معنویت‌زا موجب توجه بیشتر به اهداف سفر و خودسازی می‌شود.

۱- سحرخیزی و دعا و استغفار

برخی زائران به بیدار شدن در سحرگاهان خوی نگرفته‌اند. به جاست با هماهنگی آنان، هر روز هنگام سحر، افراد علاقه‌مند را برای شرکت در نماز صبح از خواب بیدار کنیم.

۲- ختم قرآن گروهی

قرائت قرآن به صورت گروهی در حرمین اثری مطلوب و معنوی برای زائران و قاریان در پی دارد.

ص:۳۱

۳- طواف

شایسته است هنگامی که مطاف خلوت است به نیابت از نیکان و به ویژه معصومین (علیهم السلام) و شهیدان و امام راحل- رضوان الله علیه- طواف مستحبی انجام گیرد و در صورت امکان، زائران به شمار ایام سال طواف کنند.

۴- خودسازی

با توجه به فضای معنوی حرمین و این که زائران در آن جا از

ص:۳۲

مشغله‌های دنیوی به دورند، بستری شایسته برای تقویت عوامل مراقبه بر خویش در آن جا فراهم است که از این فرصت می‌باید به گونه‌ای درخور استفاده شود.

۵- الگوهای مدینه

ذکر جایگاه و منزلت و خُلق و خوی پیامبر (صلی الله علیه وآله) و امامان معصوم (علیهم السلام) و شاگردان آنان و چگونگی خودسازی و کسب رضایت بزرگان معصوم (علیهم السلام) بهره‌ای ارزشمند برای زائران در پی خواهد داشت.

۶- قُبا و احُد

شایسته است روحانی کاروان همراه با زائران علاقه‌مند و توانا، در وقت مناسب (در صورت امکان به گونه پیاده) برای زیارت شهیدان احُد و نماز در مسجد قبا حرکت کند.

۷- نیایش و ادعیه

سفر حجّ فرصتی است ارزشمند برای آشناسازی زائران با برخی ادعیه، که در طول سال قرائت می‌شود؛ مانند دعای عهد و مناجات خمسهٔ عشر. شایسته است هیچ گاه از ادعیه ماثوره در حرمین غفلت نشود.

ص:۳۳

برنامه ویژه خواهران

۸- هنگام احرام

هنگام احرام، زائر از قربت روحی خاصی برخوردار است و در آن حال آمادگی پذیرش بسیاری از امور، مانند توبه و معاهده با خدا را داراست. مناسب است برنامه‌ای ویژه با توجه به نوع روحیّه زائر برای این مرحله از حج در نظر گرفته شود.

برنامه ویژه خواهران

بانوان، که نیمی از کاروانها را تشکیل می‌دهند، در سالهای اخیر علاقه‌مندی خود را با شرکت گسترده در جلسه‌های دینی نشان داده‌اند. بنابراین، سزاوار است برای آنان جلسه هایی جداگانه برگزار شود.

۱- آموزش احکام ویژه

فرد روحانی، مَحْرم اسرار زائران است و از طرفی باید زائران، به ویژه بانوان را به احکام و مناسک خود آشنا کند احکام و مناسک اختصاصی بانوان به ویژه احکام معذورین و اخلاقیات ویژه بانوان می‌باید در این جلسه‌ها به بحث گذاشته شود.

ص:۳۴

۲- احرام بانوان

لازم است برای اطمینان از صحّت احرام بانوان، نخست آنان با نظارت روحانی کاروان در محاذی مسجد شجره (در صحن مسجد) محرم شونـد و کسانی که مقلّد مراجعی هستند که بایـد حتماً در داخل مسجد محرم شونـد، می‌بایـد پس از ورود به مسجد محرم شوند.

۳- همکاری بانوان

شایسته است روحانی کاروان از بین بانوانی که نسبتاً با مسائل دینی آشنایند، چند نفر را برای کمک به افراد ناتوان در ادای تلبیه و قرائت برگزیند و افراد ناتوان را به آنان بسپارد.

۴- تمهیدات ویژه

در جلسه هایی که در ایران برگزار می‌شونـد، می‌بایـد به بانوان تـذکر داده شود که اجازه نـذر از شوهران خود داشته باشنـد تا در صورت لزوم با نذر از مدینه محرم شوند.

۵- تکرار تلبیه

بانوان در هنگام برگزاری نماز جماعت مغرب و عشا در

ص:۳۵

مسجد شجره، نباید تلبیه را تکرار کنند، بلکه لازم است سکوت را رعایت نمایند و در زمانی دیگر تلبیه را تمرین و تکرار کنند.

با احرام به سوی حرم

زیارت دوره مدینه

زائران در زیارت دوره مدینه، مساجد قبا، سبعه ذوقبلتین، احد و ... را زیارت می کنند. مناسب است روحانی کاروان به صورت برنامه‌ای، زائران را به مساجد حاشیه مسجد النبی (صلی الله علیه وآله) و مسجد بلال، مسجد ابوذر، مسجد مباهله، مسجد جمعه، مسجد الدرع، مسجد المستراح و فضیخ ببرد و تاریخچه و نکات آموزنده آنها را برای زائران علاقه‌مند بیان کند و زائران را آگاه سازد که حتی المقدور نماز تحیّت بخوانند.

۱- موضوعها و زیارت دوره

در هر یک از مراحل زیارت دوره، با پیش بینی، می‌توان از مسائل مورد نیاز زائران در موضوعات اخلاقی، سیاسی، اعتقادی و تاریخی سخن گفت و به زائران بهره لازم را رساند.

ص:۳۶

۲- اماکن در قرآن

درباره بسیاری از اماکن مورد بازدید زائران، آیاتی از قرآن

ص:۳۷

نازل شـده است. اگر روحانی کاروان موارد آیات نازله را از روی قرآن برای زائران بخوانـد و توضـیح دهـد، دلپـذیرتر خواهد بود؛ چنان که امام علی (علیه السلام) فرموده است: «مَنِ اتَّخَذَ قَولَ الله حُجَّتَهُ هُدِیَ الی الّتی هِیَ أقوَم». (۱)

۳- زمان حضور در مساجد حاشیه مسجد النبی (صلی الله علیه وآله)

برای بازدیـد از مساجـد حاشـیه مسـجد النبی (صـلی الله علیه وآله) و خوانـدن نماز تحیّت، می‌توان از فرصت بین نماز مغرب و عشـا استفاده کرد که مساجد باز باشند.

۴- بهترین زمان برای زیارت دوره

انتخـاب زمـان بازدیـد در زیارت دوره تا حـدودی بسـیار در اختیار کاروان است. اگر کاروانهای صـبح، هنگام طلوع آفتاب حرکت کنند و کاروانهای بعد از ظهر، ابتدا از مسجد قبا آغاز کنند، در فصل گرما، با گرما روبه‌رو نخواند شد.

با احرام به سوی حرم

تأثیر آموخته‌های زائران در جلسه‌های ایران و مدینه، هنگام احرام و ورود به حرم و اعمال نمودار می‌گردد. بسیاری از

۱- عیون الحکم و المواعظ، کلمه ۷۵۵۳.

ص:۳۸

زائران در طول عمر، تنها یک بار به حجّ مشرف می‌شوند. از این رو، مناسب است تلاش بایسته انجام

ص:۳۹

با عرشیان در مطاف

۱- بازگشت به سوی خدا

باید هنگم احرام به زائر تذکر داد که احرام و رفتن به سوی حرم، نمادی از حشر و نشر قیامت و بازگشت به سوی خداست.

۲- وحدت در تلبیه

شایسته است زائران کاملا از اهمیّت تلبیه آگاه گردند و خود، با حال معنوی تلبیه گویند، ولی اگر تلبیه را در خاطر ندارند، مناسب آن است که روحانی کاروان به صورت شمرده و کلمه کلمه تلبیه را بر زبان آورد و زائران به صورت هماهنگ پاسخ دهند.

۳- معنای تلبیه

بیشتر زائران معنای تلبیه را نمی‌دانند و از این رو، هنگام تکرار آن احساس معنوی پیدا نمی‌کنند. تجربه نشان داده است که اگر در همه جلسه‌ها، تلبیه همراه با ترجمه‌اش برای

ص:۴۰

زائران بازگفته شود، مفید و مؤثر است.

۴- تلبیه در تعقیب نماز عشا

سزاوار است در صورت امکان، پس از نماز عشا، زائران به صورت جماعت، یک بار و هماهنگ تلبیه را بازگویند.

۵- نظارت بر احرام و تلبیه

در مسجد شجره باید بررسی شود که آیا همه زائران تلبیه را گفته‌اند یا نه. به ویژه افرادی که باید تلبیه را بدانان تلقین کرد، بدین کار نیازمندترند.

ص:۴۱

با عرشیان در مطاف

مطاف محبوبترین نقطه‌ای است که زائر در طول سفر حج یا عمره برای انجام دستور الهی در آن جا حضور می‌یابد و نتیجه آموزشها و آموخته‌ها در این نقطه پدیدار می‌شود و در همین جایگاه است که زائران با حالت روحی خاصی رو به رو می گردند و گاهی آموخته‌ها را فراموش می کند. در واقع، هنر روحانی کاروان آن است که با مقدماتی که پیش می‌بیند، زائر را با آرامش وارد مطاف کند.

ص:۴۲

۱- پیش از ورود به مسجد الحرام

روحانی ابتدا از وضعیت شستشوی مسجد الحرام و امکان طواف اطلاع به دست می‌آورد و زائران را در خارج از مسجد برای ورود به مسجد و مسائل مربوط به آن توجیه می‌کند و تذکرات- از جمله محل گمشدگان و آرامش در اعمال- را یادآوری می‌نماید.

۲- نخستین نگاه

زائران هنگام ورود به مسجد، ادعیه مربوطه و سلام به حضرت ابراهیم (علیه السلام) را بر زبان می‌آورند و سپس سجده شکر به جای آورده، حاجتهای خود را از خداوند می‌خواهند.

۳- نگریستن به طواف کنندگان

برای آشنایی بیشتر زائران با چگونگی طواف، باید از آنان بخواهیم که چند دقیقه در ایوان مقابل رکن یمانی و حجر الاسود باز ایستد و طواف دیگر زائران را بنگرند. باید نیّت طواف را به صورت بسیار ساده به آنان بیاموزیم تا در مطاف بدون توقف و یا مزاحمت برای دیگران طواف کنند.

ص:۴۳

۴- وقت طواف

انتخاب وقت طواف در انجام آسان این عمل واجب و تلاقی نیافتنش با هنگام نماز جماعت بسیار مؤثر است. در شبهای کوتاه تابستان، انجام عمل پس از نماز صبح مناسبتر است. البته لازم است به برادران و خواهران برای رعایت شرایط و واجبات تذکراتی ارائه داد.

۵- زائران جوان

در شبهای کوتاه تابستان، کاروانهای یکدست جوان، می‌توانند هنگام ورود به هتل پیش از تحویل گرفتن اتاقها به مسجدالحرام مشرف شوند و اعمال را انجام دهند و برای وضو گرفتن از وضو خانه مسجدالحرام سود جویند.

۶- خروج از مطاف

خروج یکباره کاروانها از مطاف مزاحمتی بسیار برای دیگر طواف کنندگان پدید می‌آورد. از این رو، مناسب است روحانی کاروان، زائران را از حدود مستجار و رکن یمانی به تدریج به سوی راست هدایت کند تا هنگامی که مقابل حجرالاسود می‌رسند، به راحتی از مطاف خارج شوند. (توجه به فتاوای

ص:۴۴

مراجع نیز بایسته است).

زیارت دوره مکه

۷- اعمال روحانی کاروان

گاه رسیدگی به اعمال زائران، وقتی بسیار می‌خواهد و دقتی بیشتر می‌طلبد؛ مانند زائرانی که اهل مناطق محرومند. در چنین حالتی، شایسته است روحانی کاروان اعمال خود را همزمان با زائران انجام ندهد، بلکه بر اعمال آنان نظارت کند و اعمال خود را در وقتی دیگر انجام دهد.

۸- دعای اشواط

زائر در ادعیه اشواط، افزون بر ادعیه مأثور می‌تواند در شوط او ذکر «استغفرالله» را بر زبان آورد و در شوط دوم «سبحان الله» و در شوط سوم «الحمدلله» و در شوط چهارم «لا اله الا الله» و در شوط پنجم

ص:۴۵

«الله اکبر» (تسبیحات اربع) و در شوط ششم صلوات و در شوط هفتم برای خود و ملتمسین دعا حاجت بخواهد و دعا بخواند و از تکرار نام امامان (علیهم السلام) در مطاف خودداری کند؛ زیرا نام بردن از این بزرگان پاک‌نهاد (علیهم السلام) پی آمدهایی زیانبار در پی دارد و موجب برانگیخته شدن خشم مخالفان می‌گردد و چه بسا برای شیعه و بزرگان معصوم (علیهم السلام) توهین و بی احترامی به همراه آورد.

۹- نیایش در سعی

در «سعی» می‌توان از دعای «جوشن» یا «مجیر» سود جست. شایسته است روحانی کاروان، زائران را از معنای قسمتی که تکرار می‌شود، آگاه سازد.

زیارت دوره مکّه

برای زیارت دوره مکّه، بیشتر کاروانها، قبرستان ابوطالب، منی، مشعر، عرفات، جبل الثور و جبل النور را باز می‌بینند یا زیارت می‌کنند، ولی از بسیاری اماکن مهم دیگر بازدید نمی‌کنند؛ اماکنی مانند مسجد البیعه در منی مسجد جن، مسجد الرایه، مسجد حمزه سیدالشهداء، مولد النبی (صلی الله علیه وآله)، شهدای فخ و ... سزاوار است روحانی کاروان در سخنرانی خویش از این اماکن نیز سخن گوید و همراه با علاقه‌مندان از آنها دیدن نماید. بهتر است منطقه شهدای فخ را به صورت غیر گروهی زیارت کنیم.

۱- اماکن درون مسجدالحرام

برای این که اماکن درون مسجدالحرام را به زائران معرفی کنیم، بهتر است به طبقه فوقانی و یا به نزدیکی همان آثار رویم

ص:۴۶

و بدین کار همّت گماریم.

۲- قبرستان ابوطالب

بایسته است درباره شخصیت‌های مدفون در قبرستان ابوطالب، به ویژه «امّ المؤمنین» حضرت خدیجه (علیهما السلام) و حضرت ابوطالب (علیه السلام) توضیحات شایسته به دست داده شود تا زائران با شناختی بهتر زیارت کنند.

زمان این توضیحات، هنگام شب، پیش از زیارت است؛ زیرا اگر هوا گرم باشد، در روز مناسب نیست زائر را معطل کرد.

دستاوردهای سفر

۳- شهیدان جمعه خونین

سزاوار است در قبرستان ابوطالب از شهیدان انقلاب اسلامی و جمعه خونین یاد شود و فاتحه‌ای به روح ارجمندشان هدیه گردد.

۴- عارفانه در عرفات

در عرفات می‌باید حداکثر چهار سطر از دعای عرفه با انتخاب روحانی کاروان و نیاز زائران شرح و توضیح داده شود. باید از توسلات طولانی و دعای توسل و زیارت عاشورا پرهیز کرد و از حرکت امام حسین (علیه السلام) و اهداف بزرگ آن امام همام و

ص:۴۷

حسینی زیستن و حسینی رفتن به گونه‌ای مختصر و مفید سخن گفت.

۵- زیارت مشاعر

در حجّ تمتع، عموم زائران، شبانه به عرفات و مشعر می‌رود و از آن جا خارج می‌شوند. زائران، سرزمین منی را به دلیل ازدحام جمعیت نمی‌توانند به گونه شایسته بازدید کنند. کاروانهایی که پس از انجام اعمال در مکّه فرصتی کافی دارند، مناسب است زائران علاقه‌مند خویش را با هزینه خود آنان یک بار به دیدن این اماکن ببرند؛ مانند آنچه در عمره انجام می‌شود و در هر مورد توضیحات لازم را برای آنان بیان کنند.

دستاوردهای سفر

سفر زیارتی خانه خدا، اگر به گونه‌ای شایسته انجام گیرد و پیام الهی‌اش در جان زائران بنشیند، می‌تواند زائران را برای یک عمر بیمه کند و این توفیقی است بزرگ که خداوند به زائران خویش عطا می‌کند.

۱- درمان بیماریهای روحی

روحانی کاروان، که در حقیقت مربّی زائران است، در مدت

ص:۴۸

حضور در کاروان بایـد بیماریهای روحی زائران را بازشـناسد و به درمانشان بپردازد و فرصـتها را برای انجام این وظیفه الهی غنیمت شمارد.

۲- توجه به نیازهای روز

جامعه امروز ایران اسـلامی، جوان است و از این رو، مناسب است روابط و وظایف متقابل والدین و فرزندان از نظرگاه اسلامی برای زائران به بیان آید. بهره جستن از آنچه در جلد ۱۵ کتاب وسائل در این باره آمده است، بسیار کارساز و مشکل گشا خواهد بود.

۳- سپاسگزاری از خداوند

سپاسـگزاری در هر نعمتی باید با نعمت سازگار و متناسب باشد. زائران باید بر شـکرگزاری خداوند، از آن روی که آنان را به خانه خویش دعوت کرده است، بیفزایند و روحیه بندگی و نیایشگری و سپاسگزاری را در خویش توانمند سازند و در حفظ آن بکوشند.

۴- واپسین ودعا

شایسته است روحانی کاروان هنگامی که حاجیان، اعمال

ص:۴۹

حج را با موفقیت به پایان رسانیده‌اند و اینک می‌خواهند به وطن خویش بازگردند، با یکایک آنان وداع کند و در فرودگاه جدّه و ایران با حاجیان و به ویژه با آقایان خداحافظی کند و برای زدودن کدورتها و بخشودن قصورها عذرخواهی نماید.

۵- پاسداری از دستاوردهای سفر

زائران خانه خدا، پس از آن که به سرزمینهای خویش باز می‌گردند، باید بکوشند که دستاوردهای این سفر ارزشمند الهی را از کف ندهند و همواره از رهاوردهای شکوهمندش بهره‌مند مانند. چه خوب است، حاجیان، سالانه در روزی گرد یکدیگر درآیند و به مناسبت سالگرد تشرف، از آن روزهای عرفانی سخن گویند و یکدیگر را به پاسداری از دستاوردهای سفر الهی حج سفارش کنند.

ص:۵۰

ده مسئله ضروری درباره عمره مفرده

آشنایی با احکام و مناسک عمره و حج از شرایط اصلی و اساسی روحانی کاروان و راهنمای زائران بیت‌الله الحرام است، ولی از آن جا که در سالهای اخیر به دلیل تعدد مراجع معظّم تقلید و تفاوت فتاوا در بسیاری از مسائل، شناخت تمام موارد اختلافی و حضور ذهن نسبت به آنها کاری دشوار است، ضروری می‌نمود که در این مبحث، ده مسئله از مسائلی که جزو مهمترین مسائل اختلافی و ضروری عمره به شمار می‌آیند، همراه با فتاوای مراجع تقلید مذکور آیند تا دستیابی به وظیفه زائران برای روحانیان معظم آسان گردد.

بسیاری از روحانیان گرامی بر این گونه مسائل تسلطی شایسته دارند، یا مناسک محشای عمره و حج را در سفر به همراه خویش دارند، ولی بهره جستن از نوشته حاضر، از تباه شدن وقت زیاد برای جستوجو در منابع مفصل جلوگیری

ص:۵۱

می کند و رسیدن به مطلوب را آسان می‌سازد.

بقا بر تقلید

* آیت الله خامنه‌ای: بقا در تقلید میّت جایز است حتی در مسائلی که عمل نکرده است.

* آیت الله فاضل: در صورت تساوی، بقا جایز و عدول به زنده محل اشکال است و اگر یکی از آنها اعلم است، تقلید از او لازم است، و بین مسائلی که عمل کرده و عمل نکرده تفاوتی نیست.

* آیت الله تبریزی: در مسائلی که یاد گرفته و فراموش نکرده است، بقا لازم است و در مسائلی که یاد نگرفته است، رجوع به مجتهد زنده لازم است.

* آیت الله صافی: مجتهد زنده اعلم است ظ رجوع به حیّ واجب است.

مجتهد مرده اعلم است ظ بقا بر تقلید او، احتیاط واجب است.

هر دو مساوی هستند ظ بقا جایز است.

* آیت الله بهجت: در مسائلی که تقلید و عمل کرده است:

میّت اعلم است ظ بقا واجب است.

زنده بعداً اعلم شده است ظ در تمام مسائل باید به او

ص:۵۲

عدول کند.

با هم مساوی هستند ظ بقا جایز است.

* آیت الله سیستانی: میّت اعلم است ظ بقا واجب است.

زنده اعلم است ظ رجوع به زنده واجب است.

صرف التزام به متابعت از فتوای مجتهد کافی است.

* آیت الله وحیـد: میّت اعلم بوده است ظ تا زمانی که اعلمیّت مجتهد زنده ثابت نشود، بقا واجب است، چه در زمان حیات او التزام به عمل به فتوای او داشته یا نداشته باشد و چه عمل به فتوای او کرده یا نکرده باشد و چه فتوای او را یاد گرفته یا نگرفته باشد.

ص:۵۳

مجتهد زنده اعلم است ظ واجب است به حیّ رجوع کند.

(۱)

] ۲۰۲ [احرام در مسجد شجره

* آیات عظام امام خمینی، اراکی، فاضل، سیستانی: بنابر احتیاط واجب داخل مسجد محرم شوند.

* آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله بهجت: باید داخل مسجد شوند. (آیت اللّه بهجت) و احتیاطاً احرام از

مسجد قدیمی باشد، و با فحص از اهل اطلاع، توسعه از یمین و یسار و خلف است و قسمت محراب از مسجد قدیمی محسوب

ص:۵۴

می‌شود و در صورت عدم امکان دخول به مسجد قدیمی، از محاذی آن جا محرم شوند.

* آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله صافی: احرام از پشت دیوار مسجد نیز صحیح است.

* آیات عظام خویی، تبریزی و وحید: در بیرون مسجد به گونه‌ای که محاذی و برابر آن از طرف راست یا چپ باشد، محرم شوند، کافی است، هر چند احتیاط مستحب آن است که داخل مسجد محرم شوند.

* آیات‌الله مکارم: بلکه همین اندازه که محاذی مسجد از طرف راست یا چپ باشد، کفایت می‌کند، هر چند از داخل مسجد مستحب است.

* آیت‌الله زنجانی: ۱- احتیاط واجب آن است که نماز و نیّت احرام در مسجدی که در منطقه ذوالحلیفه واقع است و به آن مسجد شجره می‌گویند، انجام شود. ۲- محرم می‌بایست تلبیه را در منطقه ذوالحلیفه بگوید و لازم نیست در خصوص مسجد باشد، هر چند مطابق احتیاط استحبابی است. (مناسک نوین، ص ۶۰)

ص:۵۵

(۲)

] ۲۰۳ و ۲۰۴ [وظیفه زن حائض برای احرام

در مسجد شجره

* امام خمینی: اگر می‌تواند، باید در حال عبور از مسجد محرم شود و اگر نمی‌تواند، در حال عبور محرم شود و اگر نمی‌تواند تا وقت پاک شدن صبر کند، احتیاط آن است که نزدیک مسجد محرم شود و در جحفه یا محاذی آن احرام را تجدید کند.

* آیت الله اراکی: احتیاط آن است که نزدیک مسجد محرم شود.

* آیات عظام گلپایگانی، فاضل و صافی: اگر نمی‌تواند تا وقت پاک شدن صبر کند، باید نزدیک مسجد محرم شود و نیاز به تجدید احرام از جحفه ندارد.

* آیات عظام سیستانی، خویی و وحید: می‌تواند بیرون مسجد محرم شود.

* آیت الله مکارم: هر کس می‌تواند، در کنار مسجد محرم شود و تجدید احرام لازم نیست.

* آیت الله بهجت: اگر نمی‌تواند وارد مسجد شود، در خارج مسجد، محاذی آن محرم شود، بنابر احتیاط و در جحفه یا محاذی آن تجدید احرام می‌کند.

ص:۵۶

با توجه به مسئله قبل و در وضعیت کنونی، که بانوان را به قسمت قدیمی مسجد راه نمی‌دهند، برای بانوان چند راه وجود دارد:

- در این احتیاط به فتوای دیگری رجوع کنند.

- از مدینه محرم شوند.

- به احتیاط عمل کنند.

* آیت الله خامنه‌ای: اگر نمی‌تواند در حال عبور از داخل مسجد محرم شود، واجب است از جحفه یا محاذی آن محرم شود.

* آیت الله زنجانی: حائض می‌تواند در خارج از مسجد نیّت نموده، تلبیه بگوید و می‌تواند در حال مرور از مسجد شجره نیّت کرده، تلبیه بگوید، بلکه این کار مطابق احتیاط استحبابی است. (مناسک نوین، ص ۶۰)

(۳)

] ۴۴۴ [سوار شدن بر خودروی مسقّف در شب

ص:۵۷

* آیات عظام امام خمینی، اراکی، گلپایگانی، فاضل، بهجت و صافی: جایز است.

* آیت الله خویی: اگر سرما و گرما و باران و باد نباشد، به گونه‌ای که وجود و عدم سایبان، یکسان باشد، اشکال ندارد.

* آیت الله سیستانی: اگر باران نباشد، اشکال ندارد، ولی اگر

باران باشد، کفّاره دارد و بنابر احتیاط واجب جایز نیست.

* آیت الله تبریزی: بنابر احتیاط، در حرمت استظلال فرقی میان شب و روز نیست.

* آیت الله خامنه‌ای: در شبهای بارانی و سرد، بنابر احتیاط واجب، جایز نیست، مگر آن که حرجی باشد.

* آیت الله مکارم: در شبهای سرد و بارانی باید کفّاره بدهد.

* آیت الله وحید: احتیاط واجب ترک تظلیل در شب است. (همان، ص ۹۰)

* آیت الله زنجانی: جایز نیست. (همان)

(۴)

] ۴۳۸ و ۵۰۸ و ۵۲۰ [زیر سایه رفتن در شهر مکّه

* آیات عظام امام خمینی، اراکی، گلپایگانی، مکارم، فاضل، خامنه‌ای و صافی: جایز است.

* آیت الله خویی: بنابر احتیاط واجب، تا پیش از رسیدن به مکه قدیم، نباید استظلال کند.

* آیت الله زنجانی: جایز نیست. (همان)

* آیت الله تبریزی و آیت الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب جایز نیست.

* آیت الله بهجت: احتیاط واجب ترک سایه انداختن است برای

ص:۵۸

حوائج غیر خانه و مانند آن.

(۵)

] ۵۰۹ [احرام از تنعیم

و سوار شدن بر خودروی مسقّف تا مسجد الحرام

* آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی، اراکی، خامنه‌ای، مکارم، فاضل و صافی: مانع ندارد.

* آیت الله خویی: بنابر احتیاط واجب، تا پیش از رسیدن به مکّه قدیم نباید استظلال کند.

* آیات عظام تبریزی، سیستانی، و بهجت: بنابر احتیاط واجب جایز نیست.

* آیت الله زنجانی: جایز نیست. (همان، ص ۹۱)

(۶)

] ۵۹۲ و ۵۹۵ [طواف در محدوده مقام ابراهیم و کعبه

* آیات عظام امام خمینی، اراکی، فاضل، زنجانی، بهجت و صافی: لازم است در همین محدوده طواف کنند در همه اطراف. (آیت الله اراکی:) بنابر احتیاط واجب، در طرف حجر اسماعیل نیز، این محدوده از دیوار کعبه محاسبه می‌شود. (آیت الله فاضل و آیت الله زنجانی:) در طرف حجر

ص:۵۹

اسماعیل این فاصله از دیوار حجر محاسبه می‌شود.

* آیات عظام خویی، گلپایگانی، صافی، مکارم، سیستانی، خامنه‌ای و وحید: لازم نیست هر چند احتیاط مستحب است که در این محدوده طواف کند.

* آیت الله تبریزی: بنابر احتیاط واجب، باید در همین محدوده طواف کند، ولی در موارد ازدحام، طواف در خارج این محدوده نیز کافی است.

(۷)

] ۷۸۹ [وظیفه کسی که نمازش صحیح نیست

در نماز طواف

* آیت‌الله امام خمینی و آیت الله فاضل: خود بخواند کافی است و اگر ممکن است کسی را بگمارد که نماز را به او تلقین کند و احتیاط آن است که در مقام ابراهیم به شخص عادلی اقتدا کند، لیکن اکتفا به نماز جماعت نکند.

* آیت‌الله گلپایگانی و آیت الله صافی: خود بخواند و به جماعت نیز بخواند، و اگر نایب نیز بگیرد، بهتر و مطابق با احتیاط است.

* آیت‌الله وحید و آیت الله اراکی: خود بخواند و احتیاط آن است که در صورت امکان به جماعت بخواند و نایب نیز گیرد.

* آیت الله مکارم: خود بخواند و جماعت و نایب گرفتن لزومی ندارد.

* آیت الله خویی و آیت الله تبریزی: احتیاط آن است که خود بخواند و آن را به جماعت بخواند و نایب نیز بگیرد.

ص:۶۰

* آیت الله سیستانی: اگر مقدار زیادی از قرائت حمد را بتواند صحیح بخواند، خواندن نماز با این کیفیّت کفایت می‌کند و اگر نتواند، احتیاط این است که همان مقدار و مقدار دیگری از آیات قرآن را به گونه صحیح بخواند وگرنه تسبیح بگوید.

* آیت الله بهجت: اگر ممکن است، نماز را به جماعت بخواند و در صورت عدم امکان با جماعت، عمل به وظیفه یومیّه کافی است.

* آیت الله خامنه‌ای: خود بخواند و بنابر احتیاط، نایب نیز بگیرد.

* آیت الله زنجانی: بر هر شکل می‌تواند هر چند با تلقین کسی دیگر، نماز را بخواند.

(۸)

] ۱۷۳ و ۱۸۶ [فاصله دو عمره

* امام خمینی: احتیاط آن است که در فاصله کمتر از یک ماه به

ص:۶۱

قصد رجا به جای آورده شود.

* آیت‌الله اراکی: احتیاط آن است که در کمتر از ده روز به قصد رجا آورده شود، ولی اگر عمره به نیابت از دیگری باشد، رعایت فاصله لازم نیست.

* آیت‌الله گلپایگانی و آیت الله زنجانی: فاصله شرط نیست، بلکه می‌توان در یک روز چندین عمره مفرده به جای آورد.

* آیات عظام خویی، مکارم، تبریزی، سیستانی، فاضل و صافی: فاصله یک ماه شرط نیست، بلکه در هر ماه قمری می‌توان یک عمره به جای آورد، ولی انجام دو عمره یکی برای خود و یکی برای دیگری، یا دو عمره برای دو نفر متفاوت، جایز است.

* آیت الله خامنه‌ای: فاصله معیّنی شرط نیست، ولی بنابر احتیاط، در هر ماه تنها یک عمره می‌تواند برای خود به جای آورد، لکن به جای آوردن عمره برای غیر خود، هر نفر، یک عمره جایز است.

* آیت الله بهجت: فاصله معتبر نیست، هر چند افضل در عمره دوم این است که در ماهی دیگر غیر از ماه عمره اول باشد، یا با فاصله ده روز میان دو احرام باشد، بلکه یکی از این دو فاصله احوط است.

* آیت الله وحید: بنابر احتیاط، دو عمره در یک ماه برای خود

ص:۶۲

می‌تواند به جای آورد. البته می‌تواند عمره دوم را رجائاً به جای آورد، ولی در دو عمره نیابتی، فاصله معتبر نیست. (همان، ص ۲۱۳ و ۲۱۵)

(۹)

] ۱۳۱۶ [اماکن تخییر

* امام خمینی و آیت الله اراکی: در تمام مسجدالحرام و مسجدالنبی، حتی در قسمتهای توسعه یافته، مسافر می‌تواند نماز را تمام یا شکسته بخواند و این حکم اختصاص به مسجدین شریفین دارد.

* آیت الله بهجت: در قسمت قدیمی مسجد، مسافر می‌تواند نمازش را تمام یا شکسته بخواند، هر چند احتیاط مستحب آن است که شکسته بخواند، و در قسمتهایی که در آغاز جزو این مساجد نبوده‌اند، احتیاط واجب آن است که نماز را شکسته بخواند.

* آیات عظام خویی، تبریزی و وحید: این حکم اختصاص به مسجد الحرام و مسجد النبی ندارد، بلکه در شهر قدیمی مکّه و مدینه، مسافر می‌تواند نمازش را تمام یا شکسته بخواند.

ص:۶۳

* آیات عظام گلپایگانی، خامنه‌ای، فاضل، مکارم، صافی و سیستانی: در تمام شهر مکّه و مدینه، مسافر می‌تواند نماز را تمام یا شکسته بخواند.

(۱۰)

] ۱۳۱۳ و ۱۳۳۴ [شرکت در نماز جماعت اهل سنّت و

سجده بر فرش

* آیات عظام امام خمینی، اراکی، خامنه‌ای، و مکارم: از نماز یومیّه کفایت می‌کند، حتی با سجده بر فرش و اعاده لازم نیست.

* آیت الله گلپایگانی: شرکت در نماز آنان خوب است، ولی با تمکّن، نماز را با شرایط کامل اعاده کند و سجده بر فرش در مورد تقیّه مانع ندارد و در صورت محذور اعاده نماید.

* آیات عظام خویی، تبریزی و سیستانی: در صورتی که قرائت نماز را بخواند، هر چند در نماز جهریّه به اخفات باشد، کفایت می‌کند و در نماز جمعه، پس از آن، نماز را بخواند و اگر در این مساجد جایی باشد که بتوان بر چیزی مثل سنگ و موزائیک سجده کرد، که سجده بر آن صحیح است، باید در آن جا نماز بخواند، و اگر چنین موضعی نباشد، نمازی که در آن، بر فرش سجده کرده، مجزی است.

* آیت الله بهجت: خوب است شرکت کنند، و در صورت امکان بر چیزی که سجده بر آن صحیح است، سجده کنند، و اکتفا

ص:۶۴

به غیر آن خلاف است.

* آیت الله فاضل: نماز با آنها کفایت می کند، و اگر چیزی که سجده بر آن جایز است، پیدا نشود و از چیزی مانند حصیر نتواند استفاده کند، سجده بر فرش مانعی ندارد و اعاده لازم نیست.

* آیت الله صافی: شرکت در نماز جماعت اهل سنت، از نماز یومیه کفایت می کند و اعاده آن لازم نیست، گرچه اعاده موافق با احتیاط است و سجده بر فرش در مواردی که به خاطر تقیّه ضرورت داشته باشد، مانع ندارد.

ص:۶۵

شرح وظایف روحانیان کاروانهای عمره

با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (قدس سرهم) باری دیگر روح حج ابراهیمی در کالبد احکام و مناسک حج و عمره دمیده شد و با هدایتها و رهنمودهای ایشان و مقام معظّم رهبری، روحانیان محترم کاروانها، زائران گرامی حرمین شریفین را برای انجام صحیح و با محتوای اعمال حج، راه می‌نمایند. باشد تا در این فرصت معنوی، میهمانان الهی با توشه‌ای گران از سرزمین وحی به وطن اسلامی بازگردند و یک عمر خود را بیمه سازند.

شما عزیزان روحانی مورد دعای پیامبر اکرم اسلام (صلی الله علیه وآله) هستید که بارها از پیشگاه خداوند می‌خواست: «اللّهمّ ارحم خلفائی.» آن گاه که از مقصود آن حضرت از خلفایشان پرسیدند، فرمود: «آنان که سخن و شیوه مرا تبلیغ می کنند و آن

ص:۶۶

را به امت من تعلیم می‌دهند.» (۱)

آشکار است که در حج، آثار و اخبار پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) مطرح می‌شود و مورد توجه مسلمانان قرار می‌گیرد. امام صادق (علیه السلام) به هشام بن حکم می‌فرماید: «در حج آثار و اخبار پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) شناخته شود و مورد توجه قرار گرفته، غبار فراموشی از آن زدوده می‌گردد.» (۲)

۱- امالی صدوق، ص ۱۵۲، ح ۴.

۲- میزان الحکمه نقل از علل الشرایع، روایت ۳۲۶۷.

ص:۶۷

اکنون که با دعوت الهی به سوی قبله مسلمین رهسپارید، روانهای پاک امت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) را دریابید و آنان را به روح اعمال و مناسک، فلسفه عبادت، تاریخ اسلام، فداکاریها، ایثار امامان (علیهم السلام) و امت اسلامی در طول تاریخ آشناتر سازید تا به فرموده حضرت امام رضا (علیه السلام) در دین تفقّه یابند و راه امامان (علیهم السلام) را برای مردم سرزمینهای دیگر بازشناسند و شاهد بهره‌های فراوان معنوی‌اش باشند. (۱)

مجموعه‌ای که از این پس می‌آید، بخشی از وظایف روحانیان کاروانها و تذکرات بایسته‌ای است که باید به معتمران، پیش از سفر و در طول سفر گوشزد نمود تا همگان از بهره‌های معنوی این سفر مبارک بهره‌مند شوند.

۱- همان نقل از عیون اخبار الرضا علیه السلام، روایت ۳۲۷۲.

ص:۶۸

وظایف روحانیان کاروانهای عمره

۱- تشکیل دو جلسه آموزشی پیش از عزیمت، با همکاری مدیران کاروان مدینه قبل و پنج جلسه برای مدینه بعد.

۲- تعلیم مناسک و آداب سفر.

روحانیان محترم بایـد در جلسه‌های پیش از عزیمت، و جلسه‌هایی که در مدینه تشـکیل می‌شود، معتمران را به تکالیف شـرعی خود در این سفر آشنا سازند و مناسک و مسائل مورد نیاز را به آنان تعلیم دهند.

۳- تصحیح قرائت، اذکار نماز و تلبیه زائران.

۴- تبیین و تعلیم احکام و مسائل شرعی مورد نیاز معتمران به ویژه آنچه در صحّت اعمالشان دخیل است.

۵- همراهی با زائران در اعمال عمره و نظارت بر صحت انجام آن.

ص:۶۹

۶- تشکیل جلسه‌های سخنرانی و دعا در محل کاروان و تقویت بعد معنوی سفر و توبه و تعهد با خدا در کنار بیت الله الحرام.

۷- هماهنگی و همکاری کامل با دفتر نمایندگی بعثه مقام معظّم رهبری- مدّ ظلّه العالی- و رابطین بعثه در مکّه و مدینه.

۸- شرکت در نمازهای جماعت و ترغیب زائران به آن و

ص:۷۰

تعلیم کیفیت اقامه جماعت در حرمین شریفین.

۹- توجیه زائران برای حفظ وحدت و برخورد اسلامی با زائران دیگر کشورها و مأموران عربستان.

۱۰- تلاش برای بالا بردن سطح آگاهیهای دینی و معنوی و برخوردهای اخلاقی و اجتماعی زائران.

۱۱- تکمیل برگه‌های گزارش عملکرد و ارزیابی گروه و تحویل در پایان سفر.

۱۲- تحویل نذورات و وجوه شرعیه دریافتی به دفتر نمایندگی بعثه در مکّه و مدینه.

۱۳- نظارت بر اعمال کلّیه زائران و حصول اطمینان از صحت اعمال انجام گرفته.

۱۴- ایجاد روح آرامش در همسفران و رفع نگرانی از افراد مضطرب گروه به ویژه بانوان برای انجام صحیح اعمال.

۱۵- با توجه به مکشوف نبودن خودروها، مسئله استظلال برای زائران به روشنی بیان شود.

۱۶- چون ساعاتی پیش از اذان صبح، صفوف نماز جماعت تشکیل می‌شود، باید از نماز خواندن بانوان در پشت مقام جلوگیری شود. لازم است روحانیان محترم ضمن جلب توجه بانوان به این موضوع، با ادای نماز طواف واجب در خلف مقام، آنان را به نقطه مناسب‌تری راهنمایی کنند.

ص:۷۱

۱۷- حضور در برنامه پاسخگویی به زائران درباره مناسک، در خلف مقام یا در مسعی در وقت مقرر از سوی مسئولان بعثه و ارائه گزارش آن.

۱۸- پیش از پرداختن به طواف، بایـد از وضعیت شست و شوی اطراف بیت و امکان انجام طواف بدون مواجهه با مشکل کسب اطلاع شود.

۱۹- برای زائران، به ویژه دانشجویان، توضیحات لازم درباره اماکن، تاریخ اسلام و تلاشهای اولیای دین، متناسب با روحیات آنان ارائه شود.

ص:۷۲

۲۰- روحانیان محترم در این سفر الهی، افزون بر هدایت و راهنمایی حجاج در انجام اعمال، در تقویت بنیه ایمانی آنان بکوشند و زائران عزیز را در انجام هر چه بهتر وظایف دینی و اخلاقی، مربّی و یار و یاور باشند.

۲۱- روحانیان گرامی، در اماکن مذهبی و زیارتگاه‌ها، زائران را همراهی فرمایند تا کسانی که شاید تنها در عمر خود یک بار به این توفیق دست می‌یابند، دچار مشکل و یا احتمالاً بطلان عمل نگردند.

۲۲- اتاق و مکانی مناسب برای پاسخگویی به مراجعه کنندگان در مکّه و مدینه مشخص گردیده، روحانیان کاروان در ساعات معیّنی در آن جا حاضر شوند تا معتمران به آسانی

ص:۷۳

بتوانند با آنان تماس گیرند و پرسشهای خود را مطرح نمایند.

۲۳- مبنای بیان مسائل شرعی، فتاوای حضرت امام خمینی (قدس سرهم) است و چنانچه مقلّدان مراجع دیگر، از فتوای مرجع خود می‌پرسند، بدانان پاسخ داده شود.

۲۴- مکّه و مدینه، تاریخ مجسّم اسلام و مهبط وحی الهی‌اند و بیشتر وقایع تاریخ صدر اسلام در این دو مکان مقدّس روی داده است. به جاست روحانیان محترم، در این اماکن، زائران را همراهی کنند و با رعایت شرایط و با استمداد از آیات و روایات و تاریخ و سیره، بر آگاهیهای دینی و اسلامی زائران بیفزایند.

۲۵- لازم است روحانیان محترم همیشه و همه جا قداست و شئون روحانیت را حفظ فرمایند.

۲۶- از پذیرفتن نیابت غیر تبرّعی در نماز طواف و موارد مشابه آن، اجتناب فرمایند.

۲۷- با تمامی زائران برخورد عاطفی داشته باشند و با شکیبایی و فروتنی با آنان برخورد کنند و از تندخویی و خشم دوری نمایند.

۲۸- از واسطه شدن در گرفتن امضا و تائیدیه برای مدیران و خدمه کاروان خودداری کنند.

۲۹- هنگام تشرّف به مسجد النبی (صلی الله علیه وآله) و مسجد الحرام و شرکت در مراسم مختلف با لباس روحانیت حضور یابند.

ص:۷۴

۳۰- هنگام صرف غذا، همراه با زائران و کنار آنان باشند.

۳۱- از حضور غیر ضروری در بازار و خرید کالاهای تجمّلی پرهیز کنند.

ص:۷۵

۳۲- در هتلهایی که چنـد نفر روحانی در آن جا سـکونت دارند، باید قبل از تشـکیل جلسه‌ها و یا دیدار از اماکن و غیره، با ملاحظه ویژگی‌های هر یک از آنان، تقسیم کار صورت گیرد و بدین سان با برنامه ریزی صحیح و دقیق، بیشترین استفاده برده شود.

۳۳- برای بهره‌برداری مفیـد از زیارت دوره و اسـتفاده از خنکی هوا بایـد بیدرنگ با روشن شدن هوا حرکت کرد و زائران، در مکّه از زیارت حضرت خدیجه و ابوطالب (علیهما السلام) (قبرستان ابوطالب) آغاز نمایند.

۳۴- رعایت اختصار و گویا بودن سخن متناسب با حال زائر، از موضوعات مهم است.

۳۵- حتی الامکـان زائران (مرد) را برای زیارت نزدیک از قبرسـتان ابوطالب افزون بر زیارت دوره شـرکت دهنـد و شایسـته است از پشت پنجره‌ها زیارت نامه قرائت شود.

۳۶- تشکیل هسته‌های امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند در انجام بهتر وظایف روحانی کاروان مؤثر باشد.

ص:۷۶

تذکرات لازم و ضروری برای زائران

تذکرات لازم و ضروری برای زائران

۱- پیش از سفر به حساب مالی خود رسیدگی نمایند و نسبت به پرداخت حقوق دیگران اقدام کنند تا حق الناس بر عهده‌شان نباشد.

۲- با بستگان و آشنایان خداحافظی کنند و حلالیت بطلبند و اگر به عللی قطع رحم کرده‌اند، صله رحم نمایند.

۳- از همراه بردن اجناس قاچاق و اشیای ممنوعه خودداری نمایند.

۴- مناسک، احکام، فلسفه و اسرار حج را بیاموزند تا با شناخت و آگاهی بیشتر اعمال عمره را انجام دهند و از این سفر بهره ببرند.

۵- هنگام سوار شدن به هواپیما و نیز پیاده شدن، ورود به فرودگاه جده، سوار شدن به وسائط نقلیه، دیدار از اماکن مقدسه، هنگام صرف غذا و ... نظم ترتیب را رعایت کنند و دیگران را بر خود مقدّم بدارند و کاری نکنند که در مقابل چشمان زائران غیر ایرانی و اتباع دیگر کشورها، به حیثیت اسلامی و انقلابی ایرانیان آسیبی وارد شود.

ص:۷۷

۶- همراه با شنیدن صدای روحبخش اذان، حتماً در نماز جماعت مسجد النبی (صلی الله علیه وآله) و یا مسجدالحرام شرکت کنند و از این

ص:۷۸

فرصت بزرگ معنوی به گونه شایسته بهره جویند.

۷- هنگـام نمـاز از خریـد و فروش، ایسـتادن در کوچه و خیابـان و بـازار و حرکت بر خلاف مسـیر نمازگزاران، به شـدت خودداری کنند.

۸- در اماکن مقدّس مکّه و مدینه سیگار کشیدن ممنوع است، از این رو، از استعمال دخانیات جداً پرهیز کنند.

۹- از فریاد زدن، ایجاد سـر و صـدا و انجام اعمال و حرکاتی که زیبنـده مسـلمان ایرانی نیست، خصوصاً در اماکن مقـدسه و مشاهد مشرفه خودداری کنند.

۱۰- از خواندن دعا و زیارت و فرستادن صلوات با صدای بلند و دادن شعار در مسجدالحرام و مسجدالنبی (صلی الله علیه وآله) و نیز از کارهایی که موجب انگشت‌نما شدن است، همچون سجده بر روی چوب، مقوا، کاغذ و سنگ اجتناب کنند.

۱۱- برای احرام کودکان، لازم است اولیای محترم آنان حتماً با روحانی کاروان مشورت کنند.

۱۲- احترام و قـداست قرآن کریم را حفظ نموده، در پایگاه وحی با خواندن آیات قرآن دهان را خوشـبو و قلوب را صـفا بخشـند و قرآنها را بر زمین نگذارند.

۱۳- خواهران گرامی از پوشیدن مانتو، چادرهای رنگی و لباسهای احرام نازک، که جلب توجه می‌کند، به شدت پرهیز

ص:۷۹

نموده، با رعایت حجاب اسلامی، عزت و صلابت و عظمت زن مسلمان را نشان دهند.

۱۴- در کنار بقیع از خواندن نماز خودداری نموده، نمازهای مستحبی را در مسجد النبی (صلی الله علیه وآله) و یا محل مناسب دیگری بخوانند. هنگام خواندن زیارت و مصیبت از بلندگو استفاده نکرده، از سینه زنی و نوحه‌خوانی، اجتناب فرمایند.

۱۵- برادران محترم از لباسهای زیرین و نامناسب و پیراهنهای بدون آستین در مجامع عمومی و اماکن استفاده ننمایند و با پای فشردن بر آداب و رسوم فرهنگی، اجتاعی و دینی، از خرید اجناس تبلیغی فرهنگ ابتذال خودداری نمایند.

ص:۸۰

۱۶- برای بهره گیری هر چه بیشتر از این سفر الهی و معنوی، زائران باید بکوشند که شبها زودتر بخوابند و قبل از اذان صبح بیدار شوند و به سوی مسجدالحرام و یا مسجدالنبی (صلی الله علیه وآله) حرکت و به موقع در نماز جماعت شرکت کنند.

۱۷- درهای مسجدالحرام شبانه روز به روی همه زائران باز است. در بهره گیری معنوی در مکّه کوشش بیشتری نمایند.

۱۸- از همراه بردن قرآنهای مسجدالنبی (صلی الله علیه وآله) و مسجدالحرام و انتقال آن به هتلها اجتناب کنید.

۱۹- فروش اشیایی همچون پسته، انگشتر، زعفران و ... در

ص:۸۱

کنار کوچه و خیابان به حیثیت مسلمانان ایرانی آسیب می‌رساند و باید از این کار اجتناب فرمایند.

۲۰- نظافت را در طول سفر و همه جا مراعات فرمایند.

۲۱- به جای آن که اوقات گرانبهای خود را بازارها بگذرانند، از برکات معنوی این سفر الهی و دینی بیشتر بهره گیرند.

۲۲- در پایان سفر، در صورت تمایل، کتب ادعیه، مفاتیح و دیگر کتابهایی که به همراه دارند، به دفتر بعثه هدیه نمایند تا برای استفاده در اختیار زائران دیگر قرار گیرد.

۲۳- دیدار از اماکن به صورت گروهی صورت می‌گیرد. از این رو، حتماً ساعات رفت و آمد را دقیقاً مراعات نمایند تا با تأخیر خود موجب آزار دیگران نشود.

۲۴- رفتارها و برخوردهای مشکوک را، بیدرنگ برای پیگیری لازم، به دفتر نمایندگی بعثه اطلاع دهند.

۲۵- هنگام خرید، برای گرفتن تخفیف (به ویژه بانوان) پای‌فشاری و التماس نکنند و احترام خود را نگاه دارند.

۲۶- هیچ گاه بانوان به تنهایی سوار خودروهای شخصی نشوند و تنهایی به خرید نروند؛ به ویژه در هنگامی که بازار خلوت است.

۲۷- حتی المقدور سوغات معنوی از سفر به همراه داشته

ص:۸۲

باشند و از مراسم دعا و توصیه‌های اخلاقی در حرمین آثار سمعی و بصری فراهم آورند.

ص:۸۳

چگونگی زیارت بزرگان معصوم (علیهم السلام)

۲۸- سعی کنند دفتر خاطرات و مشاهدات برای خود تهیه کرده، آنچه را در این سفر معنوی کسب می‌کنند، یادداشت نمایند تا در آینده برای خود و دیگران سودمند باشد.

۲۹- در جلسه‌ای آموزشی عمره، حضوری فعّال داشته باشند. حتی کسانی نیز که سابقه تشرّف دارند، از این جلسه‌ها بی‌نیاز نیستند.

۳۰- در نگهداری اموال و وسایل هتلها، که به صورت امانت در اختیار آنان است، کوشا باشند تا ضمن نشان دادن شخصیت اسلامی خود، موجب پرداخت خسارت توسط سازمان حج و زیارت نگردند.

۳۱- رعایت مقررات نظام مقدّس جمهوری اسلامی به ویژه برای زائران بیت الله الحرام مورد انتظار است. بنابراین، در شرایط خاص اقتصادی حاضر، از اسراف و خارج کردن ارز و یا پول رایج کشور پرهیز نمایند.

۳۲- اقشار آسیب‌پذیر کاروان را با حمایت و یاری خود در انجام وظایفشان خرسند کنند.

۳۳- از خوابیدن در مسجدالحرام و مسجدالنبی (صلی الله علیه وآله) (به ویژه بانوان) خودداری نمایند.

ص:۸۴

۳۴- نماز طواف مستحبی را در همه مسجدالحرام می‌توان خوانـد. پشت مقام را برای کسانی که نماز طواف واجب انجام می‌دهند، خالی بگذارند.

۳۵- در صورت ازدحام در مطاف، شایسته است از طواف مستحبی، که مخّل طواف واجب دیگران است، بپرهیزند و اعمال مستحب را با رعایت حال دیگران انجام دهند.

۳۶- در آغاز و پایان اشواط طواف دقت داشته باشند.

۳۷- استلام حجرالاـسود کاری مستحب است. بایسته است با رعایت عـدم اختلاط بانوان و آقایان، این کار مستحب در کنار خانه خدا به گناه منجر نشود.

۳۸- توفیـق شکرگزاری سفر معنوی عمره را بـا دیـدن برخی از برنامه‌هـای تلویزیون عربستان و کشورهـای دیگر به کفران تبـدیل نسازند.

۳۹- برای جلوگیری از سستی و کسالت در انجام اعمال عمره، که هدف اصلی سفر است، پیش از اعمال کاملا استراحت کنند.

چگونگی زیارت بزرگان معصوم

آزموده ها ؛ ج۱ ؛ ص۸۵

ص:۸۵

۱- هنگام زیارت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و امامان معصوم (علیهم السلام) آداب و احترام به مقام و نظارت بر زائران رعایت شود. زیارت هر

ص:۸۶

قدر از معرفت بیشتری برخوردار باشد، ارزشمندتر است.

رعایت آداب نمازهای جماعت مکه و مدینه

۲- از هرگونه عملی که موجب وهن مذهب شیعه می‌شود- مانند دست کشیدن یا بوسیدن در و ضریح مطهر، خاک برداشتن از داخل قبرستان بقیع، بند بستن به میله‌های بقیع و انداختن عریضه یا پول به داخل قبرستان- به شدت دوری شود. در صورتی که زائران عریضه به همراه دارند، در اختیار روحانی کاروان قرار دهند تا از طریق بعثه اقدامات شایسته انجام گیرد.

۳- برای خواندن زیارتنامه سعی شود حتی الامکان به صورت ملایم و در صحن مسجدالنبی (بین الحرمین) و حتماً رو به قبله خوانده شود و مدّاحان محترم مواظب باشند که با صدای بلند مزاحم دیگر گروهها نشوند و از نوحه سرایی به صورت گروهی و سینه زنی خودداری کنند.

۴- از خواندن زیارت عاشورا، دعای ندبه و دعای توسل با صدای بلند پرهیز شود.

۵- هنگام زیارت شهدای احد، به دلیل اختلاط زن و مرد، برای خواندن زیارتنامه، آقایان در جلو و بانوان در پشت سر قرار گیرند و حتی المقدور مدیر مراقب مجموعه کاروان باشد.

ص:۸۷

رعایت آداب نمازهای جماعت مکّه و مدینه

۱- در صورت امکان، زائران، نمازهای یومیه خود را در مسجدالحرام و مسجدالنبی (صلی الله علیه وآله) و با جماعت به جای آورند. تجافی نکنند و پس از رکوع، با رعایت تبعیت به سجده بروند.

۲- در پایان نماز، از حرکت دادن دستان خویش خودداری کرده، فقط سر را به سوی راست و چپ بگردانند.

ص:۸۸

۳- با توجه به این که در داخل مسجدالنبی (صلی الله علیه وآله) مسافران نیز می‌توانند نماز خود را تمام بخوانند، از خواندن نماز قصر (دو رکعتی) خودداری فرمایند و در صورتی که در بیرون مسجد یا مساجد دیگر- مانند مسجد قبا- به جماعت اقتدا می‌کنند، قصد نماز قضا نموده، بعد از نماز یا پیش از آن، نماز قصر خود را به صورت فرادی انجام دهند.

۴- امام مسجدالحرام معمولا ظهرها زیر بالکن مقابل حجر السود و رکن یمانی و عصرها بین حِجر و در و نیز صبح، مغرب و عشا را نزدیک مقام ابراهیم می‌ایستد. برادران زائر باید بکوشند که پشت سر امام جماعت بایستند.

۵- از گذاردن مهر، یا بادبزن یا حصیر و یا چیزی دیگر برای سجده خودداری شود.

۶- معمولا امام جماعت، صبحهای جمعه در نماز خویش،

ص:۸۹

آیه سجده دار می‌خواند. در این صورت لازم است زائران با تبعیت از جماعت به سجده رفته، سپس مانند دیگر نمازگزارن نماز را ادامه دهند. از این رو زائران صبحهای جمعه پیش از آغاز نماز جماعت صبح می‌توانند نماز صبح را فرادی بخوانند.

۷- در نمازهای میّت، که پس از نمازهای واجب خوانده می‌شود، شرکت نمایند.

۸- پس از نماز صبح و عصر، نماز نخوانند و به دیگر عبادات مستحبی بپردازند.

۹- در منظم نمودن صفوف جماعت بکوشند و از هر گونه ایجاد اختلال در صف نمازگزاران بپرهیزند.

۱۰- رو به روی نمازگزارن و کسانی که به صورت فرادی مشغول نمازند، تردد نکنند؛ زیرا فرقه‌ای از اهل سنت این کار را جایز نمی‌دانند.

۱۱- در نمازهای جماعت از خواندن قنوت، که مستحب است، خودداری گردد.

ص:۹۰

مساجد و اماکن تاریخی مکّه و مدینه

آنچه د ر این بخش می‌آید، مباحثی است درباره اماکن مقدّسه مکّه مکرّمه و مدینه منوّره. با توجه به برنامه سفر زیارتی عمره مفرده، که معمولاـ از مدینه منوّره آغاز می‌شود و به شهر مقدّس مکّه مکرّمه ختم می گردد، نخست مطالب مربوط به مدینه منوّره مطرح خواهد شد و آن گاه از اماکن مکّه مکرّمه سخن می‌رود.

۱- مدینه منوّره

تاریخ مدینه منوّره پس از هجرت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) از اهمّیتی ویژه بر خوردار گشته است و ابعادی گوناگون به خود گرفته است. مو ضوعاتی بسیار در این باره شایسته بحث است؛ مانند تاریخ سیاسی مدینه پیش از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و پس از

ص:۹۱

رحلت، جبال مدینه، چاههای مدینه، باغهای مدینه، مقابر مدینه، مساجد مدینه، تاریخ توسعه مسجدالنبی، اماکن مقدّسه مسجدالنبی، بقیع، احد، روستاهای مدینه، محلات مدینه، بیابانهای اطراف مدینه، چشمه‌های مدینه، خانه‌های اهل بیت (علیهم السلام) در مدینه و اطراف آن، مزارع اهل بیت (علیهم السلام) در مدینه و اطراف آن، نهرهای مدینه، حرّه‌های مدینه، ساکنان مدینه، راههای مدینه و ...
از آن جا که مدت سفر بسیار محدود است و روحانیون محترم می‌بایست به امور دینی و مناسک زوّار بپردازند و نیز بهره‌ای از حضور چند روزه خود در مدینه منوّره ببرند، در این بخش از نوشتار حاضر، مطالبی به صورت موجز ارائه می‌شود تا در جلسه‌های مدینه در اختیار زوّار محترم قرار گیرد.

زیارت دوره

زائران در زیارت دوره به زیارتهای زیر می‌پردازند:

- احد و قبر حضرت حمزه سیدالشهداء (علیه السلام).

ص:۹۲

- زیارت مسجد قبا.

- زیارت مسجد قبلتین.

- زیارت منطقه جنگ احزاب و مساجد آن.

ص:۹۳

مسجد قبا

این مسجد در منطقه قبا- شش کیلومتری جنوب مسجدالنبی- جای دارد. پس از هجرت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و پیش از ورودش به مدینه منوّره چند روزی اهالی قبا میزبان آن حضرت بودند.

مسجد قبا نخستین مسجدی است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بنا کرده است. خوب است آیه شریفه ۱۰۸ سوره توبه برای زائران شرح و توضیح داده شود. در حدیث است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: (مَنْ تَطَهَّر فی بَیْتِهِ ثُمَّ أَتی مَسْجِدَ قُبا فَصَلی فیه رَکْعتَین کانَ کَأَجْرِ عُمْرَهْ) (۱)

برای آگاهی افزونتر به کتابهای مربوطه، از جمله اخبار مدینه، نوشته سمهودی رجوع کنید.

احُد

کوههای منطقه احد در صدر اسلام نظاره‌گر رویارویی حق و باطل بوده‌اند و احد خاطرات شهادت بهترین یاران پیامبر (صلی الله علیه وآله) را در سینه دارد

غزوه احد در روز شنبه، هفتم ماه شوّال سال سوم هجرت

۱- تاریخ المدینه المنورهْ، ج ۱، ص ۴۱.

ص:۹۴

روی داد. جبل الرماهٔ (کوه تیر اندازان) یا جبل عینین، همین کوه کوچک است که مزار حضرت حمزه (علیه السلام) در کنار آن جای دارد و به علّت خاکی بودنش فرسایشی افزون‌تر داشته است و

ص:۹۵

تاریخ نیز این حقیت را تأیید می‌کند. (۱)روحانیون محترم در توضیح جنگ احد به حقیقت فوق اشاره کنند و شایسته است روحانیون کاروان‌ها همواره وحدت در گفتار را ارج نهند.

برای آگاهی بیشتر به ویژه در موارد ذیل به کتاب مذکور در پاورقی پیشین رجوع کنید:

صحنه جنگ، شهیدان احد، المهراس، قبر حضرت هارون (علیه السلام) برادر حضرت موسی (علیه السلام)، که در رشته کوه احد جای دارد، قبور شهیدان احد، الزُبیة (الحفرة)، مسجدالفسح و ....

مسجد قبلتین

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و مسلمانان حدود هفده ماه در مدینه منوّره به سوی بیت المقدس نماز می‌گزاردند. تغییر قبله در سال دوم هجرت روی داد.

توضیح و شرح درباره آیه شریفه ۱۴۴ سوره بقره می‌تواند برای زائران بسیار سودمند افتد؛ آن جا که خداوند می‌فرماید:

۱- المساجد و الأماكن الأثرية ...، ص ۳۱؛ الدّر الثمین، ص ۱۷۵؛ تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۱۳۰.

ص:۹۶

۹۵

(قَدْ نَری تَقَلُّبَ وَجْهِکَ فی السَّماءِ فَلَنُوَلِّیَنَّکَ قِبْلَهً تَرْضاها فَوَلِّ وَجْهَکَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرام ...) در این میان، طرح و توضیح دو موضوع زیر شایسته است:

۱- قبیله بنی سلمه و حضور رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در خانه امّ بشر.

۲- انعکاس خبر تحوّل قبله و علل تغییر آن.

موضوع بالا در مقاله «تحوّل القبلهٔ و مسجدالقبلتین» به گونه‌ای مستقل در مجله عربی میقات الحج (شماره ۹، صفحه ۹۳) مذکور آمده و مدارک و منابع تاریخی مطالب مطرح شده، در مقاله مورد اشاره درج شده است.

منطقه جنگ احزاب (خندق) و مساجد آن

ص:۹۷

- در این باره، ذکر، معرفی و توضیح موضوعات زیر شایسته است:

- غزوه خندق در سال پنجم هجری روی داد.

- نقش حضرت امیر (علیه السلام) و سلمان فارسی در این جنگ.

- مسجد فتح و دعاهای ویژه‌اش.

- مسجد سلمان.

- مسجد علی بن ابی‌طالب (علیه السلام).

ص:۹۸

- مسجد حضرت زهرا (علیها السلام).

- مسجد ابوبکر و مسجد عمر.

- کوه سلع.

- کهف بنی حرام. (محل استراحت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در دوران جنگ خندق)

برخی مدارک و منابع تاریخی موضوعات و مطالب بالا ـ عبارتند از: المعجم الصغیر، ج ۲، ص ۱۷۲؛ خلاصهٔ الوفاء بأخبار دار المصطفی؛ الدّر الثمین، ص ۲۳۳ ب؛ المساجد و الأماکن الأثریهٔ، ص ۲۴.

مساجد و اماکن مقدّسه مدینه

۱- مسجد النبی (صلی الله علیه وآله)

مهمترین موضوعاتی که در این باره شایسته ذکرند، عبارتند از: مسجدالنبی (صلی الله علیه وآله) و اماکن مقدّسه‌اش- از جمله خانه حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) و خانه حضرت زهرا (علیها السلام)- توسعه- مسجدالنبی (صلی الله علیه وآله) در طول تاریخ، روضه، منبر، ستونها، محراب، اصحاب صفّه، جایگاه نماز پیامبر (صلی الله علیه وآله) در ماههای آغاز هجرت که به سوی بیت المقدّس نماز می گزارد، فضیلت نماز خواندن در مسجد

ص:۹۹

النبی و .... (۱)

۲- قبر حضرت عبدالله بن عبدالمطّلب

پدر گرامی رسول خدا (صلی الله علیه وآله)

در غرب مسجدالنبی (صلی الله علیه وآله)، مقابل باب اسلام، تا سال ۱۳۵۵ شمسی کوچه و بازار بود. هنگامی که زائر از باب اسلام خارج می‌شد و پای به بازار می‌نهاد، در سوی راست بازار، در فاصله ۶۵ متری باب اسلام، مقبره‌ای بود که مرقد شریف حضرت عبدالله، پدر گرامی رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، در آن قرار داشت.

این بقعه مبارکه در تاریخ فوق (۱۳۵۵ شمسی) به بهانه توسعه مسجدالنبی و میادین اطراف آن، ویران شد و اینک اثری از آن باقی نیست.

شایسته است روحانیون محترم، زائران را بدین جا راهنمایی کنند و در نزدیکی سومین ستون چراغ برق (ستون سوم پس از باب اسلام و مقابل آن) زیارتنامه آن جناب را همراه با آنان بخوانند، تا یاد آن بزرگوار همیشه زنده بماند.

شکی نیست که پدر و اجداد گرامی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) همگی موّحد و خداپرست بوده‌اند، دلایلی چند بر این حقیقت گواهی

۱- تاریخ المدینهٔ المنورهٔ؛ تاریخ معالم المدینهٔ؛ وفاء الوفاء.

ص:۱۰۰

می‌دهند و از آن جمله است دو دلیل زیر:

۱- آیه ۲۱۸ و ۲۱۹ سوره شعراء که می‌خوانیم: (الَّذی یَریکَ حینَ تَقُوم* وَ تَقَلُّبَکَ فِی السّاجدین).

فخر رازی می گوید: به عقیده مفسران منظور از «تقلب و جا به جا شدن در ساجدین» انتقال نطفه پیامبر از صُلب سجده کننده و موحّد و خداشناسی است به صُلب خداشناس و موحّدی دیگر.

۲- حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) که می‌فرماید: «لَمْ ازَلْ انْقَلُ مِنْ اصْلابِ الطّاهرینَ الی ارْحامِ الْمُطَهَّرات.» اگر اجداد و پدر پیامبر (صلی الله علیه وآله) مشرک می‌بودند، آن حضرت پاکی آنان

ص:۱۰۱

را تأیید نمی کرد؛ زیرا در قرآن مجید آمده است: (انَّما الْمُشْرِکونَ نَجَسٌ).

حضـرت عبـدالله (علیه السـلام) هنگام بازگشت به مـدینه از سـفر تجارت شام، در شـهر مـدینه بیمار شد و از دنیا رفت. درود خدا بر روان پاکش.

۳- مسجد الجمعه

این مسـجد در نزدیکی مسـجد قبا جای دارد و در فرعی خیابان قبای نازل، گنبـد و مناره‌اش نمایان است. حضـرت رسول (صـلی الله علیه وآله) پس از خروج از محله قبا به سوی مدینه به راه افتاد

ص:۱۰۲

و در میان راه به طایفه بنی سالم بن عوف رسید. حضرت (صلی الله علیه وآله) نخستین نماز جمعه را در آن جا اقامه کرد و پس از گذشت زمان آن مسجد با نام مسجد الجمعه مشهور شد.

در سال ۱۴۱۲ هجری مسجدالجمعه را توسعه دادند و به صورتی زیبا تجدید بنا کردند. مسجدالجمعه دارای دو نام دیگر نیز بوده است: مسجد عاتکه و مسجد الوادی. (۱)

۴- مسجد اجابه

این مسجد در شمال شرقی مسجدالنبی، در فاصله ۵۰۰ متری آن جای دارد و در کنار خیابان (شارع) ستین واقع شده است.

مسجد اجابه از دیرباز مسجد بنی معاویه نام داشته است. بنی معاویه از ساکنان مدینه و قبیله اوس هستند، (۲)ولی اکنون به نام مسجد اجابه یا مسجد مباهله مشهور است.

وجه نامگذاری مسجد اجابه: پس از آن که حضرت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) دو رکعت نماز در این مسجد گزارد و دست به دعا برداشت، خداوند متعال دعای آن حضرت را مستجاب کرد. (۳)

۱- تاریخ المدینهٔ المنوره، ج ۱، ص ۶۸؛ تاریخ معالم المدینهٔ، ص ۱۱۵ و ۱۱۶.

۲- تحقیق النصرهٔ، ص ۱۳۹؛ عمدهٔ الاخبار، ص ۱۷۶.

۳- المعجم الضغیر، ج ۱، ص ۸.

ص:۱۰۴

وجه نامگذاری مسجد مباهله: ماجرای مهم و تاریخی نصارای نجران و پیشنهاد حضرت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به مباهله با آنان، در این مسجد روی داده است. (۱)

۵- مسجد غمامه

این مسجد در غرب مسجدالنبی در فاصله دویست متری آن جای دارد و نمازهای یومیه در آن اقامه می‌شود. نام دیگر این مسجد، مسجدالمصلّی است؛ زیرا پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) نمازهای عید فطر و عید قربان را در آن منطقه اقامه می کرده است. (۲)

آمدن پاره‌های ابر و سایه انداختن بر پیکر مقدّس رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و مسلمانان در هنگام نماز و ایراد خطبه، علّت نامگذاری مسجد به مسجد غمامه است. در روایت آمده است: «قال رسول‌الله (صلی الله علیه وآله) هذا مُسْتمطرنا و مُصلّا نالفطرنا و أُضحانا فلا یضیق وَ لا ینقص عَلینا.» (۳)

۶- مشربه امّ ابراهیم

مکان این مشربه در امتداد خیابان علی بن ابی طالب (علیه السلام) و

۱- سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۱۶۰.

۲- الدرّ الثمین، ص ۲۲۷.

۳- تحقیق النصرة، ص ۱۴۳.

ص:۱۰۵

منطقه عوالی و پس از بیمارستان الزهراء (علیها السلام)، خیابان سمت چپ و نرسیده به بیمارستان مدینهٔ الوطنی، در کنار خیابان است.

مشربه، در اصل، باغ بوده و در مالکیت فردی یهودی به نام مخیریق ابن النضیر قرار داشته است. او وصیت کرد که اگر در جنگ احد کشته شود، باغش از آنِ رسول خدا (صلی الله علیه وآله) باشد. (۱)این مرد یهودی در جنگ احد به یاری رسول خدا شتافت و در این جنگ کشته شد. پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) درباره او فرمود: «مخیریق خیرُ یهود.» یعنی مخیریق بهترین مرد یهودی بود.

ماریه قبطیه، همسر گرامی رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، در این باغ زندگی می‌کرد و در همان جا حضرت ابراهیم بن رسول الله (صلی الله علیه وآله) را به دنیا آورد و از آن پس مشربه و باغ آن منطقه به مشربهٔ امّ ابراهیم معروف گردید.

صاحب کتاب الدرّ الثمین می‌گوید: هنگامی که عمر بن عبدالعزیز، والی و حاکم مدینه منوّره بود، در همان مکان (خانه ماریه) که محل نمازگزاردن رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نیز بوده است، مسجدی ساخت. (۲)

اکنون در کنار قبرستان، یک چهار دیواری به ارتفاع ۱/۵ متر قرار دارد و محرابی در آن به چشم می‌آید. دیوار موجود با تیرچه بلوک بنا نهاده شده است. این چهار دیواری همان خانه امّ المؤمنین ماریه قبطیه است.

۱- سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۲۹.

۲- الدّر الثمین، ص ۱۴۹.

ص:۱۰۶

می گویند که قبر حضرت نجمه خاتون، مادر امام رضا (علیه السلام) نیز در این قبرستان است.

۷- مسجد فضیخ

این مسجد در جایی با فاصله ۵۰۰ متری مشربه امّ ابراهیم و در سمت راست خیابان جای دارد.

فضیخ به معنای شراب خرماست که هنوز رطب نشده است و به معنای عصاره انگور نیز آمده است. (۱)ابن شبّه درباره وجه نامگذاری مسجد فضیخ می‌نویسد: جابر بن عبدالله انصاری می گوید: پیامبر (صلی الله علیه وآله) طایفه بنی النضیر را محاصره کرد و خیمه گاه خود را در نزدیکی مسجد فضیخ استوار ساخت. آن حضرت به مدت شش شبانه روز در همین مکان، که اینک مسجد در آن جاست، نماز خواند. هنگامی که خبر تحریم شراب انتشار یافت، شماری از اصحاب مشغول نوشیدن فضیخ بودند. همین که از حرمت شراب با خبر شدند، آن را دور ریختند. بدین روی، آن مکان به مسجد فضیخ نامگذاری شده و شهرت یافته است. (۲)

برخی بر آنند که حادثه ردّالشمس برای حضرت

۱- القاموس المحیط، ص ۳۲۹.

۲- تاریخ المدینهٔ، ج ۱، ص ۶۹.

ص:۱۰۷

امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز در همین مسجد فضیخ پیش آمده است، و روایتی نیز در کافی نقل است که بنابر آن، مسجد ردّ الشمس همان مسجد فضیخ است. (۱)

۸- مسجد سُقیا

این مسجد در جنوب غربی مسجدالنبی، با فاصله ۱۹۰۰ متری واقع شده است. میدان عنبریه و ایستگاه راه آهن مدینه، که فعلا متروک است، برای همگان نامهایی آشناست. در محوطه ایستگاه راه آهن، که در سالهای اخیر ایستگاه اتوبوس‌های مدینه بوده و اینک بی استفاده است، مسجدی کوچک، اما بسیار با معنویت نمایان است. این مسجد را مسجد سقیا می‌نامند و دارای سه گنبد است. گنبد وسطی اندکی بزرگتر از دو گنبد دیگر است.

مسجد در مکانی ساخته شده است که حضرت رسول الله (صلی الله علیه وآله) هنگام جنگ بدر، خیمه گاه جنگی خود را در آن برپا کرد و از سپاه اسلام سان دید. (۲)

در همین مکان مقدّس پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) از آن چاه سقیا وضو ساخت و نماز خواند و از خدای بزرگ درخواست که به

۱- کافی، ج ۴، ص ۵۶۲.

۲- وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۷۲.

ص:۱۰۸

نعمتهای مدینه برکت عطا فرماید. (۱)

۹- مسجد الشیخین (البدائع یا المستراح)

این مسجد، که دارای سه نام است، در سوی چپ خیابان سیدالشهداء و در شمال مسجدالنبی جای دارد. فاصله مسجد تا احد حدود ۱۳۰۰ متر است. در کنار مسجد کهن، که مخروبه‌ای بیش نیست، مسجدی نو و با همان نام بنا نهاده شده است.

علت نامگذاری مسجد به مسجد شیخین: در این مکان مرد و زنی زندگی می‌کرده‌اند که عمرشان بیش از صد سال بوده و از زمان کودکی تا پیری در همین منطقه زندگی می‌کرده‌اند. این موضوع مورد تعجّب اهالی شهر مدینه واقع شد و بدین روی، جای زندگانی آنان را به یاد همانان (شیخین) نامگذاری کردند. (۲)

علت نامگذاری مسجد به مسجد بدائع: سمهودی در این باره می‌گوید: در زمان گذشته نام جای مسجد، بدائع بوده است. (۳)روایتی نیز بر این حقیقت گواه است که ابن شبه از سعد نقل کرده است: «انّ النّبی صلّی فی المَسْجِد الّذی عِند البَدائع عند الشّیخین العَصر و المَغرب و العِشاء و الصُّبح و بات فیه

۱- الدرّ الثمین، ص ۲۳۸.

۲- عمدهٔ الاخبار، ص ۱۷۶.

۳- وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۶۵.

ص:۱۰۹

حتّی أصبح.» (۱)

علت نامگذاری مسجد به مسجد مستراح: مردم مدینه این مسجد را به همین نام می‌شناسند. این واژه در لغت فارسی معنای خوبی ندارد و از این رو، شایسته است روحانیان محترم مسجد را نزد زائران، بدائع، شیخین و یا مسجد استراحتگاه (معنای فارسی اسم مکان مسجد) بخوانند. و بدین ترتیب سبب نامگذاری این مسجد به مسجد مستراح معلوم می‌شود؛ زیرا پیامبر (صلی الله علیه وآله) هنگام رفتن به جنگ احد در این مکان استراحت کرده است. (۲)همچنین در کنار مسجد از

۱- تاریخ المدینهٔ، ج ۱، ص ۷۲.

۲- المساجد و الاماکن الاثریهٔ المجهولهٔ ...، ص ۳۰.

ص:۱۱۰

لشکریان اسلام سان دید و تقاضای یهودیان را، که گفته بودند حاضرند به کمک مسلمانان بشتابند، در همین مکان رد کردند و یاری آنان را نپذیرفتند و فرمودند: «لا نستعین بالمشرکین علی المشرکین.» (۱)

۱۰- مقبره حضرت علی بن جعفر (علی عُریضی)

در کنار شهر مدینه، در قسمت شمال شرقی، روستایی قرار دارد به نام «عُرَیْض». این روستا محل رفت و آمد و کشاورزی حضرات امامان معصوم (علیهم السلام) و فرزندانشان بوده است و اینک در سوی راست شارع المطار (خیابان فرودگاه) واقع شده

۱- طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۳۹.

ص:۱۱۱

است. در وسط این روستا مسجدی متروکه و در کنار آن مقبره‌ای سنگی از دوره عثمانی به جای مانده است. مقبره در چهار دیواری بلندی، بدون منفذ جای گرفته و فقط می‌توان آن را از روزنه‌ای نسبتاً کوچک دید. آن جا قبر حضرت علی بن جعفر است. او برادر امام موسی بن جعفر (علیه السلام) و از اصحاب نیک امام هفتم و امام هشتم و امام نهم (علیهم السلام) و دارای شخصیتی عظیم و از راویان اخبار بوده است. اهالی روستا او را به نام «علی عُریضی» می‌شناسند و سادات آن جا نسب خود را به او می‌رسانند.

گذشته‌های نه چندان دور، حکایت از فعال بودن مسجد دارد. در آن زمان درمانگاهی در کنار آن قرار داشته و نیز رفت و آمد زائران قبر حضرت علی بن جعفر (علیه السلام) به منطقه رونقی بخشیده بوده است. ولی تعصب و جهل، این بخش از شهر را از رونق انداخت و بی توجّهی و فراموشی را بر آن تحمیل کرد.

مساجد و اماکن مقدسه و تاریخی مکه مکرمه

۱۱- مسجد شجره

در کنار بزرگراه مدینه- مکّه و در فاصله چند کیلومتری شهر مدینه، مسجد شجره جای دارد. به منطقه‌ای که این مسجد در آن واقع شده «ذوالحلیفه» یا «آبار علی» می گویند. آبار جمع بئر

ص:۱۱۳

(به معنای چاه) است.

این منطقه چاههای آبی داشته و اینک نیز برخی از آنه،…Ùمتعلق به حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) بوده‌اند، دارای آبی شیرین و گوارایند و اهالی منطقه از آنها استفاده می کنند.

مسجد از قداستی بسیار برخوردار است؛ زیرا رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) در حجهٔ الوداع در این مکان مُحرم شده است. و درختی که حضرت در زیر آن نماز گزارده و به سوی مکّه رهسپار شده است، علت نامگذاری مسجد گشته است. (۱)

مسجد شجره را در ادوار مختلف تجدید بنا کرده و بر مساحتش افزوده‌اند. مسجد در حال حاضر یکی از زیباترین بناهای مذهبی شهر مدینه پس از مسجد النبی است.

۲- مکّه مکرمه

شهر مکّه از دیر باز مورد توجه مردم بوده و دو بُعد عبادی و تجاری این شهر باستانی، اهمیت آن را دو چندان کرده است. گزاف نیست اگر بگوییم خداوند متعال دعای حضرت ابراهیم (علیه السلام) را درباره مکّه تا ابد و نه در یک برهه خاص استجابت فرمود: (وَ اءذ قالَ ابراهِیمُ رَبِّ اجْعَلْ هذا بَلَداً آمِناً وَارْزُقْ

۱- تاریخ المدینهٔ المنورهٔ، ج ۱، ص ۷۳.

ص:۱۱۴

اهْلَهُ مِنَ الثَّمَرات). (۱)

خانه کعبه از زمان حضرت آدم (علیه السلام) و حتی پیش از او مطاف فرشتگان الهی بوده و در زمان حضرت ابراهیم (علیه السلام) تجدید بنا شده است.

در این جا برای ارج نهادن بر اختصار، از موضوعاتی را که شایسته بحث و طرح‌اند، تنها نام می‌بریم و آن‌گاه، برخی اماکن و مساجد تاریخی مکّه را معرفی می‌کنیم:

- مکّه و هجرت حضرت ابراهیم (علیه السلام) و هاجر و مجاورت بیت اللهالحرام.

۱- سوره بقره، آیه ۱۲۶.

ص:۱۱۵

- بنای کعبه توسط حضرت ابراهیمحضـرت اسماعیل (علیهم السلام). با استفاده از آیات سوره بقره و روایات امامان معصوم (علیهما السلام) در ذیل آیات شریفه، می‌توان این موضوع را به خوبی باز نمود.

- قریش.

- ابرهه.

- ظهور اسلام در مکّه مکرمه.

- حوادث مهمی که در سیزده سال بعثت اتفاق پیش آمد.

- وضعیت مسجدالحرام در صدر اسلام.

- توسعه مسجد الحرام در سال ۱۷ هجری.

ص:۱۱۶

- بنای مجدد کعبه در سال ۶۴ هجری.

- توسعه مسجدالحرام در ادوار مختلف تاریخ.

- ساختمان کعبه.

- پرده کعبه و پیشینه تاریخی‌اش.

- مقام ابراهیم.

- ارکان کعبه.

- حجرالأسود.

- زمزم.

- حطیم، ملتزم و مستجار.

- صفا و مروه.

ص:۱۱۷

- مِنـا، این نام در حقیقت، از سـخن جبرئیل (علیه السـلام) به آدم (علیه السـلام) گرفته شـده است که بـدو چنین گفت: «آیا آرزوی بهشت داری؟»

- عرفات: در شـرق مکّه جای دارد و دارای حـدود ۱۸ کیلومتر مربع مساحت است. جبل الرحمه نیز در شـمال شـرقی عرفات است و مسجد نمره در سوی غربی‌اش.

- مشعرالحرام (مزدلفه) که در شش کیلومتری عرفات واقع شده است.

- غار حرا، غار ثور و کوه ابوقبیس.

- محل تولد پیامبر (صلی الله علیه وآله) و محل تولد حضرت زهرا (علیها السلام) (خانه

ص:۱۱۸

حضرت خدیجه (علیها السلام)).

- قبرستان ابوطالب و قبرستان شهیدان فخ.

- حرم و حدود آن.

- اشراف و حاکمان مکّه.

مساجد و اماکن مقدّسه مکّه

۱- مسجد بلال (محل شقّ القمر)

بر فراز کوه ابوقبیس مسجدی زیبا و با معنویت جای داشته که متأسفانه بنای کاخهای آل سعود موجب ویرانی‌اش گشته‌اند و اینک اثری از آن باقی نمانده است.

این مسجد به «مسجد بلال» معروف بوده و آن را «مسجد شقّ القمر» نیز می گفته‌اند. در سال ۹ بعثت، شب ۱۴ ذی حجّهٔ الحرام، معجزه شقّ القمر (دو نیمه شدن ماه) از حضرت رسول الله (صلی الله علیه وآله) صادر گردید و حضرت در همین محل به سجده افتاد و شکر خدای تبارک و تعالی را به جای آورد. (۱)

۲- مسجد جن

این مسجد از مساجد مشهور مکّه است که در کنار شارع

۱- راهنمای حرمین شریفین، ج ۱، ص ۲۴۵.

ص:۱۱۹

مسجدالحرام، پس از قبرستان ابوطالب و پل حجون جای گرفته است. در وجه نامگذاری این مسجد نوشته‌اند: نزول آیات مبارکه سوره جن بر وجود مقدّس رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در همین مکان بوده است.

در طول تاریخ بارها این مسجد تجدید بنا گردیده و هم اکنون (۱۳۷۹) مسجد را ویران کرده و مشغول توسعه و بازسازی آنند.

نام دیگر این مسجد، «مسجد الحَرَس» است. به نقل ازرقی، وجه این نام، آن است که صاحب الحرس (فرمانده حفاظت مکّه) که در مکّه گشت شبانه داشته، به این محل می‌آمده و در آن جا با آشنایان و افراد خود و دیگر محافظان، از شعب عامر و ثنیة المدنیین، دیدار می‌کرده است. (۱)

ابوالولید ارزقی می‌گوید: مسجد جن نامی دیگر نیز دارد که آن عبارت از «مسجدالبیعة» است؛ زیرا گروه جنّیان در این جا با پیامبر (صلی الله علیه وآله) بیعت کرده‌اند. (۲)

۳- مسجد اجابه

در مکّه مکرّمه مسجدی هست به نام مسجد اجابه که در

۱- اخبار مکه، ج ۲، ص ۲۰۰.

۲- همان، ص ۲۰۱.

ص:۱۲۰

قرن دوم هجری تاریخ نویسانی چون فاکهی و ازرقی از آن سخن گفته‌اند، ولی فاکهی از آن با عنوان «مسجد آل قنفذ» (۱)یاد می‌کند و ازرقی به طور مطلق از آن سخن می‌گوید.

۱- آثار اسلامی مکّه و مدینه، ص ۶۴.

ص:۱۲۱

بـا توجه به معلوم بودن شـعب آل قنفـذ بـدیهی است که مقصود از مسـجد آل قنفـذ، همـان مسـجد اجابه است و از قرن سوم به بعد مؤرخان و سـفرنامه نویسان از آن مسجد با عنوان «مسجد الاجابه» نام برده‌اند. (۱)ازرقی می گوید: پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) در این مسجد نماز گزارده است.

این مسجد، پس از میدان معابده، سوی راست، به سوی مسجدالحرام، نرسیده به تفاطع ریع ذاخر، اول خیابان اجابه جای دارد.

شایسته ذکر است مسجدی که در میان میدان معابده قرار دارد و اخیراً بازسازی شده است، مسجد اجابه نیست.

۴- مسجد شجره

در مکّه مکرّمه نیز مسـجدی است با نام شـجره، ولی این مسـجد، میقات نیست. مسجد، پس از پل حجون و به فاصله صد متر پس از مسجد جن به سوی حرم قرار دارد و در جوار پل

۱- سفرنامه ابن بطوطه، ص ۱۶۴؛ اتحاف الوری، ج ۳، ص ۱۷۲.

ص:۱۲۲

سلیمانیه واقع شده است.

در قداست مسجد شجره همین بس که روزی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) کسی را در همین مکان به اسلام دعوت کرد. او گفت: «من ایمان نمی‌آورم تا آن درخت را بخوانی و درخت به سوی تو بیاید!» حضرت رو به درخت کرد و فرمود: «به اذن خداوند نزد من بیا.» بی درنگ درخت نزد حضرت آمد. (۱)

در این مکان مقدّس پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) نماز نیز گزارده است. (۲)مسجد در حال حاضر (۱۳۷۹ شمسی) ویران شده است و دوران بازسازی خود را طی می‌کند.

۵- مسجد الرّایه

این مسجد در بخش آغازین بازار ابوسفیان، سوی چپ بازار، به طرف حرم، قرار دارد.

۱- اخبار مکّه، ارزقی، ج ۲، ص ۲۰۱.

۲- اخبار مکّه، فاکهی، ج ۴، ص ۳۴.

ص:۱۲۳

منطقه‌ای که مسجد الرّایه در آن جاست، در قرون نخستین هجرت، «الردم الأعلی» خوانده می‌شد و در تاریخ آمده است که در صدر اسلام خانه‌های مکّه تا همین منطقه بوده‌اند. در کنار این مسجد، حوض آبی ساخته‌اند تا زائران و مجاوران حرم از آن استفاده کنند.

ص:۱۲۴

ازرقی می گوید: حضرت رسول الله (صلی الله علیه وآله) در این مکان نماز خوانده است. (۱)مسجد در طول تاریخ بازسازی و تعمیرات اساسی شده است که تاریخ آخرین تعمیر، سال ۱۳۹۴ هجری قمری است. (۲)

۶- مسجد تنعیم

مسلمانانی که از مسجد شجره در مدینه منّوره یا جحفه در نزدیکی شهر رابغ محرم شده‌اند و قصد ورود به مکّه را دارند، می‌بایست از منطقه تنعیم، که ادنی الحل و آغاز حرم است، بگذرند. در مرز حلّ و حرم هنوز نشانه‌های سنگی حرم در کنار مسجد تنعیم به چشم می‌خورد.

مسجد تنعیم از جمله جاهایی است که مجاوران حرم برای محرم شدن به احرام عمره مفرده، بدان جا می‌آیند. در سالهای دور، مسجد به مسجد عایشه شهرت داشته است؛ زیرا رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به عبدالرحمان بن ابی ابکر دستور داد که خواهر خود، عایشه، را بدین جا آورد تا از این محل مُحْرِم شود. (۳)

مسجد تنعیم در طی قرون گذشته مورد عنایت و توجه سفرنامه‌نویسان و تاریخ‌نگاران بوده است و چندین بار ویران و

۱- اخبار مکّه، ازرقی، ج ۲، ص ۲۰۰.

۲- آثار اسلامی مکّه و مدینه، ص ۷۱.

۳- اخبار مکّه، ازرقی، ج ۲، ص ۲۰۸.

ص:۱۲۵

بازسازی شده است. بازسازی نهایی مسجد تنعیم، در سال ۱۳۹۸ هجری قمری بوده و مساحت آن ۱۲۰۰ متر مربع است.

۷- مسجد خَیْف

در قداست و عظمت این مسجد، که در منا قرار دارد، همین بس که هفتاد پیامبر در آن نماز خوانده‌اند؛ چنان که از ابن عباس نقل است: «صَلّی فی مَسْجِدِ الْخیْفِ سَبْعُونَ نبیّاً.» (۱)مسجد خیف از مساجد مهم اسلام است و در طول تاریخ مورد عنایت خاص و عام بوده است.

گزارش شمار بازسازیها و تعمیرات و توسعه و هجوم سیل و ایجاد سیل‌بند، عنایت مورخان را نسبت به این مسجد مقدّس آشکار می‌سازد.

واپسین بازسازی این مسجد باشکوه در سال ۱۳۹۲ هجری قمری صورت گرفته است که مساحتی وسیع در حدود ۲۳۶۶۰ متر را به خود اختصاص داده است. اما دریغا مسجدی که انبیای عظام و امامان معصوم (علیهم السلام) در آن به عبادت می‌پرداخته‌اند و با خدای بزرگ راز و نیاز می‌کرده‌اند، تنها و تنها در ایام تشریق باز است و متأسفانه در این ایام نیز محل استراحت زائران بی‌خیمه می‌گردد و باید تلاش کرد تا جایی پیدا شود و توفیق رفیق گردد

۱- همان، ص ۱۷۴.

ص:۱۲۶

و نمازی و ذکری (ذکر مخصوص مسجد خیف) انجام گیرد. (۱)خَیْف به محلّی گویند که از ویژگی‌های کوهستانی‌اش کاسته شده، ولی هنوز به صورت دشت درنیامده است. این منطقه در دامنه کوه صفایح قرار گرفته و مسجد خَیْف در همین جا ساخته شده است. (۲)

۸- مسجد البیعة

مسجد بیعت در سوی راست کسی است که از جمرات به سوی مکّه می‌رود و به فاصله ۲۰۰ متری پس از جمره عقبه جای دارد. مسجد تا کنون از ویرانی در امان مانده است، ولی متأسفانه مظلوم و متروک است. چه بسا کسانی سالها و بارها به حج و عمره مشرّف شده‌اند، اما هنوز مسجدی با این عظمت و قداست را یا نمی‌شناسند و یا می‌شناسند ولی از جایش بی خبرند و یا توفیق تشرّف نیافته‌اند.

۱- اعمال مخصوصه مسجد خیف در کتب ادعیه مذکور است.

۲- آثار اسلامی و مکّه و مدینه، ص ۸۸.

ص:۱۲۷

بنای فعلی مسجد بیعت بسیار کهن و داریا کتیبه‌ای به خطّ کوفی است. نخستین بنای مسجد را در سال ۱۴۴ هجری قمری بنیان نهاده‌اند. (۱)

۱- اتحاف الوری، ج ۲، ص ۱۸۰.

ص:۱۲۸

وجه نامگذاری مسجد به مسجد البیعهٔ، آن است که پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) با مسلمانان یثرب، که برای انجام حج به مکّه آمده بودند، در این مکان پیمان بست و آنان با حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) بیعت کردند و این بیعت با نام «بیعهٔ العقبهٔ» شهرت یافت.

۹- مسجد کبش

حضرت ابراهیم (علیه السلام) گوسفندی را که از جانب خدا فرستاده شده بود تا آن را به جای فرزندش، حضرت اسماعیل (علیه السلام)، ذبح کند، در همین مکان ذبح کرد. بعدها مسجدی به نام مسجد الکبش (۱)در همان جا بنا شد. (۲)

مسجد در فاصله میان جمره اول و جمره وسط قرار داشته است. نقل است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در این مسجد نماز ظهر را به جای آورده و قربانی خود را در کنار همین مسجد ذبح کرده است. نام دیگر این مسجد، «مسجد النحر» است.

۱۰- خانه ارقم بن ابی ارقم

ارقم از نخستین گروندگان به اسلام است. خانه او بر فراز کوه صفا قرار داشت و جایی امن برای مسلمانان محسوب

۱- کبش به معنای قوچ است.

۲- اخبار مکّه، ازرقی، ج ۲، ص ۱۷۵.

ص:۱۲۹

می‌شد. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در سال چهارم بعثت همراه یارانش در آن جا به سر می‌برد و کسانی که قصد مسلمان شدن داشتند، در آن جا به زیارت حضرت می‌رفتند.

این خانه در تاریخ اسلام دارای اهمیتی بسیار بوده است تا آن جا که به صورت یک مقطع تاریخی درآمده و حوادث دوران مکّه با ذکر این نکته که پیش از خانه ارقم رخ داده یا پس از آن، مشخص شده است. (۱)

در این خانه مسجدی بنا شده که بسان کاشانه حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) محسوب می گردیده است. آن حضرت هنگامی که از دید مشرکان مخفی بود، اصحابش را در آن جا گرد می‌آورد و قرآن به آنان می‌آموخت و آیات الهی را بر آنان تلاوت می‌فرمود. (۲)

اماکن و مساجد دیگری در مکّه مکرّمه هست که دارای پیشینه تاریخی‌اند، ولی نوشته حاضر مجال پرداختن به همه آنها را ندارد. خوانندگان گرامی برای آگاهی بیشتر به کتابهای انتشار یافته «نشر مشعر» بنگرند.

۱- آثار اسلامی مکّه و مدینه، ص ۹۸.

۲- اخبار مکّه، ازرقی، ج ۲، ص ۲۶۰.

ص: ۱۳۰

زیارت، اسرار و معارف

مدینه منّوره، حریم حرم رسالت و نبوّت و خاتمیّت و خانه نبوّت و امامت و ولایت است و مرکز نبوّت انبیای الهی است به گونه‌ای که گویا همه انبیای الهی را در آن بقعه گرد آورده‌اند و چون نیکو بنگریم، انسانهای کامل همیشه شاهد و همواره زنده را مشاهده می‌کنیم؛ زیرا آدمی در مدینهٔ الرسول، در مشهد رسول الهی و امامان پاکی است که در روضه منوّره و در بقیع بی بقعه آرمیده‌اند و شاهد اعمال و رفتار انسانند.

امام علی (صلی الله علیه وآله) می‌فرماید: «انّ الله تبارك و تعالی طهّرنا و عصمنا و جعلنا شهداء علی خلقه و حجّته فی ارضه و جعلنا مع القرآن و جعل القرآن معنا لا نفارقه و لا یفارقنا.» (۱)

همچنین می‌فرماید: «و بینکم عترهٔ نبیّکم و هم ازمّهٔ الحقّ و اعلام الدّین و ألسنهٔ الصّدق فأنزلوهم بأحسن منازل القرآن

۱- کافی، ج ۱، ص ۱۹۱.

ص:۱۳۱

وردوهم ورد الهیم العطاش.» (۱)

خداوند متعال شرط ورود به محضر رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) را اذن و دعوت آن حضرت می‌داند و می‌فرماید: (یأایُّها الَّذینَ آمَنُوا لاـ تـدخلوا بیوت النبی إلَّا أن یُؤذن لکُم إلی طعـام غیرَ ناظرین آنیه ولکنْ إذَا دُعیتُم فَادْخُلوا فَاذا طَعِمْتُم فَانتَشِرُوا وَلا مُسْتأنسینَ لِحَدیث انَّ ذلِکُمْ کـانَ یُؤذی النَّبِیَّ فَیَسْتَحیی مِنکُمْ وَاللَّهُ لَا یَسْتَحیی مِنَ الْحَقِ وإذا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتعًا فَسألُوهُنَّ مِن وَرَآءِ حِجَاب ذَلِکُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِکُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا کَانَ لَکُمْ أن تُؤْذُواْ رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أن تَنکِحُواْ أَزْوَجَهُو مِنم بَعْدِهِی أَبَدًا إِنَّ ذَلِکُمْ کَانَ عِندَ اللَّهِ عَظِیمًا). (۲)

بنـابراین، بـدون اذن و اجـازه نتوان وارد حریم و حرم و بیت نبیّ اکرم (صـلی الله علیه وآله) شـد. بایستی وجود مبارک آن حضـرت رخصت دهـد تـا آدمی بتوانـد وارد شود و در کنـار سـفره‌ای گسـترده، که از طعامهـای گونـاگون معنوی زینت داده شـده است، به میهمانی و ضیافت بنشیند. طعامی که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) مسلمانان را به آن می‌خواند، طعام جسمانی نیست.

زائر شـهر مـدینه و مرقـد آن پیامبر بزرگ در کنار سـفره و طعام معنوی و روحی آن حضـرت می‌نشـیند و اسـتفاده می کند و میهمان مدینه نبایستی عمر خویش را در مدینه منوّره به

۱- نهج البلاغه، خطبه ۸۷.

۲- سوره احزاب.

ص:۱۳۲

بیهودگی بگذراند، بلکه بایستی بکوشد که خوب بشنود و خوب ببیند و سمیع و بصیر باشد. سخنان بیهوده و گذاران وقت به بطالت در جوار نبیّ اعظم موجب آزار و رنجش آن عزیز خواهد بود. در آن جا، تفاوتی میان حرم و هتل نیست و دیوارها حاجب نیستند و مرز نخواهند بود. اگر دیوار حاجب باشد که نمی‌توان گفت «اشهد انّک تسمع کلامی وتری مقامی و تردّ سلامی.» باید چنان بر کردار و رفتار و گفتار خود مراقبت کنیم که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) را آزار ندهیم. کسانی که پیامبر را می‌رنجانند، از رحمت خاصّه پروردگار عالم به دورند، کسی که میهمان رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) است، ممکن نیست از شب زنده داری محروم باشد که پذیرایی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) تهجّد است.

ضیافت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) در احیای لیل و مؤانست با محبوب است: (و من اللیل فتهجّد به نافلهٔ لک عسی ان یبعثک ربّک مقاماً محموداً). کسی که میهمان پیامبر می‌شود، غذای او نماز شب (۱)و در پایان وصول به مقام محمود است و اگر این گونه میهمان شود، خداوند متعال و فرشتگان قدسی بر او درود و صلوات خواهند داشت: (هو الّذی یصّلی علیکم و ملائکته) و این صلوات محصول میهمانی رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) است. خداوند می‌خواهد زائر مدینه را نورانی کند و نشانه صلوات خدا و

۱- سوره اسراء، آیه ۷۹.

ص:۱۳۳

فرشـتگان، نورانی شـدن است و وقتی انسان نورانی شود، به طبیعت تیره نمی‌نگرد. وقتی زائر به بارگاه اله یا اولیای الهی بار می‌یابد، هر مشـکلی که دارد بایستی برطرف سازد. گفته‌انـد صاحب دل و اهل معرفتی با لباسـی چرکین و ژنده به حضور صاحب مقامی بار یـافت. به او گفتنـد: بـا این کیفیت و حـالت لبـاس به پیشـگاه صاحب مقام رفتن عیب است و عار و ننگ. در جواب گفت: «با لباس چرکین نزد صاحب مقام رفتن عیب نیست، بلکه با همان لباس چرکین از حضور صاحب مقام بازگشـتن ننگ است؛ چرا که صاحب مقام او را لایق ندانسته و رد کرده و چیزی به او نداده است.»

بایستی زائر در محضـر رحمـهً للعالمین و وجود مقدّس رسول اکرم (صـلی الله علیه وآله) غفران الهی را طلب کند و همنشـینی با آن عزیز و دیگر اولیای الهی را بخواهد. با دست پر از گناه به سوی خدا و ولیّ خدا رفتن و دست پر از گناه را به طرف خدا دراز کردن ننگ نیست؛ با دست پر از گناه از نزد خداوند متعال و ولیّ خدا بازگشتن ننگ است. اگر آنان انسان را نپذیرند، آلودگی همواره بر جای خویش می‌ماند و عار، همیشگی است.

مـدینه، شـهر پیـامبر، یکی از مراکزی است که مسـلمانان همه خودی می‌شونـد و نیـازی به نماز شکسـته نیست. مکّه مرکز الوهیت و مدینه مرکز نبّوت و مسجد کوفه مرکز ولایت و حریم

ص:۱۳۴

و حـائر حسـینی مرکز شـهادت است. در شـهر مـدینه انوار لا یتناهی الهی منتشـر است و نور نبوّت و ولایت و امامت جلوه‌گر است و زائراست که بایستی ظرفیّت خویش را بگسترانـد و هر چه بیشتر از این مرکزنور و وحی الهی روشـنایی و نور برگیرد که رسول خـدا (صـلی الله علیه وآله) فرمود: «انّ المدینهٔ و مکّهٔ محفوفتان بالملائکهٔ.» (۱)باید در محضـر نبیّ و ولیّ عرضه داشت: (یا ایّها العزیز مسّنا و اهلنا الضّرّ و جئنا ببضاعهٔ مزجاهٔ فَأَوفِ لنا الکیل و تصدّق علینا انّ الله یجزی المتصدّقین). (۲)

باید نخست از جامه عصیان برآیی

با جامه طاعت به کوی دلبر آیی

بشکست اگر پایت در این ره با سرآیی

تا گام بتوانی زدن در کوی جانان

*** رفتی چو در یثرب بر پیغمبر عشق

کردی شهود حسن یکتا دلبر عشق

آن جا زدی ناب ظهور از کوثر عشق

کردی دل از اشراق آن شَه عرش رحمان (۳)

مدینه سرزمین وحی و جایگاه فروزش شعله‌های مقدّس

۱- صحیح بخاری، سنن ترمذی.

۲- سوره یوسف، آیه ۸۸.

۳- دیوان الهی قمشه‌ای.

ص:۱۳۵

هـدایت و تجلّی جلوه‌های حق تعالی و تبلور ارزشـهای قرآنی است. جای جای سـرزمین مدینه خاطره است؛ خاطره‌هایی شورانگیز و جـاودانه و تلـخ و شـیرین. گام گام این دیار یادآور جوانمردی علی و رشادت زهرا و اخلاص حسن و حسـین و رجال نسـتوه صـدر اسـلام است؛ آنـان که پروانهوار بر گرد شـمع وجود رسول گردیدنـد و در پایـان سوختنـد و فـدای اسـلام و پیامبر شدنـد و قرآن را ابدیّت بخشیدند.

ص:۱۳۶

زائران این دیار قدس باید همه خاطره‌ها و آموزه‌ها و حقایق حیاتبخش اسلام را در کام جان خویش بنشانند و از شهد شیرین معارف اسلام بهره‌مند گردند و با زیارتهای آگاهانه آرامگاههای منّور آن وادی قدس، پیمان ولایت با نبیّ و ولیّ بربندند و رهرو راه آنان گردند؛ چرا که این سفر، سفر الی الله است. زائران باید بر معرفت خویش بیفزایند و با معرفت، خاتم انبیا و اوصیایش را در مدینه زیارت کنند. فرصتها زود از دست می‌رود، بایستی این اوقات را مغتنم شمرد که ناگهان چشم باز می‌کنند و می‌بینند فرصت تمام و زمان حرکت است، در حالی که هنوز از کنار اسطوانه ابی لبابه و امثال مکان بهره‌ای معنوی نگرفته‌اند و توبه نکرده‌اند و با خدای خود در جوار رسولش راز و نیازی نکرده‌اند و از صمیم جان «العفو، العفو!» نگفته‌اند و باید بازگردند و میهمانی به پایان رسیده است.

ص:۱۳۷

شیخ طوسی (قدس سرهم) از امام باقر (علیه السلام) نقل کرده است که این آیه درباره ابولبابه نازل شده است که یکی از افراد قبیله اوس و از بزرگان و نقبای مدینه و دارای سوابق درخشانی بوده و در جنگ بدر و احد نیز شرکت جسته است؛ زیرا او اشتباه بزرگی مرتکب شد و یهود بنی قریظه را از تصمیم پیامبر درباره آنان باخبر نمود: (۱)(و آخرون اعترفوا بذنوبهم خلطوا عملا صالحاً و آخر سیّئاً عسی الله ان یتوب علیهم انّ الله غفور رحیم). (۲)

بنابر روایات، مدینه و حرم نبی اکرم (صلی الله علیه وآله) دارای فضیلتی بسیار شگرف است. روزی مروان بن حکم در مکّه خطبه می‌خواند و فضل و برتری شهر مکّه را یادآوری می‌کرد. رافع بن خدیج، که نزد منبرش نشسته بود، خطاب به مروان گفت: «فضیلت مکّه را گفتی و آنچه گفتی درست است، ولی فضیلت مدینه و آنچه را در باب فضیلت این شهر گفته‌اند، نشنیده‌ای. من شهادت می‌دهم که رسول خدا فرمود و من شنیدم که: مدینه از مکّه برتر است.» (۳)

بِسلام آمدگان حرم مصطفوی

ادخلوها بسلام از حرم آوا شنوند

۱- تبیان، ج ۵، ص ۲۹۰.

۲- سوره توبه، آیه ۱۰۳.

۳- مجمع الزوائد هیثمی، ج ۳، ص ۲۹۸.

ص:۱۳۸

النّبی النّبی آرند خلایق به زبان

امّتی امّتی از روضه غرّا شوند

از صریر درِ او چار ملایک به سه بُعد

پنج هنگام دمِ صور به یکجا شنوند (۱)

مدینه میزبان بزرگترین شخصیت عالم انسانیت و خاتم انبیاست؛ مدینه پایگاه دوم رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و محلّ پیدایش امامت صالحان در زمین است.

مدینه شهری است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) دعایش کرد و عرضه داشت: «بار خدایا، برکت را بر مدینه نازل گردان» و سپس فرمود: «در تمام اطراف مدینه و داخل مدینه و هر راهی که به مدینه منتهی می‌شود، فرشتگان خدا مستقرند و از آن حراست و پاسبانی می‌کنند.» مدینه شهری است که دین را در میان گرفته است.

ای ختم رسل مدینه جسم است و تو جان

نام تو گرفته قاف تا قاف جهان

در لفظ مدینه بس ز اعجاز تو چون

مه شق شده و گرفته دین را به میان

همچنین در حدیث آمده است: «انّ مکّهْ حرم الله حَرَّمها

۱- دیوان خاقانی شروانی.

ص:۱۳۹

ابراهیم و انّ المدینهٔ حرمی.» (۱)و نیز نقل شده است: «ترابها شفاء من کلّ داء.» (۲)

در هنگام بازگشت از غزوه تبوک، که فضای مدینه منوّره غبار آلود شده بود، فرمود: «والّذی نفسی بیده انّ فی غبارها شفاءاً من کلّ داء.» (۳)اینک که شهر مدینه حرم رسول خدا (صلی الله علیه وآله) است، بایستی زائر سر بر آستان سراسر نور و پر از فرشتگان الهی‌اش بساید و خطاب به رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بگوید:

دست ما افتادگان را هم در این وادی بگیر*** ای که مِهر از مُهر جاءالحق بود بازوی تو

همچنین نقل است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: «من زارنی حیّاً و میّتاً کنت له شفیعاً یوم القیامهٔ.» نیز فرمود: «من زار قبری وجبت له شفاعتی.» (۴)

۱- بحار، ج ۹۹، ص ۳۶۱.

۲- همان.

۳- جامع الاصول ابن اثیر، ج ۹، ص ۳۳۴.

۴- سنن دارقطنی، ج ۲، ص ۳۷۸.

ص:۱۴۰

زیارت قبور اولیای خـدا، گونه‌ای اظهار محبت به کسانی است که محبّت آنان در شـریعت مقدّسه لازم و نشانه ایمان است و تجدید عهد و دیدار با ولی نعمتان است که به برکت و یُمن این انوار طاهره، آسمان و زمین و رزق و روزی موجودات

ص:۱۴۱

برقرار است. (۱)

شهر مـدینه دارای افتخاراتی است که گویی در مفاخره با مکّه می‌گویـد: خداوند متعال با قدوم بهترین بندگان خود بر سـینه‌ام نشان شرف عنایت فرمود و خاکم را شـفای دردها و غبارم را دوای بیماریها قرار داد. از دیر زمان بر هر سـرزمینی برتری داشـته‌ام و اقامت در من، سپر بلاـست و فضـای من چون بهشت مصـفّاست. مسـجد و منبر پیامبر را من دارم و در آن مسـجد هر نمازی را به هزار برابر پاداش می‌دهند. جایگاه رسول جلیل در من است، خانه من از نور حبیب خدا آباد است و قبّهٔ الخضـراء در من است و در هر صبح و شام، پس از هر نماز صـبح و عصـر، هفتاد هزار فرشـته بر آن قبّه و ضریح مقدّس فرود می‌آیند. من رسول خدا را پناه دادم، یاری‌اش کردم و بر او نیکی روا داشـتم و دلم جای او و دامانم آسـتانش بود و برای او چون مادری مهربانی کردم. همه شـهرها با شمشیر فتح شد و من با قرآن، آشـکار کننده دین و گسترنده ایمان بودم و احُد، که محبوب رسول خداست، در من است. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: «خدایا عشق مدینه را در دلهایمان بینداز آن سان که مکّه را دوست می‌داریم و بلکه بیشتر.»

ارج والای مدینه از آن روی است که نخستین پایتخت اسلام

۱- دعاء عدیله.

ص:۱۴۲

و جایگاه دعوت و انتشار این دین مبین در جهان بوده است. مدینه محلّ تشعشع نور درخشنده اسلام در میان بشریت است که خداوند متعال با نور اسلام انسانها را از شرک و گمراهی رهایی بخشید و آنان را به توحید و هدایت رهنمون ساخت.

ص:۱۴۳

سلامٌ علیکَ ای نبیّ مکرّم*** مکرّم‌تر از آدم و نسل آدم

سلامٌ علیکَ ای ز آباء علوی*** به صورت مؤخّر به معنا مقدّم

سلامٌ علیکَ ای ز اسماء حسنی*** جمال تو آئینه اسم اعظم

سلامٌ علیکَ ای به مُلکِ رسالت*** تو را خاتم المرسلین نقش خاتم

اگر فیض نورت نبودی نمودی*** یکی ملّت کفر و اسلام با هم

روضه منوّره از جوانب مهمّ و با ارزش مسجد نبوی در مدینه است. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) درباره‌اش فرمود: «ما بین بیتی و منبری روضهٔ من ریاض الجنّهٔ و منبری علی حوضی.» (۱)یکی از عبادات در مسجد نبوی، اعتکاف است و رسول خدا (صلی الله علیه وآله) جز در این مسجد در هیچ مسجدی حتی مسجدالحرام به اعتکاف

۱- اصول کافی.

ص:۱۴۴

نپرداخت. وجود مبارکش در دهه میانه ماه در آن مسجد معتکف می‌شد و در همان جا مدفون گردید.

یا خیرَ مَن دُفِنَت بالقاع اعظُمُه*** فطابَ مِن طیبهنّ القاع و الاکُم

نفسی الفداء لقبر انت ساکنه*** منه العفاف و فیه الجود و الکرم

آنجه به عنوان روضه مطهّره مطرح است، بخشی از مسجدالنبی است که میان منبر و خانه جای دارد. این بخش از مسجدالنبی در نزول رحمت الهی و استجابت دعای مؤمنان و نیل بندگان به سعادت معنوی و اخروی چنان مؤثر است که تصور و فکر ما از درک حقیقت آن عاجز و قاصر است. اگر نماز در مسجدالنبی بهتر از هزار نماز باشد، بی گمان پاداش عبادت و نماز در روضه به مراتب افزونتر خواهد بود، و قبر نبیّ، در روضه است.

قال النّبیّ (صلی الله علیه وآله): «من استطاع ان یموت بالمدینهٔ فلیمت بها.»

قال النّبیّ (صلی الله علیه وآله): «من زارنی بعد وفاتی کان کمن زارنی فی حیاتی و کنت له شهیداً و شافعاً یوم القیامهٔ.»

قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): «صلوهٔ فی مسجدی هذا افضل و خیرٌ من الف صلوهٔ فیما سواه من المساجد الّا المسجدالحرام.»

ص:۱۴۵

قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): «من زار قبری وجبت له شفاعتی.» (۱)

مستحب است انسان در مدینه منّوره، سه روز، روزه بگیرد: چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه. همچنین، در مسجد مدینه اعتکاف کند و بسیار نماز بخواند و شب چهارشنبه نزد ستون ابولبابه توبه کند و روز چهارشنبه نزد آن بنشیند و شب پنجشنبه نزد ستونی که پیش ستون ابولبابه است و مقام رسول خداست، بنشیند و آن شب و فردا را همان جا بماند و سپس نزد ستونی آید که پیش مقام پیغمبر (صلی الله علیه وآله) است و شب و روز جمعه را نزد آن حضرت نماز بخواند. در این روزها به چیزی از امور دنیا برای سخن گفتن دهان نگشاید مگر به قدر ضرورت و از مسجد بیرون نرود مگر برای کارهای ضروری و روز جمعه پس از حمد خدا و صلوات بر پیامبر این دعا را بخواند:

«اللّهم ما کانت لی الیک من حاجهٔ شرعتُ انا فی طلبها و التماسها او لَم اشرع سألتکها او لم اسألکها فانّی اتوجّه الیک بنبیّک نبیّ الرّحمهٔ فی قضاء حوائجی صغیرها و کبیرها.»

نور خدا در تمام هستی و هدایتگر بندگان خدا، وجود مقدّس رسول خدا (صلی الله علیه وآله) است. در بیان فضایل آن وجود اقدس سروده‌اند:

۱- همان.

ص:۱۴۶

یا سیّدی یا رسول الله خذ بیدی*** مالی سواک و لا الوی عی احَد

فانت نورُ الهُدی فی کلّ کائنهٔ*** و انت سرّ النّدی یا خیر مُعتمد

وانت حقّاً غیاث الخلق اجمهم*** و انت هادی الوَری للّه ذی مَدَد

یا من یقوم مقامه الحمد منفرداً*** للواحد الفرد لم یُولَد و لم یَلد

یا من تفجّرتِ الانهار نابعهًٔ*** مِن اصبعیه فروّی الجیش ذا العَدد

انّی اذا سامَنی ضیمٌ یروّعُنی*** اقول یا سیّد السّادات یا سندی

کن لی شفیعاً الی الرّحمان من زَلَلی*** وامنن علیّ بما لا کان فی خَلَدی

وانظر بعین الرّضا لی دائماً ابداً*** واستر بفضلک تقصیری مدی الامَد

واعطف علیّ بعفو منک یشملَنی*** فانّنی عنک یا مولای لم احُد

انّی توسّلت بالمختار اشرفَ مَن*** رقی السماوات سرّ الواحد الاحد

ص:۱۴۷

ربّ الجمال تعالی الله خالقهُ*** فمثله فی جمیع الخلق الخلق لَم اجد

خیر الخلائق اعلی المرسلمین ذریً*** ذخر الانام وهادیهم الی الرّشد

به التجأتُ لعلّ الله یغفر لی*** هذا الّذی هو فی ظنّی و معتمدی

فمدحُه لم یزل دأبی مَدی عمری*** و حبّهُ عند ربّ العرش مستندی

علیه ازکی صلوهٔ لم تزل ابداً*** مع السلام بلا حَصر و لا عدد

و الآل و الصحب اهل المسجد قاطبهٔ*** بحر السّماح و اهل الجود و المدد

از صفات ذات القدس الهی شکور بودن اوست. شکور است؛ یعنی کوششهای بندگان خود ارج می‌نهد و پاس می‌دارد. جایی که خداوند متعال قدردانی می‌کند، تکلیف ما روشن است؛ ما نیز باید حق متعال و انوار طاهره معصومین را سپاس گوییم. مناسب است انسان در شهر مدینه شاکر نعمت حضور باشد ونعمت همجواری نبّی و اولیا و اوصیایش را شکر بگزارد.

زیارت پیامبر (صلی الله علیه وآله) و اولیای خاص خداوند (علیهم السلام) متعال،

ص:۱۴۸

گونه‌ای رزق مخصوص و معنوی است. در دعـای ابوحمزه ثمـالی و دعای افتتاح از زیارت معصومین (علیهم السـلام) تعبیر به «رزق» شـده است. این رزق را خداونـد متعال در مقام جبران خـدمت و کمک و دعا و عبادت، برای افرادی خاص مقرر می‌فرماید و اکنون که دانستیم رزق عبارت از رزق معنوی است، فرصت حضور را بایستی بسیار مغتنم شـمرد و نعمت ملاقات را بایستی بسیار با ارزش دانست و بهره معنوی گرفت. نباید از عبادت و توبه و دعا و ثنا غافل شویم و سپاس عملی و قولی خالق و رازق و وسایط فیض الهی را از یاد بریم. باید در نهایت تواضع و فروتنی با اولیای الهی سخن گوییم و آنان را سپاس گزاریم.

زیارت، «حضور الزائر عندالمزور» است. مزور، معصومین می‌باشـند. آن بزرگان از یک سو فرموده‌اند: «ما منّا الّا مقتولٌ او مسـمومٌ» و از سویی دیگر قرآن کریم می‌فرماید: (ولا تحسـبنّ الّذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربّهم یُرزقون فرحین بما آتاهم الله من فضله و الله واسعٌ علیم). (۱)

قرآن در جـایی دیگر می‌فرمایـد: (ولا تقولوا لِمَن یُقتلُ فی سبیل الله اموات بل احیاءٌ عنـد ربّهم یُرزَقون) (۲)کسی نمی‌تواند منکر این حقیقت شود که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) و امامان معصوم

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۶۹.

۲- سوره بقره، آیه ۱۵۴.

ص:۱۴۹

شیعه (علیهم السلام) سر سلسله شهیدان اسلام و قرآنند و به شهادت آیه کریمه قرآن زنده‌اند و نزد خداوند از بهترین روزیهای الهی برخوردارند و زیارت آن بزرگواران، زیارت اموات نیست.

هم فنا را هم بقا را رونقیم

فانی اندر حق و باقی در حقیم

گر به صورت جان به جانان می‌دهیم

هم به معنی مرده را جان می‌دهیم

گر به صورت غایب از هر ناظریم

لیک در معنا به هر جا حاضریم (۱)

ارواح جاوید و قدسی پیامبران الهی و امامان معصوم (علیهم السلام) آن گاه که از ابدان خود جدا می‌شوند و به عالم ملکوت پر می‌کشند و ناسوت را وداع می‌نمایند، امور عالم ناسوت در نزد آنان هویدا و منکشف است و توانایی تأثیر و تصرف در این جهان را دارند و از حاضران در آرامگاه خویش آگاهند و درخواستشان را می‌شنوند و آنان را با نسیم الطاف خود می‌نوازند و فرشتگان الهی صفّ اندر صفّ رازدار حریم حرم آنانند. (۲)

۱- دیوان عمان سامانی.

۲- دیوان نسیم شمال.

ص:۱۵۰

حُوران بهشتی زده اندر حرمش صفّ

خیل ملك از نور طبقها همه بر كف

شاهان ادب در حرمش گشته مشرّف

این جاست كه تاج از سر هر تاجور افتاد (۱)

خداوند متعال می‌فرماید: (یا ایّها الذین آمنوا اتقوالله و ابتغوا الیه الوسیلهٔ). (۲)و امام صادق درباره آیه مذكور می‌فرماید: «آن سبب و وسیله نجات از هلاكت و رسیدن به سعادت در بین شما، ما هستیم.»

زیارت

زیارت، یعنی زائر خود را در پیشگاه مزور قرار دهد و خود را محک بزند.

زیارت، یعنی یاری گرفتن از بزرگان معصوم برای تقّرب به خداوند.

زیارت، یعنی واسطه قرار دادن مزور میان خلق و خالق.

زیارت، یعنی پیوند قلبی و ابراز محبت به مزور.

زیارت، یعنی شاهد صدق بر ارادت مأموم به امام خود.

زیارت، دیدار با امام و تجدید بیعت است.

۱- دیوان نسیم شمال.

۲- سوره مائده، آیه ۲۵.

ص:۱۵۱

زیارت، کمال خواهی وبه دنبال دل رفتن و دست از مادّیات کشیدن است.

زیارت، گریختن از ظلمتهای دنیای مادّی و به پرتو انوار الهی واصل شدن است.

از آلودگیها ملول شدن و در زلال پاکیها جان را شست و شو دادن و از نقص خود آگاه شدن و رنج بردن و به سرچشمه کمال آسمانی بازگشتن را نیز از اهداف زیارات پاکان و انبیا و اولیای (علیهم السلام) الهی دانسته‌اند.

مرحوم میرزا حبیب الله خراسانی سروده است:

سنگ دل را سرمه کن در آسیای موقت

ص:۱۵۲

دیده را زین سرمه بینا کن کمال این است و بس

همنشینی با خدا خواهی اگر در عرش ربّ

در درون اهل دل جا کن کمال این است و بس

زائر نخست بایـد توبه کند و درون جان را از گناه و آلودگیها صـیقل بخشد تا بتواند از خورشـید نبوّت و امامت نور برگیرد. چگونه کسی که آیینه نیست، جمال یار می‌طلبد؛ باید آیینه شد.

آیینه شو جمال پری طلعتان طلب*** جاروپ زن تو خانه سپس میهمان طلب

تا پاک نشود، نمی‌تواند چشم به پاکان بیفکند و تا شایسته نباشد، نمی‌تواند ادّعای دوستی با محبّت اولیای الهی را سر

ص:۱۵۳

دهد. اگر عشق آید، خستگی رخت برمی‌بندد و اگر محبّت در کار آید، ملال متواری می‌شود و آن که عشق و شوق دارد، به زیارت می‌رود. مرحوم علامه بزرگوار امینی- قدّس سرّه القدوسی- در کتاب ارزشمند سیرتنا و سنّتنا آورده است که اگر مدینهٔ منوّره حرم محترم الهی شمرده شده است و در سنّت نبوی برای مدینه و خاک و اهل و مدفونین آن سرزمین ارزشهای فراوان بیان شده است، به دلیل همان انتساب به خدا و رسول است و زائر او نیز ارزش می‌یابد.

هر که شد محرم دل در حرم یار بماند

و آن که این کار ندانست در انکار بماند

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر

یادگاری که در این گنبد دوّار بماند

زیارت، محبت و شناخت می‌آورد و عامل سازنده و تربیت است و از سوی دیگر، انسان را به زیارت وامی‌دارد.

برادرانه بیا قسمتی کنیم رقیب

جهان و هر چه در آن است از تو یار از من

چون کسی در مدار عشق قرار گیرد و در قلمرو محبّهٔالله و محبت اولیاء الله گام گذارَد، این محبت برای او چاره ساز خواهد بود.

وقتی زائر به یاد پیامبر افتد، پیامبر نیز به یاد زائر خواهد بود که فرمود: «انّ الله ملائکهٌ سیّاحین فی الارض یبلغونی عن امّتی

ص:۱۵۴

السلام.» (۱)همچنین فرمود: «من سلّم علیّ فی شیء من الارض ابلِّغهُ.» و «من سلّم علیّ القبر سمعتُه» (۲)مگر می‌شود کسی شیفته پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) باشد، امّا پیامبر به او بی‌توجهی کند و مگر می‌شود کسی خدا را یاد کند و خداوند متعال او را یاد نکند. خداوند متعال می‌فرماید: (فاذکرونی اذکرکم) (۳)این تقابل یاد هم در ذات اقدس باری وهم در ذوات مقدّسه معصومین (علیهم السلام) موجود است و سر انجام وقتی مزور در خاطر زائر حاضر باشد، زائر نیز در خاطر مزور حاضر است.

دل اگر طالب فیض باشد، سالک راه پاکان خواهد شد و خود را به نیکان متصل خواهد ساخت و پیامبر (صلی الله علیه وآله) و امامان (علیهم السلام)، نیکان و بندگان مقرّب درگاه الهی‌اند و برای تقرّب باید با مقرّبان انس یافت وخود را در زمره آنان درآورد تا نمی‌از یَم رحمت الهی به زائر برسد و این رهنمود خداوند است در سوره نساء که می‌فرماید: (ولو انّهم اذ ظلموا انفسهم جاؤوک فاسغفروالله و استغفر لهم الرّسول لوجدوالله توّاباً رحیماً). (۴)

آیا وقتی پیراهن حضرت یوسف (علیه السلام) چشم نابینای یعقوب فراق کشیده و هجران دیده را بینا می‌کند، (۵)مرقد والاترین

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۰.

۲- همان، ج ۱.

۳- سوره بقره.

۴- سوره نساء، آیه ۶۴.

۵- سوره یوسف، آیه ۹۶.

ص:۱۵۵

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نمی‌تواند چنین معجزه‌ای و بلکه بالاتر از آن را پدید آورد؟! سرّی که در این جا نهفته است، توجه مزور وانتساب به مزوراست. از این رو، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرموده است: «غبار مدینه شفای جذام است.»

زائر باید با توجه و حضور قلب زیارت کند تا سخن مزور را با گوش جان بشنود. حضور تن وغیبت جان مفید نمی‌تواند باشد. اگر بدن رو به ضریح و قلب پشت بدان باشد، زیارت محسوب نمی‌شود و زیارتهای بی روح و بی معنویت است که بی اثر است. قرآن کریم در سوره طه، که ماجرای گوساله

ص:۱۵۶

سامری را نقل می کند، می‌فرماید: سامری از زیور آلات گوساله‌ای ساخت و او را به صدا درآورد و بنی اسرائیل از تعالیم موسی (علیه السلام) سر باز زدند. پس از آنکه موسی (علیه السلام) از میقات بازگشت، قوم خویش را گمراه یافت. فرمود: «ای سامری، چه کردی که این گوساله مرده زنده شد و به صدا در آمد؟» سامری گفت: «من شنیده بودم که خاک پای ولیّ خدا اثر دارد. از این رو مشتی خاک از جای پای جبرئیل برگرفتم و بر گوساله پاشیدم تا زنده شد.» (۱)خاک پای فرشته آسمانی چنان مؤثر است که وقتی به صورت انسانی متمثل می‌شود و بر زمین راه می‌رود، خاک زیر پایش منشأ حیات در موجود جماد می گردد. اینک چه مانعی در کار است

۱- سوره طه.

ص:۱۵۷

اگر خاک قبر اولیای الهی و آسمانیان دارای خاصیّت احیا و شفا و رفع هر گونه بلا گردد و دلهای مرده را نیز زنده کند؟! خداوندی که اثر را بر خاک زیر پای اسب جبرئیل بر می‌نهد، بی گمان می‌تواند به خاک قبر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و اهل‌بیت عصمت (علیهم السلام) نیز، که افضل و اشرف از فرشتگان مقرّب خدایند، اثری عنایت فرماید.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) رحمهً للعالمین است و خداوند فرموده است: (یختصّ برحمهٔ من یشاء و الله ذوالفضل العظیم). او بالمؤمنین رؤوف و رحیم است و مأمور به عطوفت و مهربانی با مؤمنین است (واذا جاءک الذین یؤمنون بآیاتنا فقل سلامٌ علیکم کتب ربّکم علی نفسه الرّحمهٔ انّه من عمل منکم سوءاً بجهالهٔ ثمّ تاب من بعده واصلَح فانّه غفور رحیم) (۱)برای زائر مدینه چه فرصت بسیار عزیز و چه موقعیت ممتازی است آن گاه که خود را در روضه منوّره خاتم الانبیاء (صلی الله علیه وآله) می‌بیند تا سر به دیوار خانه نبی و ولیّ بگذارد و دست حاجت به سوی آستان مقدّسی دراز کند که هیچ صاحب حاجت و خواهنده‌ای دست خالی از آن بیرون نمی‌رود. چگونه زائر و سائل را دست خالی باز می‌گردانند کسانی که آسایش دیگران را بر آسایش خویش ترجیح دادند و سه شبانه روزی پی در پی برای افطار خویش، تنها

۱- سوره انعام، آیه ۱۲.

ص:۱۵۸

به آب بسنده نمودند و طعام را به مسکین و یتیم و اسیر دادند و خود گرسنه ماندند.

ادب حضور در محضر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) اقتضا می کند که زائران صدای خویش را بلند نکنند که خداوند متعال در این باره می‌فرماید: (یا ایها الذین آمنوا لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی ولا تجهروا له بالقول کجهر بعضکم لبعض ان تحبط اعمالکم و انتم لا تشعرون انّ الذین یغضّون اصواتهم عند

رسول الله اولئک الذین امتحن الله قلوبهم للتقوی لهم مغفرهٔ و اجر عظیم انّ الذین ینادونک من وراء الحجرات اکثرهم لا یعقلون ولو انّهم صبروا حتی تخرج الیهم لکان خیراً لهم و الله غفورٌ رحیم). (۱)

دل نگهدارید ای بی حاصلان*** در حضور حضرت صاحبدلان

پیش اهل تن ادب در ظاهر است*** پیش اهل دل ادب بر باطن است

*** آدم و نوح و خلیل و موسی و عیسی

آمده مجموع در ظلال محمّد

گرت هوای بهشت است و حوض کوثر و طوبی

بیا به سایه ممدود و مستدام محمّد

۱- سوره حجرات، آیه ۴ و ۵.

ص:۱۵۹

سریر عزت عقبی جلال امّت او یاد

که بود راحت دنیای دون حرام محمّد

مدینه، خانه رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله)، محلّ نزول و صعود جبرئیل و میکائیل و دیگر فرشتگان بوده است و منبع فضایل و خیرات و منشأ الطاف و برکات است.

زائر در زیارت خود باید به خطاهای خویش بنگرد و آنها را در نظر آورد تا زیارتی مفید و ثمر بخش داشته باشد. در زیارت امامان پاک مدفون در بقیع (علیهم السلام) آمده است که زائر عرضه می‌دارد: «و هذا مقام مَن اسرف و اخطأ و استکان واقرّ بما جنی ورجی بمقامه الخلاص.»

و در زیارت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) آمده است: «انّی اتیتک مستغفراً تائباً من ذنوبی و انّی اتوجّه بک الی ربّی و ربّک لیغفر لی ذنوبی.» استغفار و توبه از گناهان و امید مغفرت لازم است و بدین سان زیارت، عامل تزکیه و خودسازی و تربیت می‌شود. انسان زائر با زیارت اولیای خدا اعلام وفاداری می‌کند و با حضور خود عرضه می‌دارد که کوششها و رنجهای شما را فراموش نکرده‌ام و خونهایی را که نثار مکتب کرده‌اید، سبب شد که من به راه مستقیم الهی درآیم.

زائر، در زیارت، اعلام دوستی و تجدید عهد و تشدید محبت می‌کند؛ چرا که دستور بزرگان مکتب و مقتدایان آن است که هر کسی را که دوست دارید، به او اظهار کنید و بگویید.

ص:۱۶۰

در زیـارت اولیـای الهی، زائر در برابر انسانهـای کامـل قرار می گیرد و خـود را بـا آن بزرگـواران، کـه میزان کمالات و فضایـل و ارزشـهای اخلاـق و معنوی‌انـد، می‌سـنجد و مقـایسه می کنـد و احیاناً آگاه می‌شود که دارای کژیهایی است که بایـد خود را از آنها بپیراید و از کوثر وجود آن بزرگان در مسیر اصلاح استمداد کند و روح خود را بشوید و جلا بخشد و از نبیّ و ولیّ عذر خواهد که یا رسول الله، من شرمنده‌ام از این که خود را از امت شما بدانم و این گونه باشم.

بقیع؛ مرتبه مجسّم

زائر مـدینه تنها میهمان رسول اکرم (صـلی الله علیه وآله) نیست، بلکه میهمان اهل‌بیت و آل رسول (علیهم السـلام) نیز هست. بـدون خلع نعلین نباید وارد حرم و حریم امامان در بقیع شد، بلکه پس از اذن دخول بایستی خلع نعلین نموده و آهسـته آهسته گام برداشت و در کنـار قبور در نهـایت ادب و احترام بـاز ایسـتاد؛ چرا که پس از قبر پیـامبر گرامی اسـلام (صـلی الله علیه وآله) مقـدّس‌ترین و با فضـیلت‌ترین مکانها در مدینهٔ منوّره، مزار بقیع، زیارتگاه امامان مظلوم و آن شـهیدان شاهد است. این مکان مقدّس، محل دفن چهار امام معصوم (علیهم السـلام) و همسـران و فرزندان رسول خدا (صـلی الله علیه وآله) و جمع کثیری از صـحابه و یاران آن حضـرت و شماری بسیار از علما و شهدا و بزرگان اسلام است. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) می‌فرماید: سرزمین بقیع

ص:۱۶۱

نخستین مکـانی است که در روز قیـامت شـکافته می‌شود و مـدفونین آن سـر از خاک بیرون می‌آورنـد و پس از آن زمین مکّه و در روز قیـامت در صـحرای محشـر هفتـاد هزار نفر از بقیع حاضـر می‌شونـد که رویِ‌شانماننـد شب چهارده می‌درخشـد و بی‌حساب به بهشت در می‌آینـد.» پیـامبر گرامی اسـلام (صـلی الله علیه وآله) همواره به بقیع می‌رفت و حـتی در نیمه‌هـای شب نیز به زیـارت بقیع می‌شتافت و برای آرمیدگان در آن بقعه مبارکه طلب مغفرت می‌نمود.

شایسـته است زائران شـهر مـدینه از زیارت بقیع بهره‌ای ارزشـمند برگیرنـد و برای اهل بقیع طلب معفرت کنند و در آن قطعه بهشتی خطاب به امامان پاک (علیهم السلام) مضامین والای زیارت سراسر معارف جامعه کبیره را ترنّم کنند که به انشاد و انشای امام هادی (علیه السلام) است و با ادب هر چه تمامتر بخوانند و بگویند که ای امامان بقیع:

جهان جسم و شما جان جهانید*** شما هم آشکار و هم نهانید

شما اسرار هستی را امینید*** فروغ آسمان روی زمینید

امیر کشور دلها شمایید*** شما آیینه‌های حق نمایید

ص:۱۶۲

شما یک نور در چندین رواقید*** شما نور حجازید و عراقید

شما در ظاهر و باطن امیرید*** عنایت کرده ما را دست گیرید (۱)

و گویا دعبل خزاعی در قصیده تائیّه خود، وضع تأسف‌بار بقیع را مجسّم می‌نماید و زبان حال شیعیان را به نظم درمی‌آورد:

مدارسُ آیات خَلَت من تلاوة*** وَ مَنزلُ وحی مُقفرُ العرصاتِ

منازلُ قوم یهتدی بهداهم*** فتُؤمَن منهم زَلّةُ العثرات

منازلُ جبریلُ الامین یحلّها*** من الله بالتسلیم و البرکات

منازلُ وحیُ الله معدنُ علمه*** سبیلِ رشاد واضحُ الطرقات

منازل کانت للصّلوة و للتّقی*** و للصّوم و التطهیر و الحسنات

دیارُ عفاها جور کل مُنابذ*** و لم تعف للایام و السّنوات

خانه‌هایی که محلّ فراگرفتن آیات قرآن کریم بود، تهی گشته‌اند. خانه‌هایی که محلّ نزول وحی الهی بود، به بیابان خشک مبدّل شده‌اند. خانه‌هایی که مردمان به برکت آنان و صاحبانشان هدایت می‌یافتند و در اثر عصمت ساکنانشان از هر اشتباه و لغزش در امان می‌ماندند، ویران گشته‌اند.

خانه‌هایی که جبرئیل امین از سوی خداوند با سلام و

۱- دیوان جواد محدثی.

ص:۱۶۳

برکات بر آنها نازل می‌شد؛ خانه‌هایی که محل وحی خداوند و معدن علم و راههای رشد و رشاد آشکار و روشن‌اند؛ خانه‌هایی که برای نماز و پرهیزکاری بنیان یافته‌انـد و برای روزه و پاکی و نیل به حسـنات اسـتوار گشـته‌اند؛ خانه‌هایی که دست جفاکار دشـمن ویرانشان ساخته است نه گذشت روزگاران.

ویرانشان ساخته است نه گذشت روزگاران

یک لحظه به خود آی و نظر کن که کجایی

با عجز بر این خاک گرانمایه بنه سر

گر آمده‌ای بر در سلطان به گدایی

دست طلب انداز به دامان وصالش

شاید برسی از ره لطفش به نوایی

قبور بی‌سایبـان دربرابرآفتاب، داغِ دل هرشـیعه عاشق را تازه می‌کنـد و او را وامی‌دارد که بر غمی کهن و دیرین اشک ریزد و بغض مانده در گلو را در جوار امامان پاک و معصوم رها کند. خاک و سـنگ مزار امامان، گویاترین رنجنامه نانوشته شیعه است و دلهای سوخته و پر از محبت ولایتمـداران اهـل بیت به خاک‌بوسـی چهـار امـام معصوم (علیهم السـلام) می‌رونـد. در آن جـا اشـکها سـخن می‌گویند و حال گویاتر از قال است و چشـمهای اشـکبار، ترجمان دلهای داغدار و بی قرار است. بقیع خود مرتبه مجسّم است. لازم نیست کسی مرتبه بخواند؛ چشمها و قطرات جاری اشک، همه روضه خوان مجلس و گریه کنان محفل‌اند. سخنی

ص:۱۶۴

نیز که نگویی، اشک جاری است و شبها روشنایی آن وادی بی بقعه از نور امامت و مشعل ولایت است و بقیع آشنایی غریب و همدم غربت در جمع آشنایان است و این دیده‌های گریان و دلهای سوخته گواه داغ دل و عشق زائران و ناله بر مظلومیت بقیع است.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: «نحن اهل بیت لا یقاس بنا احد.» (۱)علی (علیه السلام) در فضیلت اهل بیت (علیهم السلام) فرمود «لا یقاس بآل محمد من هذه الامّهٔ و لا یسوّی بهم من جرت نعمتهم علیه ابداً هم اساس الدین و عماد الیقین الیهم یفیء الغالی و بهم یلحق التالی و لهم خصائص حق الولایهٔ و فیهم الوصیّهٔ و الوراثهٔ.» (۲)

و علی‌بن‌موسی‌الرضا ۷ فرمود: «انّ لکل امام عهداً فی عنق اولیائه و شیعته و انَّ من تمام الوفاء بالعهد و حسن الأداء زیارهٔ قبورهم فمن زارهم رغبهٔ فی زیارتهم و تصدیقاً بما رغبوا فیه کان ائمّتهم شفائهم یوم القیامهٔ.» (۳)شیعیان با هر یک ازامامان معصوم خود (علیهم السلام) عهد و پیمانی دارند که وفای بدان پیمان‌در زیارت مشتاقانه و عارفانه قبور آن ذوات مقدّسه و نورانی‌تبلور می‌یابد. مقام امامت و ولایت تکوینی امامان شیعه (علیهم السلام) به تعبیر و فرموده علی بن موسی الرضا (علیه السلام) بسان ستارگان آسمان است: «و هو بحیث النجم من ایدی المتناولین.» تا می‌رسد به «این العقول

آزموده ها ؛ ج۱ ؛ ص۱۶۴

۱- بحار، ج ۶۵، ص ۴۴.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲.

۳- کافی، ج ۲، ص ۵۶۷.

ص:۱۶۵

عن هـذا.» (۱)زائرانی کـه از شـناخت امـامت و ولاـیت محرومنـد، هرگز میهمـان الهی و رسـول الله و از ضـیافت معنـوی آن عزیزان برخوردار نیستند و برای زیارتشان ارج و حرمتی نیست. امام هشتم (علیه السلام) فرمود: «اگر دست شما به ستارگان آسمان می‌رسد، دست و قدرت فکر و عقل شـما نیز به کنه مقام امامت و ولایت خواهد رسـید.» کنایه از این که اوج مقام امامت به قدری بلند اسـت که دسترسی افکار بدان ممکن نیست.

فسـاد دل و جمود عین ناشـی از دنیـاگرایی است و گنـاه که فرمود: «مـا جَفَّت الـدّموع الّا لقسوهٔ القلوب و مـا قستِ القلوب الّا لکثرهِٔ الذّنوب.» این قساوت نمی‌گذارد انسان نور امامان (علیهم السـلام) را بازبیند و گفتارشان را با گوش جان بشـنود. منشأ دنیاگرایی نیز یا نفس امّاره و شـیطان درونی انسان است و یا ابلیس و شـیطان بیرونی. آدمی در جهاد اصـغر، دشمن بیرونی را با سلاح گرم از پای در می‌آورد، اما در جهاد اکبر، نفس امّاره را با ناله و شـیون می‌باید از پای درآورد و راه دل را به سوی کرانه‌های معنویت و شـنیدن گفتار گوهرین امامان معصوم (علیهم السـلام) باز می‌کند و سـلاحش گریه است. کسـی که تضـرع نکند و توشه‌ای معنوی برنگیرد، در جهاد اکبر پیروز نخواهد شد و بی‌بهره گرفتن از محضـر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و امامان (علیهم السلام) به وطن خویش باز می‌گردد.

۱- بحار، ج ۲۵، ص ۱۲۵.

ص:۱۶۶

امیرمؤمنان (علیه السلام) در نامه‌ای به معاویه فضایل اهل بیت (علیهم السلام) را باز می‌شمارد؛ نامه‌ای که بسیار ژرف و ارزشمند است و خود را چنین معرّفی می‌فرماید: «نحن صنائع ربّنا و النّاس صنائع لنا.» و ابن ابی الحدید درباره این جمله در شرح نهج البلاغه سخن می گوید و آن را چنین نقل می کند: «نحن عبیدالله و الناس عبید لنا.» آن گاه امام (علیه السلام) می‌فرماید: «بسیاری در جبهه‌ها کشته می‌شوند، ولی کشته ما سیّدالشهداء لقب می گیرد. شماری بسیار در معرکه جنگ دستشان جدا می‌شود، ولی کسی از خاندان ما که دست او از پیکر جدا می‌شود، به مقام الطیّار فی الجنّة و ذوالجناحین بار می‌یابد.» و سپس می‌فرماید: «اگر امامت و خلافت بر مبنای قرابت باشد، بنابر آیه شریفه (و اولو الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله) به ما می‌رسد و اگر بر مبنای اطاعت و پیروی باشد، باز بنابر آیه شریفه (انّ اولی النّاس بابراهیم للّذین التبعوه و هذا النّبی و الذین آمنوا) به ما

باز می گردد. پس، بنابر آیه اوّل ما به پیامبر (صلی الله علیه وآله) نزدیک هستیم و شما دور و بنابر آیه دوم، ما مطیع و پیرو هستیم و شما عاصی.»

پس ای عزیز، اکنون که دانستی آل رسول (صلی الله علیه وآله) وسایط فیض الهی‌اند و تو توفیق یافته‌ای که در جوار آن انوار مقدّس جای گیری، بقیع را بحری ذخّار تصور نما و آنچه از آب رحمت می‌خواهی، برگیر که همیشه فرصتها دست نمی‌دهد. دنیای خوب را، که زمینه‌ساز آخرتی خوبتر باشد، از امامان پاک‌طلب

ص:۱۶۷

کن و آخرت و جنهٔاللقاء را درخواست نما.

مکّه

نامگـذاری این بلده طیّبه بدین نام از آن روی است که لغت‌شـناسان گفته‌اند: «انّما سـمیّت بذلک لقلّهٔ مائها حیث کانوا یمکّون الماء فیها ای یسـتخرجونها.» (۱)حَمَوی در معجم البلـدان گویـد: وقتی اعراب جـاهلی گمان می‌کردنـد که حـج آنان باطل شـده است، با اینگمان نزد کعبه می‌آمدنـد و هنگام طواف فریاد می‌زدنـد و دسـتان خود را بر هم می‌زدنـد و بعیـد نیست که آیه شـریفه (و ما کان صلوتهم عند البیت الّا مکاء و تصدیه) (۲)اشارتی به همین موضوع باشد.

مکّه مکرّمه و کعبه معظّمه از دیربـاز نزد جمیع طوایف و مردم حرمت و رتبه‌ای والاـ و ارجمنـد داشـته است و نخسـتین کسـی که به زیارت کعبه آمد، آدم ابوالبشر بوده است و پس از او سلسله جلیله انبیا، آن جا را میعادگاه راز و نیاز خود قرار دادند. مکّه، امّ القری و مـادر منـاطق است، منطقه وحی و امن است و همان گونه که مادر، فرزنـدان خود را تغـذیه می‌کنـد، مکّه نیز امنیت و رسالت را به تمام فرزندان خود و مناطق و دنیا می‌رساند. گردهمایی خداپرستان در مکّه، که محلّ فروپاشی

۱- لسان العرب.

۲- سوره انفال، آیه ۲۵.

ص:۱۶۸

بتهاست، به همه مسلمانان درس بت‌شکنی می‌دهد و «ابوذر» ها و «حسین بن علی» ها فریاد و حرکت ظالم‌کشی خود را از کنار کعبه آغاز کردند و ندا سردادند و در پایان عالم هستی نیز بقیۀالله الاعظم قیام خود را از کنار کعبه آغاز خواهد فرمود.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می‌فرماید: «هیچ پیامبری از قوم خود نگریخت مگر آن که به مکّه آمد و خداوند متعال را عبادت کرد تا وفات یافت.» همچنین می‌فرماید: «هر کسی در مکّه بمیرد، چنان است که در آسمان سوم مرده باشد.» و نیز می‌فرماید: «روی زمین هیچ شهری را، جز مکّه سراغ ندارم که هر عملی را در آن انجام دهند، یکی را به صد هزار می‌نویسند.» و نیز نقل است که فرمود: «هیچ شهری را در روی زمین نمی‌شناسم جز مکّه معظّمه، که شراب الابرار یعنی آب زمزم در آن باشد و مصلّای اخیار در آن باشد زیر ناودان طلا که نیکان در آن جا نماز می گزارند.

حرم

واژه‌های حَرَم و احرام و مُحرم از یک ریشه‌اند. احرام، خودشکنی است. مُحرِم آن گاه که احرام می‌بندد، گویی حرم امن خدا را در وجود خود پدید می‌آورد و منطقه وجود خود را منطقه امن و امان و صلح و آرامش می کند و از آلودگیهای مادّی

ص:۱۶۹

و شهوت و غضب، خویشتن را می‌رهاند و از ویژگیهای حیوانی دور می‌شود. آن گاه که مُحرِم، مخیط را از خود دور می‌سازد و دو جامه سپید ساده بر تن می کند، این کار او نشان از جدایی از هر گونه وابستگی و پیوستگی مادّی دارد و همه نمودارهای امتیاز و فخر و برتری را کنار می‌اندازد و زیر پا می گذارد و با گفتن «لبّیک» در میقات عقد احرام می‌بندد و همان گونه که با تکبیرةالاحرام در نماز، حقّ انحراف از قبله را ندارد و هر کلامی جز کلام حق بر او جایز نیست، در این جا نیز نمی‌تواند از حق روی برتابد.

«لبیک» یعنی اگر عمری به دیگران لبّیک گفته‌ام، اینک تنها به خداوند متعال لبّیک می گویم و لبّیک را تکرار می کنم تا در ژرفای جانم لذّت بندگی را درک کنم.

ای مُجِرم مُحرم شده در کنج حَرَم*** مُحرم که شدی بکوش مَحرم گردی

*** ای دل اگر عزم دیار یار داری*** قصد حجاز و کعبه و دیدار داری

شوق شهود حضرت دلدار داری*** اوّل ز دل نقش سوی الله پاک گردان

ص:۱۷۰

احرام چون بستی به کوی عشق ایزد*** لبّیک گفتی دعوت آن یار سرمد

گشتی چو محو جلوه آن حُسن بی حدّ*** دیدی درون کعبه دل نور سبحان (۱)مولانا جلال الدین مولوی گوید: در خانه نمایند که خواجه خانه و خداوند بیت نیز شایسته زیارت و دیدن است و البته این کاری است سترگ و همتی مردانه می‌طلبد و از همین روست که عارفان می‌گویند: حجّ خانه خلیل، آسان است. امّا حجّ حَرَم جلیل، کار شیرمردان است و لکلّ عمل رجالٌ. (۲)

امام صادق (علیه السلام) فرموده است: «احرِم عن کلّ شیء یمنعک من ذکر الله ویحجبک عن طاعهٔالله.» و در تفسیر آیه شریفه (لَاقعدنّ لهم صراطك المستقيم.) (۳)آورده‌اند که مراد از «مستقیم» در این آیه شریفه، راه مکّه است که شیطان بر آن می‌نشیند تا مردم را از آن بازدارد.

گرچه در همه زمانها و مکانها می‌توان به سوی پروردگار به حرکت درآمد و ذات اقدس الهی در همه جا هست: (اینما تولوا فثمّ وجه الله)، (هو معکم اینما کنتم)، ولی نسیم فیض خاصّ الهی و عطر عنایات رحمانی و ربّانی بر اساس حکمت الهی، در

۱- دیوان الهی قمشه‌ای.

۲- لب و لباب مثنوی.

۳- الدّرّ المنثور، سیوطی، ج ۳، ص ۴۲۲.

ص:۱۷۱

مقاطع مکانی خاصّ و فصول زمانی ویژه‌ای وزیـدن می گیرد که پیامبر خاتم (صـلی الله علیه وآله) فرمود: «انّ فی ایّام دهرکم نفحات الا فتعرّضوا لها.» این گفتار گوهرین، گونه‌ای هشدار و بیدار باش است که مواظب باشـید این عطر و نسـیم را از دست ندهید؛ آن را دریابید. توفیق درک میقات برای احرام و کنار گذاردن تعلقات جسمانی و دنیایی از بارقه‌های آن رحمت و نفحه الهیّه است.

مُحرم در میقـات آنچه را به مظاهر دنیایی متعلّق است، از خود دور می کنـد و با احرام هر چه غیر خـداست، از خویشـتن می‌رانـد. او خود را به ربّ و مـدبّر خویش نزدیـک می‌نمایـد و لباس احرام می‌پوشـد. امام صادق (علیه السـلام) می‌فرمایـد که در حـجّ و نیز در عمره بـایستی از میقات مُحرِم شوی: «اعلم انّ من تمام الحـجّ والعمرهٔ ان تحرم من المواقیت التی وقّتها رسول الله لا تتجاوزها الّا و انت مُحرِم.» و ویژگی میقات ذاوالحلیفه و مسـجد شجره آن است که امام صادق (علیه السلام) درباره‌اش فرموده است که در شب معراج آن گاه که رسول خـدا (صـلی الله علیه وآله) عبور می‌فرمود و سـیر آسـمانی داشت، محاذی مسـجد شـجره که رسـید، نـدا آمـد: «یا محمّـد!» پیامبر عرضه داشت: «لبّیک!» خداوند فرمود: «الَم یجدک یتیماً فآویتُ و وجتدک ضالّا فهدیتُ؟!» پیامبر فرمود: «انّ الحمد و النّعمـهٔ لـک والملـک لاـ شـریک لـک لبّیـک.» از این رو، در زمین نیز وقـتی رسول‌الله (صـلی الله علیه وآله) خواست محرم شود، از محاذی همان نقطه، که در آسمانها لبّیک گفته بود، تلبیه را به

ص:۱۷۲

زبان مبارک برای محرم شدن جاری کرد.

کعبه

گفته‌اند که وجه تسمیه کعبه را دو وجه است:

۱- چون این خانه، بلند است.

۲- چـون خـانه خـدا به شـکل مربّع است و در لغت عرب لفـظ کعبه بر شـکل مربّع اطلاـق می‌شود و دربـاره خـانه خـدا چون بسـیار اسـتعمال شـده است، تعیّن یافته است. در قرآن کریم این کلمه گاهی تنها و گاهی همراه با «البیت الحرام» آمده است و گاهی بر آن «بیت» و گاهی «مسـجدالحرام» اطلاق می‌شود. اوصاف کعبه در قرآن کریم، حرام و عتیق و معمور و محّرم آمـده است: (انّ اوّل بیت وضع للنّاس للّـذی ببکّـهٔ مبارکاً و هدی للعالمین فیه آیات بیّنات مقام ابراهیم و من دخله کان آمناً) و در حدیث آمده است: «ما خَلَقَ الله بقعهًً احبّ الیه من الکعبهٔ.» (۱)

کعبه، بیت خداوند است. به ابراهیم (علیه السلام) دستور فرمود با اسماعیل (علیه السلام) بیت او را تطهیر نماید.

کعبه، خانه پدر ماست: (ملهٔ أبیکم ابراهیم)

کعبه، خانه امن ماست: (من دخله کان آمنا)

کعبه، خانه آزاد است: (بیت عتیق)

۱- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳.

ص:۱۷۳

کعبه، خانه مبارک است: (للّذی ببکّهٔ مبارکاً)

کعبه، خانه هر روز ماست؛ زیرا هر روز قبله ماست.

کعبه، یک پرچم است که بایستی در زیرش گرد آییم و سرود توحید سردهیم و هم قیامت را یاد کنیم و هم تاریخ را؛ زیرا مکّه جغرافی نیست؛ تاریخ است و زمین نیست، بلکه زمان است.

کعبه پرچم اسلام است. گرچه خداوند متعال می‌توانست سنگهای کعبه را از سنگهای به ظاهر قیمتی قرار دهد، ولی هر چه ساده‌تر باشد به صفا نزدیکتر است و پرچم گرچه پارچه‌ای بیش نیست، ولی یک ارتش نیرومند به آن افتخار می‌کند و برای برقراری‌اش جانها فدا می‌کند. همه مسلمانان در سراسر جهان به عنوان یک ارتش نیرومند، کعبه را پرچم و درفش خود می‌شمارند. احترام و حرمت کعبه به گونه‌ای است که روایات اسلامی حفظ و بقای دین را وابسته به محفوظ بودن کعبه می‌دانند. مادام که کعبه برپا و برجاست، دین خدا نیز پاینده و استوار است.

امام صادق (علیه السلام) درباره کعبه می‌فرماید: «لا یزالُ الدین قائماً ما قامت الکعبهٔ» (۱)البته تن به سوی کعبه داشتن را سودی نیست برای کسی که دل به سوی خداوند کعبه ندارد. (۲)

هنگامی که ابراهیم (علیه السلام) کعبه را تعمیر می‌فرمود و بالا می‌برد،

۱- همان، ج ۸، ص ۲۰.

۲- همان.

ص:۱۷۴

دیوارها که بالا رفت، دستش به آن نمی‌رسید. اسماعیل (علیه السلام) سنگی آورد تا ابراهیم (علیه السلام) بر آن بایستد و سنگهای دیوار کعبه را کار بگذارد و آن‌گاه که کار به پایان رسید، سنگ را کنار خانه گذاشت به گونه‌ای که به خانه چسبیده بود و آن را کنار درِ خانه کعبه قرار داد و مأمور شد که مقام را قبله خود کند. مدتها قبله همان بود و قرآن نیز می‌فرماید: (واتخذوا من مقام ابراهیم مصلّی) بنابراین، جای مقام، جای فعلی آن نیست و تغییراتی در آن روی داده است. روایاتی از شیعه و سنّی نقل شده که در آنها آمده است: «کان المقام مُلصقاً بالبیت.» و مورّخان نوشته‌اند: «هو الّذی اخرّ المقام الی موضعه الیوم و کان ملصقاً بالبیت.» خلیفه دوم اهل سنّت، مقام را به عقب کشید و در محلّ کنونی قرار داد، امّا مورّخان به انگیزه این کار اشاره نکرده‌اند. امیرمؤمنان (علیه السلام) در خطبه‌ای یکی از موضوعات تحریف شده را تغییر محل مقام ازمحلّی که درزمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) بوده است، می‌داند.

کعبه نخستین مکانی است که برای عبادت خداوند در نظر گرفته شده است. امین الاسلام، طبرسی، ذیل آیه شریفه در مجمع‌البیان نقل می‌کندکه مسلمانان با یهود در مقام تفاخر برآمدند و یهود بر مسلمانان فخر کردند که بیت المقدس با عظمت‌تر و افضل از کعبه است، چراکه محل هجرت پیامبران الهی (علیهم السلام) است. مسلمانان نیز گفتند که کعبه فضیلت بیشتری دارد و خداوند فرمود: نخستین‌بیت کعبه است.

ص:۱۷۵

مرحوم علّامه طباطبائی نیز در تفسیر قیّم المیزان می‌فرماید: نخستین قبله‌گاه کعبه بوده است؛ چرا که کعبه به دست آدم بنا گردید و توسط ابراهیم خلیل الرحمان (علیه السلام) تجدید بنا و معماری شد: (واذ یرفع ابراهیم القواعد من البیت و اسماعیل ربّنا تقبّل منّا) و برای عبادت برگزیده گشت، برخلاف بیت المقدس که توسط سلیمان پیامبر (علیه السلام) چندین قرن پس از ابراهیم (علیه السلام) ساخته شد.

خانه کعبه، مبارک و دارای خیری بسیار است، مایه هدایت خلایق است و در شهر مکّه، نشانه‌هایی آشکار وجود دارد. انسان خائف و گریزان، در این شهر و مسجدالحرام و کنار کعبه، در امان است و با کثرت رمی کنندگان، سنگ ریزه‌ها از بین نمی‌رود. پرندگان بر بالای خانه پرواز نمی‌کنند و بیماران با نوشیدن آب زمزم شفا می‌یابند و هتک کنندگان بیدرنگ به سزا می‌رسند و اصحاب فیل در این شهر هلاک شدند؛ چنان که قرآن می‌فرماید: (الم‌تر کیف فعل ربّک باصحاب الفیل الم یجعل کیدهم فی تضلیل فارسل علیهم طیراً ابابیل ترمیهم بحجارهٔ من سجیل بجعلهم کعصف مأکول).

مقام ابراهیم (علیه السلام)، حجرالاسود، حطیم و زمزم و مشاعر و ارکان کعبه، همه و همه آیات بیّنات حق تعالی هستند. در مسجدالحرام و کنار کعبه، دعا مستجاب است و دستور آمده است که دعا کنیم؛ چنان که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «اکثروا من الصلوهٔ والدعاء فی هذا المسجد.» سیره عملی بزرگان

ص:۱۷۶

معصوم (علیهم السلام) بر این بوده است که در حجر اسماعیل دعا می کردند و از این رو دستور است که در حجر اسماعیل دعا بسیار بخوانید. مرحوم علّامه مجلسی نقل کرده است که مکانهای مناسب دعا عبارتند از:

۱- زیر ناودان طلا، که در حدیث آمده است «ماء المیزاب یشفی المریض.»

۲- مقام ابراهیم.

۳- حجرالاسود.

۴- بین مقام و کعبه.

۵- داخل کعبه.

۶- چاه زمزم.

۷- کوه صفا و مروه.

۸- هنگام دیدن کعبه.

اما صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «الصّلوة فی المسجد الحرام تعدل مأة الف صلاة.»

توجّه به کعبه در حال نماز، پرستش کعبه یا سنگ و گل نیست بر خلاف آنچه ابن ابی العوجاء مُلحد می‌اندیشد، بلکه همه مسلمانان با وجود توجه به کعبه، خدا را می‌پرستند و به خداوند یکتا می گویند: (ایّاک نعبد و ایّاک نستعین) و علّت این که در نماز به کعبه روی می کنند، این است که کعبه قدیمی‌ترین معبد و خانه توحید است که به دست پیامبران بزرگ الهی (علیهم السلام)

ص:۱۷۷

برای اهل توحیـد ساخته شده است و هیچ معبدی از نظر سابقه به پای آن نمی‌رسد. از قرآن کریم برمی‌آید که خانه کعبه برای مردم ساخته شده است و بنابراین، حریمش نیز به اندازه تمامی مردم است؛ چرا که حریم کعبه، بسان حریم مسجدی نیست که واقف زمین آن را تعیین می کند.

کعبه سر گذشتی طولانی و پر از حوادث را پشت سر گذاشته است. از آن جمله این که مدتها به صورت بتکده درآمد و ثنّیین و بت پرستان حجاز بتان خویش را در بالای کعبه و درون آن قرار می‌دادند و به کلیدداری و تولیتش افتخار می کردند. خداوند به ابراهیم و اسـماعیل (علیهم السـلام) فرمـان داد که خـانه من را تطهیر کنیـد و به دیگر انبیـا (علیهم السـلام) نیز گوشـزد فرمود و آنان موظف شدند که کعبه را از لوث بتان پاک کنند تا قبله گاه و مطاف نمازگزاران و زائران الهی باشد.

کعبه بوسه گاه هزاران مجنونی است که در پی لیلای دیدار، رنج بادیه را بر دوش کشیده و بار هجران را تحمل کرده‌اند تا به طواف رسیده‌اند. کعبه عرش زمین اسـتو فرش آسمانو زیارتش، فرض الهی بر دوش مؤمنان مستطیع است. هنگام فتح مکّه رسول خدا ۳۶۰ بت را، که در اطراف حجر اسـماعیل چیـده بودنـد، مشاهده فرمود. هر یک از این بتان در مقابل قبیله پرسـتنده‌اش قرار داشت. پیامبر (صلی الله علیه وآله) نزدیک آمد و عصای مبارک را بر چشم و شکم بتان گذارد و چند بار فرمود: (جاء الحق و زهق

ص:۱۷۸

الباطل انّ الباطل کان زهوقا) و بتان با صورت بر روی زمین می‌افتادند.

از ویژگیهای حجر اسماعیل در کنار کعبه این است که روایات درباره‌اش می‌گویند: «دُفن فیه سبعون نبیّاً.» هفتاد پیامبر الهی (علیهم السلام) از جمله اسماعیل و مادرش هاجر در آن جا مدفونند.

این که آیه شریفه می‌فرماید نخستین خانه‌ای که برای مردمان بنیان نهاده شد، خانه‌ای است که در مکّه است، مقصود آن نیست که خانه و ساختمانی پیش از کعبه نبوده است، بلکه مقصود این است که نخستین خانه‌ای که به نام خدا و به سود عموم تأسیس شده است، همان است که در مکّه معظّمه پایه گذاری شد. تفاوت خانه‌ای که به نام خداوند متعال است با دیگر خانه‌ها در این است که در خانه خدا اراده حق حاکم و سود عموم محور است و در دیگر خانه‌ها اراده شخص حاکم و منافع فرد محور است.

هر خانه‌ای که به دست آدمی بنیانگذاری شود، به سود فرد یا گروه یا ملتی است و به زیان دیگران. جنگها از همین جا آغاز می‌شوند که هر دسته‌ای می‌خواهد منافع خویش را گسترش دهد و دیگران محدود باشند، اما آدمی در کعبه از خودپرستی به خداپرستی بازمی گردد. خانه خدا آن جاست که نام غیر خدا در آن نباشد و از نفوذ و اراده و تصرف خلق بیرون رفته باشد تا همگان آن جا را خانه خود بدانند و با چشم خدا که همه را یکسان می‌بیند به یکدیگر بنگرند و با رشته رحمت حق با هم

ص:۱۷۹

بپیوندند و به نام بندگی خدا، که حقیقت و سرّ ذات انسان است، یکدیگر را بشناسند.

این خانه مبارک، مرکز خیر و برکات است؛ خانه‌ای است که نام خدا و حق و عدالت از آن به سراسر جهان رسیده و برپا شده است. این خـانه هـدایتگر عالمین است و مردم گمراه جهان و کاروان بشـر را به کمال خود، که شـناختن حق و فـداکاری برای نجات خلق است، راهنمایی می کند؛ پرچمی است بر بام کره زمین تا کاروان بشر راه را گم نکنند و خود را به زیر سایه امنیت و عدالت خداوند متعـال برساننـد و در یـک کلاـم، غرض از کعبه نشـانی است که راه گم نشود؛ چشم خـدابین در آن سـرزمین و خـانه باز می‌شود و آیات حق تعالی و صفات الهی، آشکار و روشن، دیده شود.

کعبه محیـط امن است و قومیتهـا و نژادهـا و رنـگ و لباسـها را از میان می‌برد، دست سـتمگران را می‌بنـدد و همه را به یک حقیقت متوجّه می‌سازد و به یک رنگ درمی‌آورد. رسول خـدا (صـلی الله علیه وآله) می‌فرماید: «در پیرامون کعبه قبر سـیصد تن از پیامبران است که آنان گرسـنگی و درد و رنـج کشـیدند و صبر کردند تا وفات نمودند.» همچنین می‌فرماید: «میان رکن یمانی و حجرالاسود روضه‌ای از ریاض بهشت است و نزدیک رکن یمانی دری از درهای بهشت است و دعا در نزدیکی حجرالاسود مستجاب است. هر کس در حجر اسماعیل یا در برابر کعبه عبادت یا

ص: ۱۸۰

استغفار بسیار کند، از گناهان پاک می‌شود؛ چونان که دیگر گرد آن گناه نگردد. نگه به کعبه موجب ثواب و بخشش گناهان گذشته و آینده او خواهد بود. نظر به کعبه عبادت است بی آن که طواف کند و نماز بگزارد و رکوع و سجود به جای آورد.» نیز می‌فرماید: «مجاورت کعبه سعادت و مفارقت آن شقاوت است. در پیرامون کعبه هفتاد هزار فرشته می گردند که برای طواف کنندگان دعا می کنند و آمرزش می‌طلبند. طواف کعبه موجب می‌شود که خداوند متعال اذن شفاعت هفتاد نفر را به طواف کننده دهد.»

طواف

طواف دور خانه خدا، تبلور مقام قرب و وصل عبد و معبود است. طواف همچون نماز است که طواف کننده بایستی مراتب تعظیم و تکریم و بیم و امید و محبّت را مراعات نماید. او مانند فرشتگانی که بر گرد عرش الهی طواف می کنند، باید خانه کعبه را طواف کند. مقصود از طواف مُحرِم بر گرد کعبه تنها

طواف جسم و بدن در پیرامون خانه نیست، بلکه مقصود، طواف قلب با یاد صاحب خانه است. طواف راستین، طواف قلب است و خانه مثال ظاهری در عالم ملک و ناسوت است در ازای بیت معمور در عالم ملکوت. طواف تنها منسکی است که بایستی با طهارت انجام شود. طواف گرد خانه هموزن نماز است و نماز همان

ص:۱۸۱

طواف است که به صورت سکون رو به خانه انجام می‌شود و طواف، همان نماز است که به صورت متحرک بر دور خانه انجام می‌پذیرد و در یک کلام، طواف، نماز متحرک و نماز، طواف ساکن است.

جذبه و عشق بر دو گونه در اعمال عاشق تجلّی دارد: یکی با آرامش و دیگری با جنبش و از خود بیخود شدن. طواف و نماز، باشکوه‌ترین و ملکوتی‌ترین حالات انسان است و انسان در هیچ حالتی به این حدّ از قرب و وصال بهره‌مند نمی‌شود. اگر فرموده‌اند: «الصّلوهٔ معراج المؤمن.» در برابرش فرموده‌اند: «الطواف بالبیت صلوهٔ.» بنابراین، اوج معراج روح را در هر دو مظهر قرب و وصال (یعنی طواف و نماز) بایستی پی جست.

آن گاه که آدم و ابراهیم و اسماعیل (علیهم السلام) طواف گزاردند، جبرائیل (علیه السلام) آنان را کنار حجرالاسود آورد و نخست خود استلام حجر نمود و سپس به آنان گفت که استلام حجر کنند و آن گاه با یکدیگر هفت مرتبه طواف نمودند و در هر دور ابراهیم و اسماعیل (علیهم السلام) هر دو به تمام گوشه‌های کعبه دست کشیدند. فرشتگان به ابراهیم (علیه السلام) سلام گفتند. ابراهیم (علیه السلام) پرسید: «شما در طواف خود چه می‌گویید؟» عرض کردند: «پیش از روزگار آدم، سبحان الله و الحمدلله و لا اله الّا الله و الله اکبر می‌گفتیم. چون به آدم گفتیم، وی فرمود: و لا حول و لا قوّهٔ الّا بالله را نیز بسیار گویید.» ابراهیم فرمود: «العلیّ العظیم را نیز

ص:۱۸۲

بر آن بیفزایید و از این پس بگویید: لا حول و لا قوّهٔ الّا بالله العلیّ العظیم.» پس از آن، موسی و شعیب و نوح و سلیمان بن داوود (علیهم السلام) نیز بر گرد خانه طواف می‌نمودند و هر یک به گونه‌ای تلبیه می گفتند.

فرشتگان به آدم (علیه السلام) گفتند: «ما هزار سال پیش از شما حج می گزاردیم.» و سپس پیشاپیش آدم (علیه السلام) حرکت کردند تا او هفت دور طواف کند و آن گاه دو رکعت نماز رو به روی کعبه گزارد. هیچ فرشته‌ای را خداوند متعال به زمین نمی‌فرستد مگر آن که او را به زیارت کعبه فرمان می‌دهد. هفتاد و پنج پیامبر (صلی الله علیه وآله) حج گزاردند و همگان طواف کردند. از جعفربن محمد صادق (علیه السلام) پرسیدند: «آیا پیش از بعثت نبیّ اکرم اسلام نیز مردم حج می گزاردند؟» حضرت فرمود: «آری و قرآن هم در هنگام بیان ماجرای شعیب و موسی این حقیقت را تصدیق می‌فرماید که شعیب به موسی فرمود: (انّی ارید ان انکحک احدی ابنتیّ هاتین علی ان تأجرنی ثمانی

حجج فان اتممت عشراً فمن عندک و ما ارید ان اشقّ علیک ستجدنی ان شاءالله من الصّالحین قال ذلک بینی و بینک ایّما الاجلین قضیت فلا عدوان علیّ والله علی ما نقول وکیل). (۱)

از لحظات شیرین که برای زائر هنگام طواف کعبه پدید

۱- سوره قصص، آیه ۲۷.

ص:۱۸۳

می‌آید، آن است که پس از اعمال، پرده کعبه را بگیرد و خود را به کعبه بچسباند و اشک و آه و ناله و گریه و بدن خود را بیمه کند تا به آتش دوزخ نسوزد. اصمعی گوید: نیه شبی علی بن الحسین زین العابدین (علیه السلام) را دیدم که اشک فراوانی در تاریکی شب در کنار کعبه چون مروارید از دو چشم مبارکش می‌ریخت و مناجات می‌کرد:

یا مَن یُجیبُ دعاء المضطرّ فی الظلم

یا کاشف الضرّ و البلوی مع السّقم

قد نام وفدک حول البیت قاطبةً

و أنت وحدک یا قیّوم لم تنم

ادعوک ربّ دعاء قد امرت به

فارحم بکائی بحق البیت و الحرام

ان کان عفوک لا یرجوه ذو سرف

فمن یجود علی العاصین بالنّعم

زائر خانه خدا در طواف کعبه از حجرالاسود، که به دست راست خداوند متعال تعبیرش کرده‌اند، چرخیدن و حرکت خود را آغاز می‌کند و به همان سنگ مبارک طوافش را ختم می‌کند. او در طواف کعبه از اصحاب یمین است و از راست در راه راست حرکت می‌کند و به یمین الله باز می‌گردد تا با دست راست کتاب مرقوم و پرونده عمل خود را برگیرد و در کنار اصحاب یمین مورد طواف کرّوبیان قرار گیرد، ولی قلبش در

ص:۱۸۴

گردش به دور کعبه و در طواف خانه به سمت کعبه است؛ قلبش نه قالبش، که قلب مؤمن حریم خداست و قبله نما؛ چرا که به قول صائب تبریزی:

دل محال است ز دلدار شود روگردان*** هر طرف قبله بود قبله‌نما می‌گردد

کعبه محرّک جانها و قلوب است. زائر و طائف در گردش و متحرّک است، اما بیت، ثابت است. متحرّک به دور محرّک می‌چرخد تا جایی که عنایات خاصّه صاحب خانه به گردش بچرخد و صاحب خانه عنایات خود را در پیرامونش به گردش وادارد. خانه ثابت است و مطاف با سکون است تا طائف بگردد و در هر گردش گستره معرفت خود را بگستراند.

پیش از این پروانه می‌گردید اگر بر گرد شمع

شمع می‌گردد کنون برگرد سر پروانه را

گردش پرگار موقوف سکون مرکز است

هر که در دامن کشد پا آسمان پیماتر است

امام کاظم (علیه السلام) می‌فرماید: «و كلّ متحرّك محتاج الى من يحرّكه او يتحرّك به فمن ظنّ بالله الظنون هلك.» (۱)

حرکت میان بیت و مقام ابراهیم (علیه السلام) بر مدار هدایت و رحمت حق تعالی است و در خارج مدار، دست آدمی به

۱- اصول کافی.

ص:۱۸۵

یمین الله نیست. پشت مقـام نبایـد رفت که آن جـا دیگر خبری نیست؛ دیگر نه ابراهیم و هـاجر اسـماعیل (علیهم السـلام) و نه پایگاه رفرف و براق و نه مولـد امـام علی و نه چیز دیگر است. آدمی تنهـا می‌مانـد و پـایش بر هیـچ جـا بنـد نیست و اربـاب متفرق دنیـا او رامی‌برنـد: (ءارباب متفرّقون خیر ام الله الواحـد القّهار). بایـد طائف از قالب بیرون رود و به قلب بزنـد؛ با سـر برود تا به سـرّ برسـد و اسـرار شود و سـرّ السـرّ را بعینه بیابد. در طواف گویند: خود بگرد و خود بچرخ و خود برو و در میان بایست و از ابراهیم خلیل (علیه السـلام) پیروی کن. تـو، که از ملت ابراهیم هسـتی، لبّیـک گـوی و همراهش برو که گفته‌انـد بی پیر مرو تـو در خرابـات، بی پیر به ظلمات مزن همراه پیر برو.

چشم در صنع الهی باز کن لب را ببند

بهتر از خواندن بود دیدن خط استاد را

ص:۱۸۶

امام خمینی (قدس سرهم) در شرح دعای سحر آورده است: مگر ممکن است بی کندن نعلین شهوت و غضب از پای نفس و بی ترک هوا و یکباره دل به حضرت مولا بستن، به طور قرب رسید.

حافظ هر آنکه عشق نورزید و وصل خواست

احرام طوف کعبه دل بی وضو نیست

*** چگونه طوف کنم در فضای عالم قدس

که در سراجه ترکیب تخته بند تنم

ص:۱۸۷

ای عزیز! چه بسا در مدّت عمر، همین نوبت توفیقت یار شده است و به زیارت و طواف کعبه رسیده‌ای و نعمت مجاورت مدینه پیامبر (صلی الله علیه وآله) و مکّه معظّمه را یافته‌ای. بکوش که در هنگام فراغت، از طواف و نماز و تلاوت قرآن سود جویی. غفلت تو را نگیرد که شیطان فریبنده است. زمان به سرعت می گذرد و ناگهان بانگ رحیل سر می‌دهند که قافله در حال بازگشتن است. شیطان همواره آدمی را در عبادت وسوسه می کند که در آینده و سفرهای بعد این کارها را انجام می‌دهی. او نمی گذارد در جوار کعبه و مطاف و حین طواف، توبه و استغفار کنی، نمی گذارد نماز بخوانی، نمی گذارد قرآن تلاوت کنی و وقتی چشم باز می کنی که همه چیز پایان پذیرفته است. آینده را خدا می‌داند که آیا موفق شوی یا نه. بگو این جا مکّه است، این جا مدینه است، این کعبه بیت الله الحرام است، این خانه، خانه نبیّ و ولیّ و وصیّ و زهرای مرضیه است و اینها همه بازار آخرت است. برای قیامت کبرای خود توشه‌ای برگیر که فردای قیامت اهل محشر می گویند: ای کاش از پیش ذخیره‌ای برای خود فرستاده بودیم و فرشتگان الهی در آن روز از سوی ربّ الارباب می گویند:

هین چه آوردید دست آویز را*** ارمغان روز رستاخیز را

در مکّه و مدینه به زیارت و طواف و نماز و قرائت قرآن،

ص:۱۸۸

وقت خود را صرف نما و استغفار در اسحار را پیشه ساز که اولیای الهی (کانوا قلیلا من اللّیل ما یهجعون و بالاسحار هم یستغفرون).

شو قلیل النّوم ممّا یهجعون*** باش در اسحار از یستغفرون

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می‌فرماید: «استکثروا من الطواف فانّه اقل شیء یُوجَدُ فی صحائفکم یوم القیامه.» و نیز می‌فرماید: «انّ الله یباهی بالطائفین.»

اعضا و جوارحی که با کعبه و حجرالاسود تماس می‌یابند و شرافتی ویژه فراهم می‌آورند، سزاوار نیست دیگر به گناه و خطا آلوده گردند. زبانی که دعوت حضرت حق را لبّیک گفته است، نباید به خواسته‌های شیطان درون و بیرون لبّیک بگوید. دست و لب و دهانی که با حجرالاسود و ارکان کعبه و مرقد مطهر نبوی و بقیع نورانی تماس یافته‌اند، دیگر نباید با گناه و ناسزا آشنا شوند.

باید از مرکب گناه پیاده شد و آن گاه سوار بر مرکب راه شد. باید قبل از شست و سوی بدن، جان فرورفته در چاه گناه را تطهیر کرد. تنها کندن چند جامه از تن و جدا شدن از زن و فرزند و دور شدن از وطن کافی نیست؛ ای عزیز! اخلاص لازم است.

امام سجاد (علیه السلام) به یکی از آنان که می‌خواهد حج بگزارد،

ص:۱۸۹

می‌فرماید: «فحین دخلت الحرم نویت انّک حرمت علی نفسک کلّ غیبهٔ تستغیبُها المسلمین من اهل ملّهٔ الاسلام.» آیا هنگامی که به حرم پای نهادی، نیّت کردی که از این پس، خود را از هر گونه غیبت و نسبت ناروا که در غیاب مسـمانان بدانان روا داشته‌ای، دور کنی و هنگامی که به مکّه رسیدی نیّت کردی که جز خدا در این سفر مقصد و مطلوبی نداشته باشی. اگر هنگام طواف نیّت نکرده‌ای که از شرّ شیطان و حیله‌هایش و نفس امّاره به دور باشی در حقیقت طواف بیت نکرده‌ای. بایستی هنگام نماز طواف نیّت کنی که با این نماز پشت شیطان را بر خاک خواهی زد. اگر طواف و نماز طواف تو چنین نباشد که به مقام قرب حق تعالی برسی، بدان که این طواف و نماز نه ارجی دارد و نه تأثیری.

گرچه پشت پا زدن به هوسهای دل و چشم پوشی از تمتّعات و لذّتهای دنیوی و دوری از اخلاق ناپسند و صفات رذیله بسیار مشکل و سخت می‌نماید، ولی گفته‌اند:

چه خوش گفت آن مرد دارو فروش

شفا بایدت داروی تلخ نوش

طواف باید همراه با این فراق و مفارقت از رذایل باشد و گام در راه کعبه گذاردن، چنین جداییهایی را می‌طلبد. باید علاقه‌های ناروای دنیایی از دل بیرون رود و صفحه قلب از تیرگیهای رذایل اخلاقی پاک گردد و آیینه دل تصفیه و صیقلی

ص:۱۹۰

شود. هر دم و هر لحظه شیطان مراقب است که ما را بفریبد. باید آگاه و هوشیار باشیم که زائر خانه خدا و مسافر الی الله و مهاجر الی الله هستیم.

حجرالاسود

حجرالاسود چونان پرچمی است که رمز و نشانه شرافت مسلمانان است و استلام حجر ارج نهادن به این پرچم است. دستور داریم بر آن بوسه نهیم. روایات اهل عصمت (علیهم السلام) حجرالاسود را «یمین الله فی ارضه» خوانده‌اند و برخی دیگر از روایات، آن را «قلب بیت الله الحرام» دانسته‌اند. گویی قدس و جلال و معنویت و جذبه و شکوه از این نقطه به سراسر بیت می‌رسد؛ همان گونه که بیت به مسجد و مسجد به مکّه و مکّه به حرم و حرم به سراسر جهان نور می‌افشاند. قلب معنویت در حجرالاسود می‌تپد و رمز وحدت همه بشریت است و نزد حجرالاسود تمام مردم از یک نژاد و یک خاک و یک طبیعت برشمرده می‌شوند. استلام حجرالاسود در هر شوط از طواف مستحب است و کاری پسندیده است، ولی به هنگام ازدحام جمعیت نباید بر دیگران فشار آورد و به آنان آزار رسانید.

عبدالرّحمان بن حجّاج می گوید: با سفیان ثوری در حال طواف بودم. از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نزد حجرالاسود چه می کرد؟ فرمود: «در هر طواف واجب و

ص:۱۹۱

مستحّب حجرالاسود را لمس می‌فرمود.» و نیز نقل است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) هنگامی که سواره طواف می‌فرمود، چوب دستی خود را به حجرالاسود می کشید و سپس نوک چوب دستی را می‌بوسید. البتّه رسول خدا (صلی الله علیه وآله) که در هر طواف حجر الاسود را لمس می‌فرمود، راه را برایش باز می کردند، امّا اگر پرازدحام باشد، امام صادق (علیه السلام) به عبدالرحمان فرمود: «من ازدحام را دوست ندارم.» و امام کاظم (علیه السلام) درباره طواف رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «ویستلم الحجر فی کلّ طواف من غیر ان اوذی احداً.»

و فرزدق در شأن امام سجّاد (علیه السلام) می‌سراید:

یکاد یمسکهُ عرفانُ راحتِه*** رکن الحطیم اذا ما جاء یستلم

دست گزاردن بر حجرالاسود گونه‌ای معاهده و پیمان است با حضرت ابراهیم (علیه السلام) که مانند قهرمان توحید با هر گونه شرک و بت پرستی مبارزه کنیم و از یکتا پرستی منحرف نگردیم و در زندگی خویش از جادّه توحید بیرون نرویم. در استلام حجرالاسود، زائر و طائف با قهرمان توحید، ابراهیم (علیه السلام) و با منادی توحید، واپسین رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بر حفظ توحید بیعت می کند و می گوید امانتی را که بر عهده‌ام بود، یعنی زیارت خانه خدا، ادا کردم و به پیمان خود وفا کردم تا تو به روز قیامت گواهی دهی که: امانتی ادّیتها و میثاقی تعاهدته لتشهد لی بالموافاة.

نقل است که گروهی هنگام استلام حجر می گفتند: «انّی

ص:۱۹۲

اقبّلک و اعلَم انّک لا تضر و لا تنفع.» امّا بعضی از وابستگان اهل بیت (علیهم السلام) پاسخ دادند: «والله انّه لَیَضرّ و ینفع.» ویژگی حجرالاسود این است که همانند مسجد، که روز قیامت شفاعت و شکایت دارد، آن نیز شفاعت و شکایت دارد. از برخی شکایت می‌کند و به سود برخی دیگر شفاعت می‌کند. این سنگ بنابر نقل محدّث قمی در سفینة البحار ویژگیهایی دیگر نیز دارد و از آن جمله، نشان بیعت خدا با انسان است و بوسیدن و استلام و اشاره ما، تجدید بیعت با خدای فطرت آفرین است.

هنگامی که ابراهیم خلیل (علیه السلام) حجرالاسود را در کعبه گذارد، نوری از حجرالاسود درخشید که شرق و غرب چپ و راست را روشن ساخت و از همین رو بود که خداوند متعال هر جایی را که نور حجرالاسود بر آن تابیده بود، حرم قرار داد.

از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند: «کیف صار النّاس یستلمون الحجر و الرکن الیمانی و لا یستلمون الرکنین الآخرین فقال انّ الحجر الاسود و الرکن الیمانی عن یمین العرش و انّما امرالله ان یستلم ما عن یمین عرشه.» (۱)

از رسول نقل است: «حجر الاسود و مقام ابراهیم فردای قیامت می‌آیند و با زبان خود گواهی می‌دهند برای کسانی که آنها را درک کرده‌اند و استلام نموده‌اند.» و نیز نقل است که

۱- وسائل، ج ۹، ص ۳۲۰.

ص:۱۹۳

فرمود: «در روی زمین چیزی از بهشت بـاقی نمانـده است جز حجرالاسود و اگر در روزگار جاهلیت، مشـرکان با دسـتان نجس خود آن را لمس نکرده بودند، هیچ بیماری از آن شفا طلب نمی‌کرد مگر آن که از کرم الهی شفا می‌یافت.»

در روایتی دیگر می‌فرمایـد: «اسـتلام حجرالا‌سود و بوسـیدن رکن یمـانی موجب می‌شود که گناهـان شـخص، ماننـد برگ خشـک درختان بر زمین بریزد و هیچ شهری را سراغ ندارم که چنین فضیلتی در آن باشد جز شهر مکّه، که کعبه در آن جای دارد.»

سیف تمّار می‌گویـد: به امـام صـادق عرض کردم که نزد حجرالاسود رفتم؛ ازدحام بود. از شخصـی پرسـیدم، پاسـخ داد: حتماً باید استلام کنی. آیا چنین است؟ فرمود: «خیر، اگر ازدحام نبود، استلام کن وگرنه از همان دور سلامش کن.»

صفا و مروه

کوه صـفا را «صـفا» نامیده‌انـد؛ زیرا از وصف انبیـا، به ویژه آدم (علیه السـلام) بهره برد؛ چنـان که در قرآن کریم آمـده است (انّ الله اصطفی آدم و نوحاً و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین). آدم بر کوه صفا در

برابر بیت ایسـتاد و از «مصـطفی» بودن آدم این کوه صفا شد و هر کس که از این کوه صفا، «صفا» برگیرد، مصطفای خداوند متعال خواهد شد.

صفا، یادگار نخستین فریاد اعلام نبوت خاتم الانبیاء است.

ص:۱۹۴

صفا، یادآور خاطره‌های هاجر، مادر اسماعیل (علیه السلام) است آن گاه که در طلب آب کاوشگرانه و بی صبرانه سعی می کرد.

صفا، نمایشگر حالت بیم و امید و خوف و رجا و آن همه خاطرات روحانی و ملکوتی و سیر انفسی است. در آن جا، مُحرِم کو به کو دنبال دوست می گردد و بی‌صبرانه و بی‌تاب و مضطرب در پی قرب است و در حال حیرت سرگشتگی به سعی خود ادامه می‌دهد و جزر و مدّ روحی را در کوشش خود برای ادامه راه وصال به نمایش می گذارد؛ چرا که در حدیث است که خداوند متعال هیچ منسکی را به اندازه سعی دوست نمی‌دارد و این بدان سبب است که همه جبّاران و گردنکشان در این جا خوار می‌شوند. (۱)

در سال هفتم هجرت، آن گاه که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) برای عمرهٔالقضاء به مکّه آمد، به مشرکان فرمود تا بتان را از صفا و مروه بردارند. چون بتان را برداشتند، آن حضرت سعی صفا و مروه را به جای آورد. پس از طواف، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) دوباره بتان را نصب کرد. یکی از اصحاب، که سعی را انجام نداده بود، شرفیاب شد و عرضه داشت: «قریش بار دیگر بتان را نصب کرده‌اند و من نیز هنوز سعی را انجام نداده‌ام.» آن گاه این آیه شریفه نازل گردید و به دنبال نزول آیه، در حالی که بتان را

۱- علل الشرایع صدوق.

ص:۱۹۵

در صفا و مروه نهاده بودند، مسلمانان سعی می‌کردند تا آن گاه که پیامبر حج خویش را به جای آورد و بتان را برداشتند: (انّ الصّفا والمروهٔ من شعائر الله فمن حجّ البیت او اعتمر فلا جناح علیه ان یطّوّف بهما و من تطوّع خیراً فانّ الله شاکر علیم).

زائر خانه خدا در هنگامه سعی صفا و مروه، حال مادر اسماعیل (علیه السلام) را در جان و روح خود مجسّم می‌کند؛ چرا که آن مادر غریب و تنها، در آن بیابان بی آب و علف بی آن که از رحمت خدا مأیوس شود، هفت بار برای یافتن آب میان دو کوه سعی کرد و سرانجام مشمول لطف الهی شد و به مقصود خویش رسید و با جوشش آب از زیر پای اسماعیل (علیه السلام) هر دو از تشنگی رهایی

یافتند و برای همیشه درس مقاومت و وصول به هدف را از یک سو و درس امیدواری به خداوند متعال در هنگام ناامیدی از اسباب مادّی را از سوی دیگر به ما آموختند.

والسّلام

{

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فى سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۶۰۹-۰۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».